کتابخانه اطلاعات
تهران ۱۳۲۰
۱۳۹۶
۴۳
تاریخ ۱۳۳۴/۵/۶

(۱۷۴۱)

هو المعین

تربیت

روزنامه آزاد هفتگی — صاحب امتیاز ذکاء الملک مدیر مدرس سیاسی

پنجشنبه هفتم شهر صفر المظفر سنه ۱۳۲۳ هجری — سیزدهم آوریل ماه فرنگی سنه ۱۹۰۵ میلادی

قیمت در دار الخلافه طهران نمره سیصد دینار — نمره سیصد و پنجاه و ششم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله هیجده هزار دینار — در تمام روسیه چهار منات — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دار الخلافه طهران طبع میشود جریده علمی و ادبی و سیاسی — سال هشتم — قیمت اعلان سطری یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

بسمه تبارک و تعالی

پروردگار جهان تاب و توان داد و سال هفتم روزنامه تربیت را طوری بسر رسانیدیم که خود نیز امیدوار نبودیم و اگر از پیش میگفتند باور نمینمودیم در زمین سرزمین که مائیم و مانند گیاه بزی نشو و نما مینمائیم اسباب کار کمتر فراهم است و مانع و مشکل چندانکه بخواهید و از عهده تحمل آن برآیید و در چنین عالمی با قید صحت چون میشود فرصت درستی حاصل آید اسباب تعجب فراوان است و جای شکر و امتنان بهرصورت اداره تربیت در تمام سال گذشته خرق عادت نموده و بر مجاهدت افزوده ثبات قدم بخرج داده و حوادث کوناکون را وقعی ننهاده اقتضای وقت و تقاضای زمان را بدین دولت و ملک و ملت خدمتها کرده و زحمتها کشیده که اگر مثل و مانند آن در مملکت ما ممتنع نباشد بیشتر و بهتر ازین ممکن نیست

سر خودستائی ندارم و بخیال هنرنمائی نیستم با وجود این باید بگویم و بدانند که در سنه ماضیه از وقایع مهمه چیزی در روی زمین واقع نشد که بشرح آن نپرداختیم و خاطر مطالعه کنندگان محترم را مستحضر نساختیم در انتشار حقایق علمی و دقایق ادبی اهتمام نمودیم و درها از دانش بروی طالبان آگاهی گشودیم از نشر مسائل سیاسی و مطالب دولتی نخفته فروگذاشتیم و تاریخ مسلمانان آسیائی که از مفاخر اسلام است تألیف کرده نگاشتیم راهی از مکارم اخلاق پیش گرفته طریق استقامت سپردیم و در اسپستان عشق و عفت را که ناسخ شور شیرین و محنت فرهاد ممکن است به پایان بردیم علت ترقی و تنزل امم و ملل را بدلایل عقلی و براهین تاریخی روشن و معلوم کردیم و از ذکر جمیل نیکوکاران برای صاحبان خیر ره آوردهای ماندنی آوردیم و سرآمد جمله خبرها سوانح شرق اقصی بود که از طول و تفصیلهای درهم برهم مشکل و مبهم مینمود و ما محض توضیح و آسان کردن کار یاران و خلوص خدمت بحق گذاران حشو و زاید را دور انداخته خلاصه و حقیقت را بدون اغماض و طرفداری بنظر هارسانیدیم و البته برای استخراج پنجاه سطر مطلب اقلاً پنجهزار بیت خواندیم و با اینهمه جهد و مراقبت باز کمال امتنان را از هواخواهان تربیت داریم که حق قدردانی را ادا نموده و مینمایند و بر رغبت و شوق ما بکار و خدمت می‌افزایند و اگر بعضی از عوانان در پی آزار ما از آن است که دردمندند و عالی ندارند

با دوست باش گرچه همه آفاق دشمنند
کو مرهم است گر دگران نیش بزنند

حرف بسیار است و شکر و شکایت بیشمار و هرچند طبع لطیف طاقت سکوت ندارد اما هر سخن جائی و هر نکته مکانی دارد عجالةً باید بتوفیق و تأیید کردگار سال هشتم روزنامه تربیت را شروع نمود بمدح و ثنای ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت قوی شوکت همایون شاهنشاه

معارف پناه مظفر الدین شاه خلد الله ملکه و سلطانه که اصل برکات است و مبدأ عنایات و از حسن اتفاق و لطف مصادف جوانی از گویندگان دار الدوله کرمانشهان درین مورد و مکان زبان تربیت گشته و این کار را چنان ساخته و پرداخته که در خور هزار قسم تحسین و ستایش و شایان هر گونه آفرین توضیح آنکه جناب بلاغت نصاب میرزا احمد متخلص بالهامی کرمانشهانی از صاحبان ذوق سلیم و خیال بلند پروازی دارد بسته هفده سال با طبعی چون آب زلال و شعری مانند سحر حلال و آن نونهال ملکوتی خصال لاهوتی تخلص میکند و راستی که بی مناسبت نیست چه از عالم لاهوت با و مدد میرسد و ناسوت را بملکوت و جبروت مربوط مینماید در عنفوان جوانی بمثابت پیران هفتاد سخن میسراید و جمال حال را بخوبی استادان مجرب آراید و من بنده برآنم که استاد رودکی هم در هفده سالگی بهتر از این شعر نگفته و در و گوهر الفاظ و معانی را باین درستی و صفا کسی درین پستین نسفته باری این اوقات جوان سخن سرا که بترغیب و تشویق صدیق شفیق ما جناب معالی و مفاخر نصاب عمدة التجار و قدوة الحاج حاجی میرزا حسین تاجر حریر فروش از تجار کرمانشاه باداره تربیت اظهار مخالصت مینماید موقع تجدید سال را مناسب دانسته قصیده غرا در ستایش و لیسنعت همایون کل اهالی ممالک محروسه ایران اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه مظفر الدین شاه ارواحنا فداه بنظم آورده و در خاتمه این بی بضاعت را نیز شرمنده کرده و الحق جای آن دارد که عاکفان کعبه حضور باهر النور اقدس یعنی باریافتگان درگاه اعلی و مطیفان آستان سپهر نشان معلی از روی مردمی و نیک نفسی این چامه شکین آمه را در پایه سریر گردون مصیر خسروانی بموقف عرض رسانند و کریم هنرمندان را تأیید مملکت دانند مگر مستعدین بشوق آیند و جوش و جنبشی نمایند خلاصه مخدومی عزیز من میرزای لاهوتی میگوید

کنون بباید می خورد در کرانه رود
زدست ساقی گلچهره با ترانه رود
کز اعتدال ربیعی شکست صولت دی
از آن سپس که تن و جان خلق را فرسود
نعوذ بالله از سال رفته کز آغاز
در سلامت بست و ره بلیه گشود
کهی ز آتش مرداد رخت عمر بسوخت
دمی ز نیشه دی دی کشت عافیت بدرود
چنان ستم که بمازندران ز ستان کرد
نکرد هرگز طوس و سپاه او به فرود
ز رنج سرما آن کز محن سلامت ماند
برشک بود برآنکس که زیر خاک غنود
سپاس بار خدارا که از تطاول دی
نکرد یکسره با جسم ما روان بدرود
هزار شکر که از مازمانه هرچه بکاست
بعمر حضرت ایران خدای حق افزود
چو اصل هست بجانست باک گر روزی
ز گشت چرخ شود فرع بی ثمر نابود
خدای برخی جان ملک کند مارا
که اوست حافظ ما هم چو تا رها پود
غم رعیت خود میخورد چنانکه پدر
بهر زیاده و کم اندهی گرامی رود
چنانکه او همه از بهر ما خوشی خواهد
مباد خاطرش از دور چرخ ناخشنود
بباغ ملک ببالد ز من عاطفتش
همارهٔ شاخ برومند شمر پر شود
خود او بماند بر تخت ملک تا برسد

اگرچه قافیه دال است هندی موعود
کدام نعمت اورا سپاس یارم گفت
کجا بشت توان آب بحر را پیمود
کهین عطایش آزادی جرایدماست
که زنگ جهل زدلهای مستعد بزدود
بویژه تربیت آن نامهٔ خرد آموز
که جان تیره ما را بنور علم آمود
ذکار ملک فروغی بتافت ازپس ابر
همی فروغ بدلهای بی ضیا بخشود
اگر زدانش خود پرده برکشد یکسر
قدز خجلت خور ازفراز چرخ فرود
چه نیک گفت کرمی صاف اگر بود چکند
که مست سازد باآنکه هست درد آلود
شعار خامهٔ او بودی ایزدی و خجسته
اگر رسولی بعد از رسول امی بود
زمین تربیت او بود که لاهوتی
ندیده رنج معلم مدیح او بسرود
جهان علیل بود ای طبیب عیسی دم
خدای را بدمی زین مرض برآور دود
مراین رهی که زهفت و دهش فزون نی سال
بود که بیند اگر ماند چهره بهبود
اگرچه مدحت طفلی چو من سزایش نیست
کسی که پیر خرد حضرت در بستود
دلیل راهم شد میرزا حسین که طبع
دراین چکامه غسل ثنای او بسرود
خدای عالم در ظل شه مظفر دین
بدو بخشد آن را که خود اراده نمود

بعد از ادای واجب که ثنای شاهنشاه عادل باشد مستحب مؤکد بلکه فریضهٔ ذمهٔ انسانیت آن است که بجناب مستطاب معظم بلند قدر مفخم اشرف الحاج حاجی زین العابدین تقی یف باکوئی دام اقباله عرض تشکر نمایم چه بزرگوار فرخنده آثار خیرخواه اسلام و ایران است و مقدم اعیان و در پیشرفت روزنامهٔ تربیت کماکان معاونت میفرماید مگر ساحتی وسیع را بانوار معرفت و بصیرت منور نماید روان مرحوم تقی یف در فردوس برین شاد باد بمحمد و آله الامجاد

(بقیهٔ تاریخ پرت آرتور)

در اوایل ماه اکتبر سنهٔ ۱۹۰۴ در پرت آرتور بیست و سه هزار نفر سرباز بری و شانزده هزار نفر قشون بحری بود و دوازده توپ قلعه کوب جدید بربالای تپه ها برده مستقیما شهر را گلوله باران میکردند و این کار روز بروز سخت تر میشد و کار بانجا کشید که اغلب عمارات شهر آتش گرفت تمام ماه اکتبر را لشکریان ژاپن بکوبیدن پرت آرتور گذراندند و هر نقطه ازین شهر که تیر رس توپهای بزرگ ژاپنی بود منهدم گردید و در ماه مزبور دو فقره کشتی پر ز ذخیره از سفاین روس از اثر گلوله های توپ ژاپنی مشتعل گشت

در اواخر ماه اکتبر دوازده عراده توپ بیست سانتیمتری بژاپنیها مدد رسید و از طرف مشرق و مغرب برج ارهلونگ از بروج معروف حمله ور شدند توضیح آنکه در بیست و چهارم ماه اکتبر حملهٔ دیگر شروع نمودند مقصود ژاپنیها ازین حمله آن بود که تا نیم ماه نوامبر که روز عید میلاد اعلیحضرت میکادو میباشد تمام پرت آرتور را مسخر نمایند اما قلاع پرت آرتور از آن سخت تر و محکمتر بود که ژاپنیها تصور مینمودند یکی از قلاع را که در سر تپه مرتفعی بنا شده بود ژاپنیها طوری گلوله باران کرده بودند که تمام بدنهٔ تپه سوراخ سوراخ شده سربازان ژاپنی پاهای خود را در سوراخهای جای گلوله میگذاشتند و مثل اینکه از دیوار بالا روند از تپه بالا میرفتند خلاصه باآنکه ژاپنیها در آن حمله خیلی پیشرفت کردند باز نتوانستند

بقلاع داخلی پرت آرتور برسند آثار زوال استیل سردار روسی
که قلعه را نگاهداری میکرد دید روزهای مقاومت نزدیک بآخر
رسیده تلگرافی باعلیحضرت امپراطور روس نموده عرض کرد التماس
میکنم این تلگرام را بجای وداع بازپسین قبول فرمائید قبر من در
پرت آرتور خواهد بود

اهالی پرت آرتور در زمان شلیک ژاپنیها خود را در مغاره ها پنهان
میکردند و بعضی از آنها خانه ها از سنگ ساخته در آن منزل کرده
از ترس بیرون نمی آمدند که مبادا هدف گلوله گردند در ماه نوامبر
و اوایل ماه دسامبر ژاپنیها در زیر برج و باره های پرت آرتور مشغول
کندن نقب بودند و در ضمن هم چند دفعه زد و خوردهای سخت نمودند
در یکی از حملات و هجوم عام لشکریان ژاپن پس از چهار روز جنگ
متوالی و چهارده هزار نفر خسارت تپه دویست و سه مطری معروف را
گرفتند و تپه مزبور بتمام بندرگاه داخلی پرت آرتور مشرف بود روسها
سه دفعه بژاپنیها حمله کردند تا تپه دویست و سه مطری را از چنگ
آنها بیرون آرند ولی کوشش بیفایده شد و در هر سه حمله شکست خوردند
و خسارت زیادی دیدند پس از فراغ از رد و دفع حمله های روسی
ژاپنیها بقیه سفاین روسی که در بندرگاه داخلی پرت آرتور بود
پرداختند و بضرب گلوله و خمپاره تمام کشتیهای بزرگ روسی را
باستثنای کشتی سواستاپول که از بندرگاه داخلی بیرون آمد
و بزیر برج و باره خارجی قلعه پناه برد خراب و غرق نمودند معذلک
امیرال توگو فوراً چند فروند کشتی فرستاد و آنها بحمله های عدیده
سواستاپول را هم که آخرین کشتی و قوه بحریه روس در شرق اقصی
محسوب میشد شکسته از کار انداختند

چون عساکر ژاپنی از هدم سفاین روسی فارغ شدند تمام قوای جرثقیل
خود را متوجه خراب نمودن برج و باره های داخلی پرت آرتور نمودند
و یکی از قلاع معتبر معروف بکیکوان شمالی را متصرف شدند آنگاه
بقلعه ارلونگشان حمله کرده دو ثلث از مستحفظین آن حصین را
کشتند و چهل و سه عراده توپ از آنها گرفتند و قلعه را نیز متصرف
شدند تصرف این حصن که یکی از حصون بسیار مستحکم برج و باره های
داخلی پرت آرتور محسوب میشد اسباب نفوذ و استیلای ژاپنیها
برین بندر و شهر گردید و در همین حال باز وقت را تلف نکرده قلعه
شوشیشان را با دینامیت منهدم ساختند و نصف ساحلوی آن قلعه را
در زیر آوار مدفون نمودند

بقیه در نمره آتیه انشاءالله

مکتوب از قزوین (یکی از ثقات نوشته)

بشرف عرض مقدس عالی میرساند یکی از معروفین حضرت
تربیت که این اوقات از طهران آمده بود و سمت آشنائی کامل
با بنده دارد و از جمله اشخاص هوشمند و وطن پرست محسوب
میشود برحسب تصوری از وی سؤال نمودم که عاکفان حضرت تربیت را
مشغله چون است و در اصغاء استماع عرایض هموطنان چگونه
گفت هرچند ملازمان ایشان را مشغله بی اندازه و اشغال بنده و
شما را مجال عرض و گفتار نیست معهذا مظهر صفات و مرآت کمالات
آن جناب همانا اوراق روزنامه گرامی است که دیده و میخوانید
و آفتاب را چه نشانی بهتر از شعاع و فروغش که برخس و خاشاک نیز
میتابد و بخش انوار بباغ و شوره زار نیز مینماید منتها از باغ
لاله روید و از شوره زار خس از ظاهر کلام پی بمعانی وجود میتوان
برد پس بر مراتب استظهار و عوالم اشراق این بنده پرستنده افزوده
و تکرار در عرض و اشاعت این داستان که نه افسانه است و نه روضه خوان
و بمقتضای حقوق بشری شکرانه آن بر دولت خیرخواهان ملت فرض است
ننمایم تا قلم معجز بشیم و رأی صایب ملازمان عالی اجازت برانتشار
این تفصیل دهاد مگر جمله حکام والامقام اوطان عزیز ما نیز براین حسن
نیت تأسی جویند و از این درایت و کفایت سرمشق گیرند چه تا از فضایل
تعریف نکنند و رذایل را تکذیب ننمایند کار ملک و ملت رونق و رفاه
نپذیرد

سابقاً شمه از حسن ترتیبات حکومت قزوین را در یکی از نمره های

گرامی روزنامه خود مرقوم فرموده بودند امروز نیز تکرار و تجدید
آن لازم و واجب شمرده است بندگان عالی این بنده پرستنده را خوب
می شناسند که از این عرض و بیان نه مقصودی دارد نه منظوری
که شایبه بر آن تصور شود از روی مزاجگوئی نیست و هرگز خود را بلاف و
گزاف مشغول ذمت ملت نمینماید
جناب مستطاب اجل معظم سالار اکرم حکمران قزوین که زندگانی
پر سودش دراز باد در این سه سال حکومت قزوین سالی چند
مرتبه بخیال تأسیس مدرسه که فقط مخصوص تعلیم و تدریس و تحصیل اطفال
یتیم بی بضاعت این شهر باشد افتاده و معاونتی از متمولین اهل قزوین
که همه نوع همراهی بر وجودشان مسلم بود ندیدند و هریک بعذری
مختلف معتذر شدند تا امسال جداً در صدد انجام این امر خیر برآمده
و بدواً مشورتی با اعیان مالدار فرموده و تکلیف مخصوصی کردند چهارصد
تومان مخارج فرش و کتاب و دوات و سایر لوازم معلم خانه را شخصاً
قبول و بعلاوه ماهی سی تومان مواجب از خود قرار دادند بازار
آقایان محترم همتی ظاهر ننگشته و حرکتی از جای نکردند حضرت معظم تکلیف
شاق را بیش از این جایز ندیده و خود بتنهائی از طریق دیگر قدم
پیش نهاده و نقشه تربیت این اطفال را کشیدند چند نفر استاد ماهر
از تبریز آورده و کارخانه قالی باقی در اینجا راه انداختند که هم
اکنون قریب سی نفر از اطفال یتیم بی پدر در این کارخانه مشغول
کار و در ک این صنعت نفیس میباشند و بکدمین تحصیل معاش میکنند بعلاوه
شاگردان لباس مخصوص داده و هریک بقدر خور حال خود مزد
معینی دریافت مینمایند و هم این اوقات در صدد آن هستند که معلم
و مشاقی نیز برای آنها معین فرمایند که روزی سه چهار ساعت
بتحصیل خط و سواد بپردازند تا وجودشان از زحمت کار نکاهد و هم دیده
و دلشان از فیض علم و سواد بی نصیب نماند آی کاش که نیاکان ما
نیز اینگونه بر تربیت ما صرف همت مینمودند که هم صاحب صنعت بودیم
و هم دارای علم و کمال امروز در هر هزار پنجنفر با خط و سواد نداریم از گوش

کر و زدیدگان کور

این است مراتب خیرخواهی و دلسوزی این وجود مقدس نسبت بمشتی
اهالی قزوین اما برای آنکه از حسن کفایت و مراتب حفظ و حراستش
عرض کنم یک دهن خواهم بپهنای فلک
گرفتاری سارقین که از عهد حکام قدیم بیادگار بودند سابقاً شنیده
از بیست روز قبل هم چند نفر دزد در اینجا پیدا شده و جا و مکانشان
معلوم نبود و آنچه سعی در گرفتاری نمودند اثر نبخشید تا چند روز قبل پای
دزدی بخانه جناب مشیر الملک رئیس بستخانه مبارکه و صندوقی و اثاثی
باز کرده مبلغی وجه نقد و بعضی اشیاء برقت بردند صبح این خبر بسمع
شریف حضرت سالار حکمران رسیده و قضارا خود این بنده در محضرشان
حضور داشتم از استماع این قضیه تجددی بر آشفت گرهی خویش
بی خبر شنیدم بلکه برای العین دیدم که آن روز را تا دیروقت
بنان و نهاری زدند و نه لب بآب و چای شب را تا ساعت نه گذشته
و سفره شام گسترده در تجسس سارقین برآمدند باز عصر همان روز شرفیاب
حضورشان شده و این سیمای نظیف و وجود لطیف را بطوری منقلب و
مکدر و پژمرده دیدم که رقت بر من دست داد گوئی لباس سیاه را
که ماه محرم است از غصه این قضیه بتن کرده و عزای حال ملت را دارد
بالکلیه از طبیعت خارج گشته و اصلاً هر دو دست بر جبین داشتند
که این خیالات ارجمند از سر بدر نرود و بهر تدبیر است سارقین را
گرفتار سازد باری کینه انعام را گشوده و دست سخا باز نمودند بقدر سه
عملیه کوشیده و بتفکرات عقلیه دستورها دادند تا اینکه شب همان
روز سارقین را گرفتار و پس از استرداد اموال مردم و دستگیری
عموم دزدها شام و غذا میل فرمودند الحق این مسئله سرقت خانه
رئیس صندوق و پیدا کردن بقایا صله چهارده ساعت در قوه احدی
نبوده و یک نوع اعجاز یا سحر در انظار مینماید
زنهای این شهر را میشنوم غالباً در مجالس عزا از صمیم دل دعا بوجود
این شخص محترم و دوام و استقلال حکومتش مینمایند حتی با طفال نیز

اثر کرده مانند پدر این وجود مقدس برای پرستند شخصی که از غیرت و دلسوزی خورد و خواب بر خود حرام کناد آیا دعا و شکرانه وجود مهربانش بر ما فرض نیست ؟ خدای همواره این اشخاص مغتنم را از سوانح روزگار مصون و نظر آفتاب اثر شهریار دادخواه رعیت پرور سایه گستر را بسوی او منعطف و متوجه فرماید تا پیش ازین برای آسودگی ملت و رعیت بکوشد زیاده چه تصدیع دهد که از طلب و یاس بر حضرت تربت پوشیده نیست

اصفهان و آثار حق بزرگان بتعبیر و تحریر یکی از دانشمندان مقصود اصلی و مقصد کلی از نشر اخبار و طبع جراید و آثار تربیت نوع انسان و ترقی ایشان است از حضیض جهل و حیوانیت باوج علم و انسانیت که در حقیقت بنص قرآن کریم و حکم عقل سلیم خلق خلق را همین علت است و همین سبب و جهت و چون برای تذکر و تدبر و معرفت و تفکر سبل و طرائقی است بعد از نفس الخلایق و اثر افعال بالبدیهه اقوی و اتم از اثر اقوال است لهذا از روش نیکان و نیکوکاران و نکوهش بدان و بدکردان در حقیقت بالاترین اندرز است و والاترین نصیحت فواید آن فوق حصر و بیان است و معنی آموختن ادب از بی ادبان

(و بمناسبت جریده ادب از با ادبان)

پس اگر در صفحات جراید و مجلات تصویر و زیر یا دیباچه یا عالمی تحریر مشاهده گردد و شرح حال یا ترجمه احوال و بسط مقال در ذیل آن تمثال ملاحظه شود یا تحسین عصر و نماید و توبیخ بگری را صدر خواند و دیگری را بدر نباید از روی ریا دانند و عیب و خطا شمارند باید هنر بینند و عیب بگذارند و خورده نگیرند و برده پندارند که این عین مداهنه و مکاری بموقع و بجا در این صورت ما را هم دینی است و اجب الادا و جریده فریده ادب بزیارت تمثال معالی مثال جناب مستطاب شریعتمدار ملاذ الاسلام و المسلمین آقای آقا شیخ محمد حسن شیخ العراقین دامت فیوضاته فایز گردیدم چون نظر بظاهر خبر حب الوطن من الایمان هر قدر بگذرد باز روی دل بسوی اصفهان است و از حال آن سامان پرسان و حضرت مستطاب معظم الیها است آن ساحت را مأمن و اصفهان را محل اقامت و وطن قرار داده اند همواره عابر و مسافر و بادی و حاضر محامد صفات و مکارم اخلاق و عادات مراتب عالیه علمیه مدارج سامیه کمالیه مآثر جلیله مساعی جمیله بنای عمارات عالیه احداث بقاع متعالیه مرمت قنوات بالیه عمران ابنیه خالیه مسموع و مقرون بصحت و وقوع مرکوز خاطر و منظور نظر قاصر است و با وجود تغرب ما از اصفهان و عدم تقرب در حضرت ایشان گوییم الاذن تعشق قبل العین احیانا در این وقت که همقلم محترم معظم مدیر مکرم معظم جریده فریده آداب دامت افاداته در این مقام بتقدم قیام جستند و قلت افضل للتقدم ما نیز اقتدا مینمائیم و اقتفا و فریضه ذمه انسانیت را ادا میکنیم

راستی جناب مستطاب معظم آقای شیخ العراقین دامت برکاته برای اهالی اصفهان بلکه ایران وجودی مغتنم است و امثالش قلیل و کم با اینکه تابع دولت علیه عثمانی است در ادا حقوق این آب و خاک که محل علاقه و املاک ایشان میباشد بی اختیار راست از روی ادله و آثار ملک ما را آباد میکند و خاطرها را شاد

سزاوار است با آن نسب شریف آبا و اجدادش که سلفا عن خلف علما را علام و حجج اسلام اند چنین فرخ نژاد و خلف از آن خجسته دودمان یادگار بماند هر کس از اطراف و اکناف از آن حدود عبور مینماید و از گمنام و معروف بخاک وطن مألوف ما قدم میگذارند خصوصش را شیفته و مفتون است بلکه واله و مجنون همگی مداح و ثناخوانند و آن بزرگواری قولی است که جملگی بر آنند

یکی گرمش را میستاید دیگری کرمش را میفزاید این یک جود و سخایش را بیان مینماید آن یک بسجود و تواضع ثنایش می افزاید فلان بزرگی و فتوت و غیرتش را میگوید بهمان راه ارادت و فدویتش میپوید هر کس بزبانی صفت حمد تو گوید

اجمالا مسلم است که حضرت معظم شخصی دانا و عاقل علوم عامل و فاضل و کامل دانای فنون فضایل دارای انواع خصایل خبیر و بینا بصیر

دوانا صاحب هوش و درایت و عقل و ذکا و از همه جا آگاه و باخبر
از راه و چاه بغیرت و فتوت معروف و مغیث مظلوم و ملهوف ملاذ
انام و ملجا خاص و عام

لا یدرک الواصف المطری فضائله وان کن سابقا فی کل ما وصفا
من در همه قولها فصیحم در وصف فضایل تو الکن

خداوندا مثال آن وجود عدیم المثال را لایزال مصون از عین الکمال
بدارد و همواره مقرون بسعادت و اقبال باد (این مختصریست
از مفصل که در موقع بشرح آن میپردازیم)

(تبریز)

وقایع نگار تربیت شرح مفصلی از تبریز نوشته و مبلغی تمجید از جناب جلالتمآب
اجل اکرم مجید السلطنه سالار ارفع دام اقباله العالی مینماید چون
قراین خارجی برصحت گفتار معزی الیه داشتیم بخلاصه آن مطلب
اشاره کرده گوئیم

جناب جلالتمآب افخم مجید السلطنه چندی بحکومت خالصجات دار السلطنه
تبریز مشغول بود و طوری اعمال و مهمات این حکمرانی را اداره نمود که
اسباب تمجید عموم اهالی و خرسندی خاطر خورشید مظاهر حضرت
اقدس ارفع امنع والا ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران صاحب
اختیار مملکت آذربایجان دامت شوکته و حشمته گردید بنابرین شغل
ریاست سواره قراسوران و حکومت دهخوارقان و مضافات را
مزید حکومت و مشاغل سابقه آن جناب نمودند که مراتب کفایت و کاردانی
خود را زاید اعلی ماکان منصه ظهور رساند فی الحقیقه این مرد صاحب
خیالات شایسته و اخلاق مرضیه میباشد و حتی المقدور در جهد در اشاعه
رسوم انسانیت و نصفت و ترک عادات و معمولات ناپسند میباشد
و البته اشخاصی که متصف بصفات حمیده باشند چون صاحب
کلمه نافذه گردند مهما امکن بر روشنی اطراف بیفزایند و اقلا ساحتی را
آراسته و مزین نمایند

(فا)

یکی از صاحبان خبرت و بصیرت که هم در خدمات دولت راه مجاهدت
میرود هم در زحمات ملت سعی میکند جناب میرزا حسنخان معین دیوان
رئیس پستخانه فاسا میباشد که این اوقات در شیراز در اداره جلیله
پست مرکزی فارس متقلد بعضی اعمال میگردد جناب معین
دیوان درین اوان رقیمه تقریظ مانند باداره تربیت مرقوم نموده
بافصاحت تمام و بلاغت ما لا کلام مشتمل بر بدایع افکار و محاسن بیشمار
اما بواسطه کثرت اخبار و جمع شدن آن در مدت تعطیل و روضه خوانی
از نگارش تقریظ مطبوع صرف نظر نموده باظهار امتنان پرداختیم
راستی که اداره تربیت از مهربانی این اشخاص باغیرت همیشه شاکر
و خرسند بوده امیدواریم اولیای دولت علیه نیز قدر اهل خدمت را
بدانند و حقوق ذوی الحقوق را چنانکه باید و شاید مرعی و منظور دارند

دار الخلافه باهره (وزارت بلدیه)

جناب مستطاب اجل اکرم اعتماد السلطنه وزیر بلدیه دام اقباله العالی
در فراهم آوردن اسباب آسایش و رفاه مردم این پایتخت مجد و مفاخرت
و مجاهدت را بحد اعلی می آورد و اگر ما بکمال فراغت نرسیده ایم از آنست
که نردبان پله پله

این اوقات برای نظم دائمی عمل گوشت دار الخلافه که یکی از اهمترین امور
و از اصول زندگانی جنس گوشتخوار جناب مستطاب معزی الیه تدبیر صحیحی
نموده که بعد ما نه دکان دار قصاب میتواند تعدی بخریدار نماید نه خاطر
به آقا نه فلان بهمان جنسی سال را بچهار فصل طبیعی قسمت کرده در هر فصلی قیمتی
معین برای گوشت قرار داده که تخلف از آن ممکن نیست و در صورتی که هم
کس در همه وقت نرخ را میداند البته تقلب ممکن نشود و پوشیده نباشد
که قیمت تعیین شده از روی کمال دقت است و با ترتیب حالیه فی الواقع
قصاب نمیتواند ارزانتر از این بفروشد و الا ضرر میکند و شرح
مطلب را وزارت جلیله بلدیه اعلان کرده و صورت اعلان از قرار ذیل است

(اعلان وزارت بلدیه در باب نرخ گوشت) سنه ۱۳۰۲

بعموم اهالی دار الخلافه طهران اظهار میدارد از غره شهر صفر المظفر

برحسب امر مبارک گوشت را در ظرف سال در چهار فصل بچهار قیمت بدون کم و کسر استیفاع نمایند

در سه ماه بهار چارکی هفت عباسی

در سه ماه تابستان چارکی یکقران

در سه ماه پائیز چارکی بیست و دو شاهی

در سه ماه زمستان چارکی هشت عباسی

اگر احدی از قصابان از این قیمت تجاوز نماید فوراً باداره بلدیه اطلاع دهند

(اعتماد السلطنه)

(اعلان تربیت)

البته صاحبان حس و ذوق ملتفت شده اند که ما در آخر سال هفتم بواسطه وقوع وقایع مهمه یک نمره روزنامه پیش انداختیم که بدل درست تعطیل کرده مشغول روضه خوانی شویم پس اگر یکهفته دیرتر شروع بسال هشتم نمودیم باید سبب را بدانند و گذشته از پیش انداختن کار در این ایام خبر ممی نرسید و نبود و الا بیکار نمی نشستیم سوانح جنگ روس و ژاپن از روز اول سال تاکنون چیزهای مختصراست معذلک باتمام آن را با اخبار زمان بتفصیل خواهیم نوشت و تلافی مافات خواهیم نمود انشاء الله تعالی

(ایضاً اعلان)

مجموعه اشعار ناجی قزوینی از شعرای شیرین زبان عصر را که ظاهراً مطایبات و مضاکهات است و ضمناً نصایح سودمند و نکته های دلپسند بخط خوش و وضع نیکو طبع کرده اند هر کس طالب باشد در خیابان ناصریه زیر شمس العماره در حجره جناب آقا شیخ محمد حسن طهرانی موجود است و بفروش میرسد

(اعلانات دواخانه میسو مولیون)

میسو مولیون فرانسوی دواساز معروف که در خیابان لاله زار تقریباً روبروی مغازه تکو دواخانه دارد اعلانات ذیل را باداره تربیت فرستاده است

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مخملی نمودن پوست صورت و دست مثل ندارد

تمام زنان تمیز که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع خمره و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون بجهت تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر رودوری کرم سیمون گردی است بدون میموت بسیار نرم و چسبان و غیرمرئی

گرد سیمون گلی است بدون میموت زیاد معطر و خوشبو و نتایج مفیده کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار تمیز و بی نظیر است پوست را سفید و نرم و براق میکند

ایضاً این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است شستشوی مقوی دکتر دوشام با کلاو پوست گنه گنه و کاکا و گلیسرو فسفات دوفر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً بیکصد سال رسد قبل از نهار و شام یک گیلاس کوچک از این دوا میخورند نسخه این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطباء دنیا تجویز کرده اند این دوا بالجمله محلول کامل مواد عالمه پوست گنه گنه و کلا و برک کاکا و گلیسرو فسفات دوفرا در بردارد دوروی هم رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است این مواد عالمه که اثر هریک را جمیع اطباء تصدیق کرده بالکمال دقت ساخته میشود و مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و باشخاصی که مبتلا بضعف پیری میباشند یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام و مدد بنیه آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتواند بخرد و مصرف کند قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری نه تومان و محل فروش در طهران منحصر است بدواخانه میسو مولیون در خیابان لاله زار کتبه زین العابدین الملقب بملک الخطاطین

هُوَ المُعِین

روزنامه آزاد هفتگی

تربیت

صاحب هیتیاز ذکار الملک مدیر مدرسه سیاسی

پنجشنبه چهاردهم شهر صفر المظفر سنه ۱۳۲۳ هجری — بیستم آوریل ماه فرنگی سنه ۱۹۰۵ میلادی

قیمت در دار الخلافه طهران نمره سیصد دینار — نمره سیصد و پنجاه و هفتم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله هیجده هزار دینار — در تمام روسیه چهار منات — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دار الخلافه طهران طبع میشود جریده علمی و ادبی و سیاسی — سال هشتم — قیمت اعلان سطری یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

حقایق عقلیه بسیار است که باید بتدریج همه را بانظر مطالعه کنندگان محترم رسانیم اما مطالب نقلیه بواسطه چند روز تعطیل جمع شده و ابتدا بنگارش آن اخبار پرداختیم و بعد بر سر کار خود رویم و مشغول تحقیق شویم اگر تواتر حوادث و توالی سوانح مجال دهد و بیماری و بیکاری دست بردارد و بگذارد و از فرایض که ادا نکرده ایم و باید قضا کنیم جواب مراسلات بسیار است از دوستان محترم و سران معظم که با جهد تمام و سعی بلیغ میسر نگشته و منتظر فرج بعد از شدتیم و در صدد تحصیل وقت و فرصت امیدواریم یاران باوفا و صفا حمل بر بیمبالاتی و عدم اعتنا نفرمایند (من یک سرم و هزار سودا) انشاء الله دانای توانا یاری میکند و از این شرمساری بیرون می آییم و ذمه انسانیت را بری مینمائیم

(بقیه تاریخ پرت آرتور)

پس از انهدام قلعه شون شوان با دینامیت و مدفون کردن نصف ساخلوی آن زیر آوار ژاپنیها آن محل را متصرف شده و باقی مانده ساخلوی را اسیر نمودند و این فتح آخری در صبح روز آخر سال هزار و نهصد و چهار میلادی واقع گردید در ساعت ده همان روز قلعه پالونگ را نیز تصرف کردند و آن قلعه در پشت دیواری بود که سه ذرع قطر داشت دو قلعه دیگر هم در همان روز باعده توپ بچنگ ژاپنیها افتاد باری آن روز چون عصر شد تقریبا نصف برج و باره های داخلی پرت آرتور در اشغال ژاپنیان درآمده بود و کار بر ایشان بسختی رسانده و ژنرال استسل سردار شجاع روس که از سرکردگان بزرگ محسوب میشود از آن وقت دانست و یقین حاصل کرد که بعد ها کوشش و مقاومت بی ثمر است و جز خونریزی بی فایده حاصلی ندارد لهذا نامه به ژنرال نوگی (نوژی) فرمانده سپاه ژاپن نوشت و حامل مکتوب را بسرعت تمام در ساعت پنج روز یکشنبه اول ماه ژانویه سال هزار و نهصد و پنج بار دوی ژاپنی رسید و مضمون آن نوشته از قرار ذیل است

(بملاحظه وضع عمومی نقاط حربیه که در تصرف شما میباشد چنان

(شرح حال واشنگتن)

یکی از رجال نامی دنیا واشنگتن میباشد و آنهائی که میخواهند از اوضاع عالم بیش و کم باخبر باشند باید بالضروره شرح حال و کار و راستی و درستی اعمال و اطوار او را بدانند و در اخلاق کریمه و استقامت رفتار و عادات و رسوم و خصال پسندیده و آداب مرضیه باو تاسی نمایند و آن راه را پیروی کنند بهمت نبود که ما بمطالعه کنندگان محترم وعده داده ایم که سرگذشت زندگانی آن مرد بزرگ را بنویسیم و ضمیمه سایر معلومات ایشان نمائیم تا بدانند هیچکس بزحمت و مجاهدات بجائی نرسیده و شرط اهم یار کن اتم در همه جا حقیقت و صحت است و باطل ناچار طفلی زایل باشد و اگر روزی دو مانند سراب لمعان و جلوه نماید چندان نپاید و بنائی که بنیان درست ندارد زود می نهدم و نابود شود و اثری از او محو گردد باری شروع بمطلب مزبور و فهم آن موقوف بمختصر مقدمه ایست

می بینیم که بیش ازین مقاومت در پرت آرتور کاری نمود مذنیت بنا
برین خوب است جلو خونریزی و کشتن و کشته شدن بندگان خدا را بگیریم
و بترتیبات معاهدهٔ تسلیم پرت آرتور پردازیم اگر شما هم باین امر راضی
هستید چند نفر را معین نمائید که حاضر شوند و در شروط تسلیم گفتگو
و مذاکره کرده بلکه این کار صورت گیرد نیز مکانی را مشخص کنید که
وکلای من با وکلای شما ملاقات نمایند درین موقع از احترامات خود شما را
مطمئن میدارم) (استسل)

صبح روز دوشنبهٔ دویم ژانویه ژنرال نوگی جوابی بمضمون ذیل برای
ژنرال استسل فرستاد

(از نوشتن جواب مکتوبی که در باب مذاکرهٔ مطالب و شرایط تسلیم
مرقوم فرموده بودید مفتخر میباشم برای انجام این مرام ژنرال ایچی را
که یکی از رؤسای لشگر است با چند نفر دیگر از صاحبمنصبان نظامی و بلدی
معین نموده ام آنها وکلای شما را در ظهر روز دویم ژانویه در سوی
شی یانگ ملاقات خواهند نمود وکلای طرفین باید بتوانند از پیش
خود معاهدهٔ تسلیم را امضا نمایند و معطل سؤال و جواب مجلس ثانوی نشوند
نیز باید مضمون معاهده را فوراً معمول دارند هریک از وکلا باید وکالت
نامه که با مضای رئیس آنها ممضی شده باشد بدست داشته باشند
و در مجلس یکدیگر را رد و بدل نمایند جناب شما را درین مورد از احترامات
خود اطمینان میدهم) (نوگی)

بعد از ارسال و مرسول مکاتبات دو سپهدار و وکلای جانبین در محلی
که معین شده بود حاضر گشته و در شرایط تسلیم پرت آرتور گفتند و
شنیدند و آخر الامر قرار دادند بیازده شرط کارگذاران روس
پرت آرتور را بگماشتگان ژاپن تسلیم کنند و بتصرف ایشان دهند
معاهدهٔ تسلیم پرت آرتور حاوی شرایط یازده گانه نوشته و امضا
شد و مامورین دو طرف پس از اظهار مخالصت و تحسین و تمجید از همت و
اقدام ژاپنیها و ثبات و پاداری روسها از هم جدا شده و بموجب
معاهدهٔ مزبور پرت آرتور را عساکر روس بتصرف لشگریان ژاپن دادند
نگارنده گوید برای آنکه فصول یازده گانهٔ شرایط تسلیم پرت آرتور در
یک نمره باشد و بهتر مفهوم گردد آن را بتمامه برای نمرهٔ بعد گذاشت و
تجزیه صورت معاهده را جایز ندانست بقیه در نمرهٔ آتیه انشاء الله

(بعضی احتیاطها و دستور العملها در باب چشم و عینک)

نگارش جناب فضایل مآب دکتر میرزا حسینخان سعید
الاطباء دامت افاضته

بسیاری از مردم که طبعاً و بالذات نور چشم ایشان کم است یا آنکه بواسطهٔ
کبر سن یا عارض شدن علت و مرض و یا بسبب مطالعه و تحصیل زیاد ضعف
و نقصان در قوهٔ باصرهٔ آنها هم رسیده محتاج بعینک هستند و در فرنگ
چون اسباب این کار از هر جهت موجود است و در هر محله و معبر کجاها
هستند که عینک را تعیین میکنند این مطلب کمال سهولت را دارد
و علاوه بر آن باید دانست که باید اول نمرهٔ چشم را تعیین کرد و بعد عینک را
انتخاب نمود اما در ایران اسباب این کار که فراهم نیست سهل است
در پارهٔ نقاط هم که تعیین عینک میشود غالباً باشتباه میروند و قبل از امتحان

یعنی باید دانست که اما زونی یا دول متحدهٔ امریکای شمالی که امروز در تمدن و ثروت و تمکن و قدرت میان تمام دول رتبه و مقام اولیت دارد و عدهٔ نفوسش ممالک آن حالا زیاده از یکصد و پنجاه و سه کرور میباشد و وسعت خاکش پنج برابر ایران و برتریهای آن بر صاحبان آگاهی پوشیده و پنهان نیست در قرن هیجدهم میلادی چندان اهمیتی نداشت و قسمت عمدهٔ از این خاک را دولت انگلیس مالک و متصرف بود یعنی بعد از کشف امریکا ملل فرنگ در آن اقلیم بنای مسافرت و سیاحت را گذاشتند و نظر باستعداد و خلق بسیاری از وطن اصلی خود چشم پوشیده بآن سرزمین مهاجرت کردند و انگلیسها مخصوصاً در آبادی این نقطه کوشیدند و مستعمرات برقرار نمودند و صد و بیست سال قبل نقاط آباد این خاک که ساحل شرقی امریکای شمالی باشد بیشتر از شش هفت کرور نفوس نداشت و عمدهٔ آنها انگلیس بودند و باقی آن ممالک غیر معمور و تنها مسکن بعضی از قبایل وحشی امریکا یعنی پشکنهٔ قدیم آن اقلیم بود در اواسط

قعر چشم با آلت مخصوص (اُفتالموسکپ) بدو او بدون مقدمه شروع بتعیین عینک مینمایند در صورتی که معلوم نکرده اند که مریض نزدیک بین است (میوپی نزدیک بینی) یا دوربین است (هیپرمتروپی دوربینی) و یا آستیگمات (آستیگمات حال اشخاصی است که چشمشان کروی نیست بعوض آنکه نور در قعر چشم در یک نقطه جمع شود در دو نقطه می افتد) در چنین موقعی هم عینک محدب بچشم مریض میخورد و هم عینک مقعر اما بدون اینکه بتواند بکلی با آنها خوب ببیند

آستیگمات سه شق مختلف دارد اول آستیگمات ساده است یعنی یکی از نقاط قعر چشم معدل است و نور در قعر چشم روی پرده شبکیه می افتد بعبارة اخری این نقطه چشم صحیح است در صورتی که نقطه دیگر آن ممکن است نزدیک بین باشد یا دوربین یعنی نور جلو شبکیه جمع شود یا در عقب آن دویم آستیگمات مرکب است یعنی دو نقطه از قعر چشم نزدیک بین است یا دوربین اما بدرجات مختلف سیم شکل مخلط است یعنی یکی از نقاط نزدیک بین است و دیگری دوربین برای این چنین مریضی اگر حالت اول این مرض را نداشته باشد و دو عینک باید تعیین کرد

غالب مردم در باب جوانهائی که عینک میزنند بدگوئی میکنند که چشم آنها خوب است و احتیاج بعینک ندارند و بملاحظه بی اطلاعی و جهالت آن را برای خود اسباب زینت قرار میدهند و در واقع استعمال عینک باین قسم نهایت مذمت را دارد بجهت آنکه غالب این مردم بدون مشاوره و تجویز کحال عالم فقط بخیال شخص خود یا رفقا عینکهای مختلفه بچشم گذاشته و بالاخره بسلیقه خود یک نمره پیدا میکنند که از چشمشان بهتر است بعد از چندی می بینند که دیگر با آن عینک خوب نمی بینند مجدداً رفته عینک دیگری مانند همان عینک خریداری مینمایند و قس علی ذلک در صورتی که میدانند باین ترتیب نمره چشم را نمیتوان معین نمود و عاقبت بسی مفاسد و معایب هم بر این اقدامات غافلانه ایشان مترتب خواهد گردید اما بعکس وقتی که نمره چشم چنانکه ذکر شد بطور صحیح معین گشت عینک را هرگاه برای دور دیدن تعیین شده است همیشه بکار برده و در وقت تحریر یا مطالعه بردارند و یا عینک دیگری که برای نزدیک دیدن تعیین شده است بزنند پس در حالت چشم اگر شخص جوان باشد تغییری پیدا نخواهد شد مگر در پیرسن پیری که طبیعتاً آن وقت در حال چشم تغییری پیدا میشود و مجبور بتعیین عینک دیگری خواهند بود

بسیاری از مردم دیده میشوند که یا میل خود یا تجویز طبیب عینک دودی میزنند و نمیدانند آن درجه ضیاء و نوری را که چشم بآن عادت دارد نباید بدون داعی و ضرورت از قوه آن بکاهند زیرا که کم کم چشم بتاریکی عادت میکند و بعد نمیتواند نور طبیعی را تحمل نماید غالب مرضی در نزد طبیب خود از تحمل نکردن نور طبیعی یا مصنوعی شکایت میکنند طبیب هم بدون تأمل برای آنها تجویز عینک دودی مینماید و مریض موقتاً راحت میشود اما وقتی که میخواهد عینک خود را برداد از روشنائی روز چشم او متأثر شده و با کمال عجله عینک خود را

مانریه سیجدهم میلادی این مستعمرات انگلیس بواسطه آنکه در تحت اختیار و اقتدار دولت انگلیس آزادی کامل نداشتند و آن دولت را نسبت بخود متعدی فرض میکردند بر دولت مشار الیها شوریدند شخصی که در این مورد و موقع از جهت استقامت و اهتمام و همت و اقدام و عالم دوستی و غیرت و آزادگی اسباب پیشرفت کار ایشان شد موسوم به جرج واشنگتن بود و اهالی امریکا این مرد را بزرگترین رجال دنیای جدید میدانند و تمام دنیا بفضایل و صفات حسنه او معترف میباشند و احترامش را چنانکه باید و شاید مرعی و منظور میدارند و راستی که جرج واشنگتن بتمام روسای ممالک و دول سرمشق داد که قابل ملاحظه و اعتنای همه کس میباشد و پیروی کننده را بمقامی عالی میرساند

جرج واشنگتن در سال هزار و هفتصد و سی و دو میلادی در ولایت ویرژینی که معمورترین ولایات سیزده گانه مستعمرات انگلیسی بود متولد شده جد

میگذارد چنانکه اشخاص بسیاری را دیده‌ام طوری بعینک دودی معتاد شده‌اند که ابدًا روشنائی روز را نمیتوانند تحمل بکنند و مجبور هستند مدام عینک دودی بزنند

بسیاری هم هستند که برای گرد و خاک عینک دودی میزنند و صورتیکه عینک سفید یا خیلی کم رنگ همان کار عینک دودی تند را میکند و معتاد بآن هم نمیشوند

بنابر علیهذا عینک دودی را نباید برای مریض تجویز کرد مگر در صورت لزوم و آن وقت هم مریض مدام نباید عینک را بگذارد بلکه لازم است بعضی اوقات طفره زده موقتًا بردارد

(مدرسهٔ افخمیهٔ استراباد)

وقایع نگار مخصوص تربیت شرحی از نظم و انتظام امور حکمرانی استراباد و اقدامات مجدانهٔ جناب مستطاب اجل اکرم سردار افخم حکمران استراباد و مضافات دام اقباله العالی در تشبیه متمردین طایفهٔ دازاز طوایف ترکمن نوشته و معلوم است که این جمله از وظایف و تکالیف حکام با احتشام میباشد و خلاف آن خاصه از اشخاص باکفایت غرابت دارد از مسطورات وقایع نگار شاید الیه چیزی که در اداره تربیت جلوه مینماید داستان مدرسه است مخصوصًا مدرسهٔ استراباد که زیاده از حد طرف حاجت میباشد

وقایع نگار محترم مامینویسد جناب مستطاب مفخم سردار افخم برای شهر استراباد ترتیب مدرسه داده و مبلغی در راه این کار خیر از جیب قوت خود مبذول داشته و کار مدرسه که موسوم بافخمیه میباشد بانجا رسیده که از اول ماه صفر الخیر مفتوح خواهد شد یعنی معلم و مشاق و سایر لوازم از اساسیه وغیره حاضر شده و اعلان کرده اند که از اول شهر صفر المظفر هر کس فرزند خود را بمدرسهٔ افخمیه برای تحصیل بفرستد قبول خواهد شد

راست بگویم این از آن خبرهائی است که معنی دار و اگر واقعی صورت بگیرد اسباب امیدواری میشود زیرا که رستگاری و فلاح و کلیهٔ صلاح و اصلاح حال امم بسته بمدرسه میباشد روشنتر عرض کنم اعتقاد بنده این اوقات آن است که روزنامه هم بعد از شیوع مدارس و مکاتب و روشن شدن اذهان مردم فایده دارد و گرنه حالا اگر بنده خدائی نکرده خلاف بگویم و در صدد اضلال همشهریان باشم با این بی سوادی و کج طبعی ناشی از عامی بودن کیست که بداند و بفهمد که من چه میکنم باری تا ندانیم که خوب و بد کدام است کار ناتمام است امیدواریم چه در استراباد و چه در سایر بلاد دولتخواهان ملت دوست برای نشر و انتشار علم و دانش قدری بیشتر و بهتر دست بجنبانند که وقت تنگ است و فرس لنگ انشاء الله بعد از آنکه وقایع نگار ما شرح افتتاح و دایر شدن مدرسهٔ افخمیه را نوشت تشکر و عرض امتنان را بدعاوشنای جناب مستطاب اجل اکرم سپهدار افخم دام اجلاله و افضاله میسپردازیم

(دبستان و مریضخانهٔ ایرانیان اسلامبول)

برای مدخرج دبستان و مریضخانهٔ ایرانیان در پای تخت دولت علیهٔ عثمانی یک دو ماه قبل جناب مستطاب اشرف پرنس ارفع الدوله

او از بزرگان انگلیس و از طرف داران شارل اول پادشاه انگلیس بوده در اواسط مائهٔ هفدهم هنگامی که اهالی انگلیس بر پادشاه خود شوریدند آن مرد از انگلیس کوچیده بامریکا رفت و در ولایت پرژینی سکنی گرفت و در آن ناحیه در کنار رود خانهٔ پوتوماک ملک وسیعی خریده آن را برای اولاد و اعقاب خویش بمیراث گذاشت اما واشنگتن در طفولیت خواندن و نوشتن و حساب کردن را فراگرفت ولی برای تفریح و بیکاری وقت زیادی داشت غیر از اینکه آن اوقات را باطل ضایع ننموده چون برادرش از صاحبمنصبان نظام بود با وجود صغر سن بتقلید برادر در روی چمن کنار رود خانه رفتار و همشاگردیهای خود را جمع میکرد و با آنها مشق نظام و فنون حربیه میدادند سان افواج میدید بترتیب محاربات میپرداخت بنابرین شاگردان مدرسه او را رئیس خویش دانسته سردار کل مینامیدند

سفیر کبیر دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول ضاعف الله اجلاله مجلس
بالی ترتیب داده مبلغ چهار صد لیرهٔ عثمانی که تقریباً دو هزار تومان
باشد از آن محفل عاید شد و آن را بمدرسه و بیمارستان مذکور دادند
این اوقات در جراید اسلامبول شرح آن بال با شکوه و جلال را
خواندیم و لذت بردیم از جمله روزنامهٔ مُنیتر آرپانتال که بزبان فرانسه
طبع میشود گوید از وقتی که جناب اشرف پرنس میرزا رضاخان
دانش ملقب بارفع الدوله شغل بزرگ نمایندگی اعلیحضرت شاهنشاه ایران را
در اسلامبول دارد در ایرانیهای شهر ما جنبش مخصوصی دارند و از
هر حیث در راه ترقی عظیمی از مادی و معنوی افتاده و باعتبار
واهمیتی نایل گشته که ممکن نیست سایر طبقات بآنها توجه نکنند و دبستان
ایرانیان و مریضخانهٔ ملی ایشان با بهترین ابنیه که از این جنس است
برابری دارد و در دستگیری مردم خدمات نمایان میکند جناب
اشرف پرنس میرزا رضاخان با عزمی جزم بکفایت و قدرت خود آن
انگیزهٔ خیریه را تأیید و تشویق مینماید و اسباب از دیاد رفاه مادی و
معنوی آن دو ایر را فراهم می آورد و البته آن مساعی جمیله نتایج
حسنه برای بهبودی حال دبستان و مریضخانهٔ ایرانیان خواهد داشت
و باعث و مهیج قدردانی مردم نسبت باین دو ایر خواهد شد چنانکه
در موقع خرید بیت بال که برای فایدهٔ دبستان و بیمارستان مزبور
داده شد این مطلب ظاهر گردید و از جمله مواهب که بواسطهٔ جناب
اشرف میرزا رضاخان شامل حال ایرانیان اسلامبول شده این است
که اعلیحضرت سلطان خلد الله ملکه و سلطانه بتوسط جناب ابراهیم پاشا
وزیر تشریفات بجناب اشرف خبر دادند که مبلغی بدو ایر خیریهٔ ایرانی
عطا میفرمایند جناب فهیم پاشای سرتیپ اجودان مخصوص هم هدیهٔ
کریمانه برای ابنیهٔ خیریه عطا نمودند (پس ازین مطالب شرح
بال است و مبلغی تجید از جناب مستطاب اشرف ارفع الدوله که بعقیدهٔ
ما مستغنی از تعریف میباشند)

روزنامهٔ اسپاتنبول که نیز بزبان فرانسه در دارالسعاده منطبع و منتشر
میگردد گوید هر سال در تالارهای سفارتخانهٔ ایران در اسلامبول
کنسری داده میشد (کنسر مجلس ساز و آواز است) و فایدهٔ
آن عاید دبستان و مریضخانهٔ ایرانیان میگردید امسال جناب
اشرف سفیر کبیر دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبولی یعنی پرنس
ارفع الدوله ادام الله اقباله العالی کنسر را مبدل ببال فرمودند که
حاصل آن زیادتر باشد و دو ایر خیریه بیشتر منتفع شود جناب مستطاب
اشرف معظم میرزا رضاخان خود مجلس را مزین فرمودند و تمام
اجزای سفارت و قنسول ژنرالی هم حاضر بودند محفلی ازین
آراسته تر متصور در نیاید و چشم اندیشه را تا تأمل آن خیره نماید شکوه
و جلالش چنین و چنان نظیر باغ ارم و روضهٔ رضوان و آخر الامر
معلوم شد که این ابداع سفیر کبیر از کارهای درست و نیک بموقع بوده
چه با بنیهٔ خیریه خدمت نموده امید است که این افتتاح سرشق
آتیه شود و سال بسال محکم تر گردد

روزنامهٔ ترجمان حقیقت هم شرحی بهمین مضامین با اطناب در مدح
و ثنای جناب مستطاب نگاشته چون تکرار مطلب است بترجمهٔ آن دست

واشپنکن تقریباً ده سال داشت که پدرش درگذشت و تربیت کودک راجع بمادرش گشته و آن زن سخت باغیرت و عفت بود چنانکه فرزندانش هم
او را محترم داشتند هم باو مهر میورزیدند مبانی محکم تربیت مشارالیها و اشپنکن را دارای اوصاف اشراف و ملکات فاضله نمود و این مزایا بعدها
اسباب خدمتی شایان بوطن او گردید

واشپنکن از السنهٔ خارجه و زبانهای قدیم و جدید چیزی نیاموخت و ذوق تحصیل ادبیات چندان در او پیدا نشد در پنج چهارده سالگی مربیان او جوانرا
مخصوصاً بمشق خط و استنساخ قباله جات و صورت احکام و نوشتن فرد حساب و امثال آن وادار کردند اما قوه و بنیهٔ خوب و قد و قامت رسا از
رشادت و کارهای دیگر خبر میداد و فی الحقیقه از همان وقت در اعمال بدنی قدرت و اقتداری ظاهر داشت چنانکه در اسب سواری در کفشت

نزدیم جز اینکه دینی بگردن داریم و بهتر آنکه درین موقع بادای
آن پردازیم و ذمه مشغول جنگداری را بری سازیم
دبستان ایرانیان آنچه بنده گمان میکنم و در نظامنامه آن مسطور
شده در ماه صفر سال هزار و سیصد و یک هجری در سفارت کبرای
مرحوم حاجی شیخ محسن خان معین الملک طاب ثراه در اسلامبول
دایر گشته و از همان وقت جناب معارف و معالی نصاب خیر الحاج
حاجی رضاقلی تاجر خراسانی ولد مرحوم حاجی محمد باقر افشار
غفر الله له مدیر این دبستان بوده و خدمتهای شایان باین آموزگارخانه
نموده بنابرین زیاده از بیست سال است که آن جناب این بار زحمت را
بدوش دارد و در راه مردمی و ملت دوستی میسپارد جناب حقایق
آداب محترم حاجی رضاقلی دام مجده العالی نه تنها در کار دبستان
ایرانیان متحمل مرارت و مشقت میشود و یاران و برادران خدمت
میکند بلکه در کار جراید فارسی و سایر اعمال خیریه نیز حتی المقدور
جدی دارد و جانب انسانیت را فرو نمیگذارد کردگار شکرش اجر و جزای
خیر دهاد و بوجود باجودش گزندی مرساد چه آدمهای نیکوکار
خیرخواه نجوم سماء عالم رفعت اند و ضیاء بخش جهان معرفت ازجو
که دیرگاهی بمانند و بر بلندی و سعادت گذرانند

(جنگ روس و ژاپن)

وقایع آخرین جنگ روس و ژاپن را که در نمره های آخر سال هفتم
شرح دادیم البته مطالعه کنندگان محترم بخاطر دارند و میدانند
که ژنرال کوراپاتکین در آن وقعه درست مغلوب شد و ناچار بنای
عقب نشستن را گذاشت در صورتی که حالت کسر و انکسار داشت
ژاپنیها هم موکدن را گرفته و لشکریان روس را تعاقب کردند و
آنچه صدمه و خسارت بود بر آنها وارد آوردند عاقبت روز پانزدهم
ماه مارس تیلینگ را هم که آخرین محل امید کوراپاتکین بود پس
از کارزاری سخت متصرف شدند و ظاهر گشت که برای کوراپاتکین
آنقدر قوه و استعداد نمانده که درین مکان هم بتواند پایداری کند
و فی الحقیقه ژاپنیها هم طوری باشتاب او را دنبال میکردند
باو مجال هیچکار نمیدادند عجب آنکه بعد از گرفتن تیلینگ هم
ژاپنیها توقف نکرده از پشت سر روسها زور آوردند و آنها را بطرف
شمال راندند
در تیلینگ روسها آذوقه و علوفه خود را آتش زدند و دو ثلث آن
سوخت با وجود این غنیمت بسیار بهاشتاد عراده توپ بچنگ
ژاپنیها افتاد همچنین اسیر زیاد چنانکه خسارت روسها را در این جنگ
نوزده هزار نفر گفتند و مذکور شد که ژاپنیها در عرض دو هفته نود
میل با لا رفته اند در صورتی که گام بگام این زمینها را بزد و خورد
پیمودند نه اینکه راه بازی مانعی طی نمودند پل رودخانه موکدن را هم مرمت
کردند چنانکه حالا در ظرف مدت یکهفته میتوانند از پرت آرتور بموکدن بروند
خسارت روس و ژاپن را در جنگ عظیم آخر که راستی بلیه عظمی بود بطور اختلاف
ذکر کرده پیش هم از روی تخمین آن را نوشته ایم بموجب خبرهای آخری تلفات
ژاپن پنجاه هزار نفر بوده و از روس من حیث المجموع از کشته و زخمی و اسیر صد
و هفتاد و پنجهزار نفر گویند غنایمی که در شمال موکدن بچنگ لشکریان ژاپن

ماهر و چالاک بود سهل و آسان بهر جانب رو میسمود و میتاخت و ازین ساحل رودخانه بآن طرف سنگ می انداخت در اقطار مشرق اهل نظام پیش
ازین بدست درازی و اجحاف و تطاول و اعتساف مشهور بودند و کان میکردند که سپاهیگری بی چاپل و تعدی ممکن نیست و لشکری لابد باید
جیاب بگوید و بی قاعده بکند پس با تعجب باید گفت و اشپنگلر با سیره و صفات نظامی مخصوصا خوش قدرت و امین و نیکوکار بود انصاف و عدالت را
بسیار دوست میداشت و حتی المقدور نیگذاشت باطل بر حق غالب آید و کذب صدق را پامال نماید و بهمین جهت رفقا و آشنایان و اشپنگلر هر وقت خلاف
و نزاعی میان خود پیدا میکردند او را حکم قرار میدادند و حکم او رفع گفتگو و اختلاف مینمود و مدعی آرام میگرفت و مدعی علیه می آسود
و اشپنگلر را برادری بزرگتر بود لارنس نام که برادر کوچک را مثل جان شیرین عزیز و گرامی میدانست غالبا او را بمنزل خود میبرد و لارنس

افتاده از آذوقه و ذخیره بقدری بوده که یک قطار باد دوازده میل طول میستوام آن را حمل کند و تفصیل آن از قرار ذیل است

توپ بزرگ شصت عراده تفنگ پنجاه هزار قبضه واگن اسلحه صد

پنجاه طاق گلوله توپ دویست هزار عدد فشنگ بیست و پنج ملیون

جبوبات و گندم هفتاد و چهار هزار کیله اطاق راه آهن سیصد باب

اسب دو هزار و پنج لباس هزار بارکش نان یک ملیون خوراک

(مقصود از خوراک خوراک یکنفر است در یکدفعه) هیزم صد و پنجاه ملیون

پوند (یک پوند معادل شش سیر و ربع است) اما قوای طرفین قبل از

جنگ عظیم درین باب هم اختلاف وایت هست استعداد کوراپاتکین را

بعضی چهار صد هزار نفر نوشته و این عده با سا خلوی و مستحفظین راه آهن بود که

قشون جنگی کمتر از سیصد هزار نفر میشود ولی قول کشر این است که همان جنگیان

چهار صد هزار نفر بوده اند پس مجموع عساکر روس در مشرق دریاچه بایکال مقصد

هزار نفر میشده و عدد توپهای روسی هزار و پانصد عراده

اما استعداد ژاپن را بسیاری زیاد و از استعداد روس توشته در هر حال روسها

عساکر ژاپن را کمتر از آنچه بود میپنداشتند و این نکته ایست و معلوم میشود که همینها

از اول این جنگ تاکنون مواظب و هوشیار و مراقب ترتیب و کار و قوه و مکان روسها

بوده و مطالب را از پیش بدرستی کشف و تحقیق نموده و طرف مقابل بکلی غفلت داشته است

خلاصه بعد از وقوع این وقایع اعلیحضرت امپراطور روس ژنرال کوراپاتکین را

از سرداری کل عساکر منچوری معزول فرموده و ژنرال لینی ویچ را که از سرداران

همان سپاه بود بجای وی نصب نمودند و ابتدا باشد کوراپاتکین بطرز بورغ مراجعت کند

لکن بعد گفتند خود سردار شاراله باشد در منچوری و سرداری یکدسته از لشکریان

روس را در شرق قصی برباز گشت بروسیه ترجیح داده است

بعد از عزل کوراپاتکین جماعتی که با او عداوت دارند یا ندارند از بی کفایتی و جبن و

بی همتی او بنای بدگوئی را گذاشتند و تمام مسئولیت نتایج وخیمه را بگردن او انداختند

تا آنجا که گفتند بیحیت و بدون لزوم و اجبار حکم بعقب نشینی داد اما دوستان کوراپاتکین

میگویند نقصان اسباب و کمی لوازم باعث این مغلوبی و مقهوری شده حقیقت را خدا میداند

ولی استعداد و غیرت و شوق و همت سرداران ژاپن در نظر اکثر بیش از سرداران

روس بوده حال باید دید سردار جدید چه میکند در صورتی که هم از استعداد شش کاسته

هم باقی مانده کم حال و بی دماغ اند و از همه بدتر آنکه با وضع داخلی روسیه فرصت دادن مدد

بشرق قصی کاری مشکل است

فعلا ژنرال لینی ویچ سردار کل عساکر روس در منچوری با لشکریان خود در کار عقب

نشینی است و بطرف شمال شرقی حرکت میکنند و بشهر قرین نزدیک شده و قرین شهری است

در میان موکدن و خارین و معلوم نیست که در آنجا آیا میتوانند ترتیب اسبابی دهند و مقاومتی

کنند یا یکسره بمستقیما بخارین خواهد رفت

اما مسئله صلح معلوم نیست از چه قرار است وقتی که جنگ موکدن تازه اتفاق افتاده بود

دلها سرد شده همگی میگفتند این قتال چه حاصل دارد و عاقبت آن بکجا منجر میشود

یقین است که مانع نخواهیم کرد و هرچه جنگ بیشتر طول کشد خسارت ما زیادتر خواهد شد

و شرایط صلح سنگین تر میگردد زیرا که ژاپن مسلما خارین و ولادیوستک را هم میگیرد

و بر توقعات خود می افزاید و با این اغتشاش داخله قشون فرستادن مشکل

نیست این حرفها در کار بود تا چند روز قبل که هم روزنامه ها و هم بعضی اشخاص تغییراتی

دادند و گفتند جنگ را باید امتداد داد اگر نه کامی باز حاصل آید روسیه سربازان

زیادی دارد و اگر پافشاری عاقبت ژاپن را خسته و درمانده میکند اما این حرف معلوم نیست

زنی داشت از یکی از خانواده های نجیب انگلیس و آن خانواده با آداب بزرگان و نجبا مؤدب و تمام بود آشپزکتن مهربانی و محبت بسیمونوند و جمله بدیدار و گفتار او

راغب و مایل بودند آن جوان در آن حوزه و خانواده آداب معاشرت آموخت و برسوم و عادات نیک معتاد و مانوس گردید بعبارة اخری تربیت

نجابت و بزرگ زادگی دید بلکه رساله کوچکی از آن آداب برای تذکر و یادداشت خود نوشت که اگر غفلتی دست دهد بمطالعه آن متذکر گردد و از صراط

مستقیم منحرف نشود بعلاوه و آشپزکتن در منزل برادر خویش صاحبمنصبان خارجه و بحریپیمایان چند میدید و از گفتگوی تسخیر بنا در روز و خورد و خواب و زدوخورد

دریائی چیزها می شنید و روزی دریائی و محاربه با آن جماعت در آن ادوار کاری معمول بود و در اغلب مجالس هر کسی از این نمط صحبت مینمود و آشپزکتن را

این حرفها خوش می آمد تا آنجا که رفته رفته در قلب او رسوخی کرده مایل شد که در دایره دریانوردان داخل گردد و از جمله بحریپیمایان باشد و برادرش

مناسبتی داشته باشد بهرحال دولت روس رجال آن عزم خود را در کار جنگ جزم نمودند بر آن شدند که دویست هزار نفر سرباز تازه بشرقی قفقاز فرستند لکن نمیدانیم نمودند بهمین عقیده هستند یا خللی در ارکان این خیال راه یافته جماعتی را عقیده این است که مساعدت فرانسه و اتازونی کار را سهل خواهد کرد تا چه پیش آید و چه شود عجالةً نمی بینیم و میدانیم که تمام دوستان روسیه میل دارند که صلح شود و جنگ بانجام رسد رجال دولت روس هم کم کم متقاعد میشوند و چیزی که ممکن است دولت روس را تا یک اندازه وادار بصلح کند مسئلهٔ اشکال پول قرض کردن است که سرمایه داران فرانسه درین باب کار را مشکل کردند و صورت نگرفت بنابرین باید از مالداران داخله استقراض نمود تا در همین اوقات ژاپن هم خواست قرض کند و در فرانسه و المان و انگلیس و اتازونی صاحبان سرمایه برای پول دادن طوری شتاب و مبادرت کردند که مطلب شبیه به تیاتر شده بود و پنج برابر آنچه ژاپن خواسته بود دادند

اما کشتیهای جنگی روس این اوقات آن سفاین را در حوالی پسکادور دیده اند و کشتیهای جنگی ژاپن هم در همین حدود بود بنابرین زد و خوردی بحری در نزدیکی پسکادور احتمال میرود این بود وقایع چند روزهٔ جنگ روس و ژاپن اما اخبار زمان چون دیگر جا داریم در نمرهٔ بعد نگاشته میشود

(اعلانات دواخانهٔ مسیو مولیون)

مسیو مولیون فرانسوی دواساز معروف که در خیابان لاله زار تقریباً روبروی مغازهٔ تکمود دواخانه دارد اعلانات ذیل را بادارهٔ تربیت فرستاده است

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مجلی نمودن پوست صورت و دست مثل ندارد

تمام زنان تمیز که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشند آنرا استعمال میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند در رفع حمره و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون بجهت تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر دوری کرم سیمون گردی است بدون میموت بسیار نرم و چسبان و غیر مرئی

گرد سیمون گلی است بدون میموت زیاد معطر و خوشبو و نتایج مفیده کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار تمیز و بی نظیر است پوست را سفید و نرم و براق میکند ایضاً این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است

تنیک مقوی دکتر دشام با کلا و پوست گنه گنه و کلکا و گلیسرو فسفات دوفر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً بیکصد سال رسد قبل از نهار و شام یک گیلاس کوچک ازین دوا میخورند نسخهٔ این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطبا دنیا تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عاملهٔ پوست گنه گنه و کلا و برک ککا و گلیسرو فسفات دوفر را در بر دارد و روی هم رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است این مواد عامله که اثر هریک را جمیع اطبا تصدیق کرده با کمال دقت ساخته میشود و مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و باشخاصی که مثلاً بضعف پیری مبتلا شده یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام و مدد بنیهٔ آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتواند بخرد و صرف کند قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری نه تومان و محل فروش در طهران منحصر است بدواخانهٔ مسیو مولیون در خیابان لاله زار

لارنس نیز بتصدیق این میل پرداخته اسباب مسافرت او را فراهم آورده بود شد و اشپنکلن داخل یکی از سفاین جنگی گردید و از اجزای آن کشتی شود اما مادرش نتوانست تن بمفارقت فرزند دهد و دو از روزگانی کند لهذا مانع حرکت او گشت و ناچار و اشپنکلن از سیر و سیاحت دریا چشم پوشید و عجالةً از این خیال افتاد و دنبال کار ریاضی را گرفت یعنی مشغول تحصیل این علم شد و از شعبه های فن ریاضی مخصوصاً مساحی را اختیار کرد و این رشته در آن وقت برای اهالی که اراضی بایر بسیار داشتند کاری بی اندازه مفید بود و از اعمال پرمنفعت میمنود و اشپنکلن تمام طرق مساحی را فهم و درک نمود و اراضی اطراف مسکن و ماوای خود را مساحت کرد و نقشهٔ هر قطعه زمین را برداشت گاهگاه نیز خیالات شاعرانه و افکار لطیفهٔ او را نمیگذاشت درست باین مشاغل جدی پردازد و یکبارگی اندیشه را صرف مساحت سازد چنانچه باید دانست و اشپنکلن که از سرداران بزرگ محسوب میشود و آزادکنندهٔ اقلیم امریکا میباشد و در کتابی آن عظمت که ذکر شد تاسیس میکند در جوانی شعر هم گفته اما چون خدای عادل همه چیز را یک نفر

هوالمعین

روزنامه آزاد هفتگی

تربیت

صاحب امتیاز ذکاء الملک مدیر مدرسه سیاسی

پنجشنبه بیست و یکم شهر صفر المظفر سنه ۱۳۲۳ هجری — بیست و هشتم آوریل ماه فرنگی سنه ۱۹۰۵ میلادی

قیمت در دارالخلافه طهران نمره سیصد دینار — نمره سیصد و پنجاه و هشتم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله سیصد و هزار دینار — در تمام روسیه چهار منات — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دارالخلافه طهران طبع میشود — جریده علمی و ادبی و سیاسی — سال هشتم — قیمت اعلان سطری یکقران اگر کمتر شود تخفیف قیمت دارد

(بقیه تاریخ پرت آرتور)

(شرایط تسلیم شدن پرت آرتور)

چنانکه پیش گفته شد لشکریان روس پس بازداده شرط پرت آرتور را تسلیم عساکر ژاپن نمودند یعنی شروط منظور نوشته و امضا شد و کار بانجام رسید و صورت معاهده و شرایط از این قرار است

شرط اول تمام سربازها و ملاحان روسی از داو طلب و غیره و مأمورین حکومتی پرت آرتور و قلاع و بندرگاه بدون استثنای احدی اسیر خواهند بود

شرط دویم تمام قلاع و سنگرها و کشتیهای جنگی و غیر جنگی بزرگ و کوچک و کل اسلحه و قورخانه و جمیع اکتساب و اسباب و مجموع عمارات حکومتی و اشیاء متعلقه بحکومت بقشون ژاپن تسلیم شود

شرط سیم بموجب دو فصل اول و اطمینان بمسطورات آن قلاع و سنگرهای ایتوشان و شون تزوشان و توانتزوشان و خط جنوبی قلاع مزبور را تا ظهر روز سیم ماه ژانویه روسها تخلیه نمایند و متحفظین آن اسیر شوند و ژاپنیها حصون مذکور را تصرف کنند

شرط چهارم هرگاه از تاریخ امضا بعد سربازها و ملاحان روسی اشیائی را که در فصل دویم ذکر و تعیین شده خراب کنند یا تبدیلاتی در آن بعمل آورند این معاهده باطل خواهد شد و لشکریان ژاپنی مختارند که هرچه میخواهند بکنند

شرط پنجم عساکر نظامی و بحری روس باید فهرستی از برج و باره و استحکامات پرت آرتور و محل هر یک ترتیب دهند و نقشه از مینا که در زیر امکنه معینه دفن کرده همچنین از مینائی که زیر آب کار گذاشته و هرچه اشیاء خطرناک در جائی دفن نموده اند نیز فهرستی از وضع و ترتیب عملجات بحری و سربازهای پرت آرتور و صورت اسامی صاحبمنصبان و درجه و ترتیب نظامی آنها ایضا فهرستی از اسامی سفاین جنگی و غیر جنگی و عدهٔ عملجات آن کشتیها و صورتی از سکنهٔ شهر پرت آرتور و عدهٔ نفوس آن از مرد و زن و سن و حرفهٔ آنها بعساکر ژاپنی داده شود

شرط ششم سلاح از هر قبیل که باشد حتی اسلحه که شخص با خود

(بقیه شرح حال واشینگتن)

چون سن واشینگتن بشانزده رسید رشدی بکمال حاصل کرده جوانی تنومند و باقوت و بلند بالا و دارای صفات حسنه از وقار و متانت و غیرها بود و دوستان برادرش در همان وقت او را مردی حسابی میشمردند و رئیس خانواده زوجه برادرش منتهای محبت را با و پیدا کرده اسبابی فراهم آورد که هنرمند هنرمائی خود را بکار اندازد یعنی با و اظهار نمود که نقشهٔ مفصلی از املاک وسیعه که دارد بردارد واشینگتن با میل و رغبتی تمام بقبول این خدمت و انجام آن پرداخت و مدت سه سال اوقات تابستان خویش را در دره های رود پوتوماک مصروف این کار ساخت شکوه و جلوه آن اراضی شایسته را با دوام محتشمانه منظرهای طبیعی آن لذتها برد زنجیر مساحی خود را در کنار رودخانه ها و میان جنگلهای دست نخورده گردش و حرکت داد شبها در کلبه های محقر

نگاه میدارد و قورخانه و اسباب حرب و عمارات حکومتی و آنچه متعلق بحکومت است و تمام اشیا و کشتیها و آنچه در آن سفاین باشد مگر ما یلزم شخصی باید بحال حالیه واگذار شود تا آنکه وکلای رُوسی و ژاپنی ترتیب تسلیم کردن و گرفتن آن جمله را بدهند

شرط هفتم عساکر ژاپنی بملاحظهٔ شجاعت و جلادتی که از مقاومت جنگیان روس دیده آنها را محترم خواهند داشت و اجازه میدهند که صاحبمنصبان نظامی و بحری و مأمورین حکومتی شمشیر خود را از کمر باز نکنند و حوائج خیلی لازم را با خود بردارند و نگاهدارند

صاحبمنصبان نظامی و بحری و مأمورین دولتی و داوطلبان اگر قول دهند و ملتزم شوند که تا آخر جنگ دیگر در اعمال حربیه داخل نگردند و مداخله ننمایند و کاری برضد منفعت دولت ژاپن نکنند عساکر ژاپنی اجازه میدهند که آنها بوطن خود باز گردند و هریک از صاحبمنصبان حق دارند که یکنفر نوکر با خود همراه بردارند در صورتی که آن نوکر هم التزام نامه را مهر نماید

شرط هشتم صاحبمنصبان خارج از فوج رُوسی از نظامی و بحری و داوطلب باید لباسهای رسمی خود را بپوشند و خیام و مایملک خود را بردارند و در تحت فرمان صاحبمنصب خویش در محلی که ژاپنیها بعد معین خواهند کرد حاضر شوند و جزئیات لازمهٔ این فصل را مأمورین ژاپنی معین خواهند کرد

شرط نهم علجات حفظ الصحه و مریضخانهٔ رُوسی و محاسبین و دفتردارهای نظامی و بحری رُوسی را باید ژاپنیها نگاهدارند تا زمانی که خدمت آنها برای مرضی و مجروحین لازم است و در دست خدمت باید بدستور اهل رؤسای مریضخانهٔ ژاپنی کار کنند

شرط دهم ترتیب سلوک و رفتار با سکنهٔ پرت آرتور و تسلیم دفاتر و اسناد حکومتی و تجارتی و جزئیات دیگر که مؤید این معاهده نامه است باید حاضر شود و ضمیمهٔ این معاهده گردد و آن ضمیمه هم حکم همین معاهده را خواهد داشت

شرط یازدهم از معاهدهٔ مذکوره باید دو نسخه مرقوم و امضا شود یکی را رُوسها و آن دیگر را ژاپنیها نگاهدارند و پس از امضا فوراً باید مطالب آن را معمول دارند

این بود صورت معاهدهٔ تسلیم پرت آرتور که وقایع نگار رُوتر از توکیو پای تخت ژاپن ارسال داشته و روتر تلگرامهای انگلیسی طبع کرده اند از تاریخ پرت آرتور علی العجاله اینقدر بدست آمد و شاید که بعد ما نیز بتوانیم بتکمیل آن پردازیم (اخلاص کیش احمد)

پوشیده نباشد که جنگ روس و ژاپن روز هشتم ماه فوریهٔ سال هزار و نهصد و چهار میلادی مطابق بیست و یکم شهر ذی القعدهٔ هزار و سیصد و بیست و یک هجری شروع شد و در آن وقت مجموع قوای حربیهٔ روس در پرت آرتور پنجاه و چهار هزار نفر بود باین تفصیل

پیاده حی و ششهزار نفر لشگریان توپخانه پنجهزار نفر قشون بحری هشت هزار و چهارصد و سی و هفت نفر صاحبمنصب و سرباز و مأمورین مختلف سیصد نفر قزاق یکصد نفر

بعد از تسلیم شدن پرت آرتور در آن محل هیجده هزار و سیصد و پنجاه

و منازل کم وسعت دهقانی بسر میبرد بلکه اغلب در صحرا و زیر آسمان میخوابید گاهی با سکنهٔ بومی بگی و دنیا که فقط بگیها زبان هندی میگویند صحبت میکرد و داخل بازیهای آنها میشد در هر حال بخیش و دررنش و تگا پو میکند راند چنانکه همین اعمال و زحمتها و آشپختن را برای شغل لشگری و کارهای نظامی مهیا نمود و استعداد او بنظرها ظاهر و معلوم گشته در نوزده سالگی آوازهٔ لیاقت و قابلیتش در ولایت ویرژینی پیچید و بتمام گوشها رسید و در آنجا طوری بکفایت او اعتماد پیدا کردند که منصب یاوری و فرماندهی نظام آن ناحیه را باو دادند و دارای این منصب بود تا آن وقت که میان کلنیها یعنی مستعمرات فرانسه و انگلیس در امریکا نزاع درگرفت و او داخل در آن سوانح و وقایع گردید

و دولت فرانسه در شمال سواحل رُود سن لُران و دریاچه هائی که این رُود از آنجا سرچشمه میگیرد و خارج میشود کلنیها دایر کرده بود و آن مستعمرات را

دشمن نفر مریض و مجروح بود و بیست هزار و پانصد نفر اسیر سالم غیر از صاحبمنصبان مرخص شده و سیزده هزار نفر هم کشته شده بودند

(کنوز السعادة و رموز الشهادة)

و آن کتابی است مسطور و منشوری نوظهور بگرمی آتش طور و تاب لمعهٔ نور آرایش زبان تازی و لغت حجازی شامل اسرار بلاغت و حاوی اصناف براعت ملتقی النهرین معانی و بیان بلکه مجمع البحرین حکمت و عرفان با سیاق و اسلوبی اعلی و نظم و ترتیبی اسنی

بدیع نشر رق حتی غدا ... یجری مع الروح کما تجری
من مذهب الوشی علی وجهه ... دیباجة لیست من الشعر
کزهرة الدنیا و قد اقبلت ... تردد فی رونقها النضر
او کالنسیم الغض غب الحیا ... یختال فی اردیة الفجر

و مصنف بلند قدر آن حضرت جلیل معظم همام نبیل مقدم عالم افضل و جامع اکمل محیط زاخر و صاحب الآثار و المآثر سید سند و بزرگوار مؤید آقای حاجی میرزا محمد رفیع بن علی اصغر بن محمد رفیع الطباطبائی المدعو بنظام العلماء مدظله العالی و دام لطفه المتعالی سفینهٔ دانش بلکه دریای علم است و گوهر گرانبهای حلم و جمال حال تربیت را مکرر بذکر اوصاف جلیله و مکارم اخلاق آراسته ایم و بدعوی ارادت بندگان حضرتش برخاسته

اما کتاب مستطاب اول او اثلث در رموز و اسرار شهادت حضرت سید الشهداء علیه آلاف التحیة و الثناء یعنی سبط دویمین است و پانزده فصل او اخرش در اجمالیات اصول دین مبین نگارنده مسلم آن این تألیف منیف را در عتبات عالیات زیور تمامی داده و این اوقات در تبریز بحلیهٔ طبع محلی گشته بقول کاردانی یکی از آقایان عیابا را در ایام ناخوشی بارچاپ کتاب را برای سلامت بستگان نذر کرده و مرادش را برکات این نامهٔ نامی برآورده لهذا ادای دین نموده و جمعی را رهین منت فرموده گمراه استفاده پیابند و از آن حقایق عالیه و ینابیع فیض استفاضه نمایند احادیث مأثوره و اسناد معتبرش را بدانند و روایات و حکایات معقول و منقولش را برای استکمال نفس و استضاءهٔ عقل بخوانند

طالبان آگاهی عموما باید طول عمر حضرت مستطاب حاجی نظام العلماء دام افضاله را از درگاه احدیت مسئلت کنند چه با ضعف پیری و وهن قوی گوشهٔ انزوا را گرفته و همه چیز را رها کرده جز افاضت و نشر اخبار آل رسول و ائمهٔ اطهار صلوات الله علیهم اجمعین و بندهٔ ناچیز که بالاختصاص مدعی ارادت و بندگی است باید از همه کس بیشتر دعاگو و ثناخوان باشد و بعرض تشکر و امتنان پردازد و شکر در یافت آن مصنفات فائقه و مواهب سنیه را ادا کند که بین الاقران باین عطیهٔ مفتخر است و از آن سرمایه معتبر مالک گنج گهر و با دست تهی تواند گر روزی آید که روزی چند باز بمانیم و ازین دفترهای معرفت مکرر مرحمت فرمایند و بخوانیم بلکه از چار چوب تنگ نادانی بیرون آییم و خرد خام را پخته نمائیم

(تشکر و تذکر)

درین ایام که ابتدای سال هشتم روزنامهٔ تربیت است دوستان معظم و هواخواهان محترم این دایرهٔ مفخر از هر جانب حسیات قلبی و مراحم

کانادا میگفتند و در جنوب هم مصبهای رود میسی سیپی را متصرف شده و آن جمله را با سم پادشاه فرانسه لویزیان میگفتند و مقصود دولت فرانسه اینکه دو ملک خود یعنی کانادا و لویزیان را بهم وصل کند اما باین وضع و این طریق که ولایت باین دریاچه های بزرگ و رودهای میسی سیپی و اهیو را متصرف شود و ولایت کانادا و لویزیان بواسطهٔ تصرف این ناحیه بهم متصل گردد ناحیه یا ولایت مزبور جنگلها و باتلاقها و جلگه های وسیع داشت و بعضی قبایل هندی یعنی بومی امریکا در آنجا ساکن بودند و فرانسویها در چند نقطه از نقاط این ساحت قراولخانه ساخته و قراول گذاشته لکن ولایت دیرژینی بر تمام اراضی عربی کوهستان تا رود میسی سیپی دعوی حق تسلط میکرد پس حکمران این ناحیه لازم دانست که پیغامی بصاحبمنصبان فرانسه دهد و آنها از جانب دولت انگلیس اعلام و تکلیف کند که از خیال فتوحاتی که در نظر دارند بگذرند و از آن ناحیه چشم بپوشند و بروند آثار ماندن این پیغام و انجام این مرام چندان

باطنی خویش را اظهار ساخته تقریظهای بلیغ و قصاید غرا باسم این
بی بضاعت در سمر تهنیت بادارهٔ تربیت ارسال فرموده و بندهٔ
مسکین را زایدالاعلی ماکان شرمنده نموده آند خداوندهوارهٔ برعدهٔ
محبان باهیز باید و مغرض لغزخوان را مشفق مهربان نماید صاحبان
ذکاء و هوش دانند که آدمی فربه بشود از راه گوش خاصه وقتی که
اورا با دلیل بستایند و برهان بر استحقاق این ستایش اقامه نمایند لکن
از آنجا که یاران و برادران باهمه با ما قلب و لسان اند یعنی یکدل و یکزبان
امیدواریم بعرض تشکر و امتنان نگارندهٔ ارادتمند قناعت فرمایند
واگر عین تقریظ و نگارش خود را در این اوراق نه بینند کدر نشود و جل
بر ضعف مودت و بی اعتنائی نکنند آمسال هم علتی عام دارد
هم سببی خاص که ناچارم حتی الامکان از نوشتن تقریظات زنم و از هر چه
شائبهٔ تعریف و تمجید ادارهٔ تربیت است صرف نظر کنم و تاکید و مبالغه را
گویم بخی مهر و وفا سوگند که جز صدق و صفا در این گفته چیزی نیست حیله
نمینمایم و دشمن را بازی نمیدهم تا چه رسد بدوست که هر چه هست از
علت عام نهفته باشد اما سبب خاص این است که میخواهیم درین سال
بحل بعضی از مشکلات سیاسی پردازیم و مخصوصا از نمرهٔ بعد دست بکار
زنیم زیرا که تاکنون حرف ما غالبا از صلاح و اصلاح بوده و حالا که فریاد حی
علی الفلاح از گنبد دوار میگذرد و این مهم را ارباب بلاغت کفایت
میکنند برماست که از گفته ها بگوئیم و راهی نرفته پوئیم مگر بکار دردمندان
آید و نهی دولت را توانگر نماید

اما قصیده و مسمط و قطعه و غزل همه کس میداند که شعر در روزنامه
نوشتن موجبی معین و وجهی موجه میخواهد یعنی غیر از دواعی معمولی محرکی
باید تا نگارنده را بنگارش اشعار وادارد مثلا اگر در نمرهٔ سیصد و پنجاه
و ششم قصیدهٔ لاهوتی جوان هفده ساله را نوشتیم اولا نمرهٔ اول سال ششم
بود و در این افتتاح دعا و ثنای ذات ملکوتی صفات اعلیحضرت قویشوکت
شاهنشاه معارف پناه مظفرالدین شاه ارواحنا فداه که مصدر و اصل
کلام است واجب مینمود ثانیا در هفده سالگی ببک اساتید پخته و صاحب
شعر گفتن غریب باشد و حالا که هنرمندان ایران بواسطهٔ مشاغل مهمهٔ ملکی
از تشویق و تائید پسران سالار و مالکان فرخنده آثار محروم اند اقلا
دلخوش گردند که اسم ایشان در محافل بزرگ و مجالس اعلی مذکور میشود و
در زوایای خمول گمنام و ملول نمیمانند اما نوشتن مدح بنده دفعهٔ اول
برای ادای حق گوینده ضرورت دارد و بار دویم جهت دو سببی معقول
میخواهد وگرنه اسباب مضمون میگردد و راستی که مطالعه کنندگان از
روزنامه توقع و ترقب حرفهای دیگر دارند و اشعار مدایح بنده را از
خبرهای مفید تازه نمیشمارند ولی این بندهٔ خود بی نهایت ممنونم و رهین
و مرهون و در موقع و بجا از فضل شعر و شاعر و مزایا و فواید ابیات سخن
خواهم گفت و حق هر یک را ادا خواهم کرد

(وکالت تربیت)

وکالت روزنامهٔ تربیت برای آنها که خدمت مملکت و ملت را چیزی میدانند
و در کارها این نواحی را ملتفت اند اهمیت دارد درحقیقت وکلای آن
جریده همان راهی را که نگارنده میسپرد و میسپرند و در مجاهدت و زحمت
با این بنده طریق همدستی و مشارکت می سپارند غالبا از محترمین

بی خطر آسانی نبود بلکه قدری دشوار مینمود واشنگتن بمیل خاطر و رغبت طبع داوطلب این کار صعب و ماموریت با خطر گردید و عریضه بحکمران ولایت ویرژینی نوشته در آن اظهار داشت و گفت من تاب و توانی بقاعده و بنیهٔ قوی دارم و میتوانم ادعای تحمل مشقتهای سخت نمایم و گمان میکنم که مراغم و قوت قلب از احدی کمتر نباشد و هر علی را که دیگران جرات اقدام نمایند من هم بتوانم بنمایم بنابرین اگر مرا مامور کنید که مقاصد شما را بصاحبمنصبان فرانسه تبلیغ کنم این خدمت را چنانکه دلخواه شماست انجام میدهم و خیال حکمران آسوده خواهد شد

درخواست واشنگتن را حکمران ولایت ویرژینی پذیرفت و مشارالیه مصمم بسفر شد واشنگتن بیایالت در شدت سرمای زمستان هفتصد و پنجاه کیلومتر راه از میان کوهستان سخت و صحراهای صعب طی نمود تا بقلعه که فرماندهٔ فرانسوی در آن اقامت داشت برسد مرد با همت تحمل این مشقت نمود و را

نامی هستند و در زمرهٔ محشین سامی که خود طبعاً زیر بار این مشقت رفته اند گر ترویج معارف کنند و تکمیل نواقص نمایند بعبارهٔ اخری داوطلبانه قبول رنج فرموده و این درمانده را چندانکه توانسته راحت نموده و معذلک ما آن بزرگواران را باسم وکیل و رسم وکالت نام نمیبریم و نمی شناسیم شرکای محنت میخوانیم و شأن ایشان را اجل میدانیم مثلاً در شیراز از زحمات تربیت بارد و ش جناب مستطاب ادیب اریب دانشمند یگانه و سخن سرای فرزانه میرزای اورنگ نوادهٔ مرحوم وصال طیب الله مضجعه میباشد و البته تا یکنفر از این سلسلهٔ جلیله تمکین انکار کند بنده را قدرت آن نیست که از دیگری درخواست نماید و صریح عرض میکنم که هریک از رجال این خانواده در دار الخلافهٔ طهران باشند صاحب اختیار مطلق ادارهٔ تربیت خواهند بود و حالا که در فارس میباشند اقل مطلب این است که اختیار روزنامهٔ تربیت در تمام آن مملکت با جناب مستطاب میرزای اورنگ دام افضاله باشد وکیل تربیت نیستند مختار و مالک تربیت اند هرچه بکنند و هرچه بفرمایند یعنی من از ایشانم نه ایشان از من و اختصاص شخص میرزای اورنگ برای شرف ملاقات است وگرنه جناب مستطاب معظم میرزای رحمت دام علاه و سایر وصالیین همه همین حالت را دارند

در سایر ممالک ایران هم دوستان محترم و یاران مفخم داریم که جمله دارای جلالت و رفعت اند و اهل حمیت و غیرت و دانا و کامل عالم و عامل که از مساعی جمیلهٔ ایشان ما را کمال استمنان حاصل است مثل جناب مستطاب علام فهام آقای امین الاسلام سلمه الله تعالی در کرمان که از فضلای جامع و نویسندگان بارع است و دارای معقول و منقول دانای فروع و اصول و مانند جناب مستطاب میرزا محمد رضای نائینی معروف بسالک از عرفای روشن ضمیر و رهروان خبیر که اهل کشف و شهود است و باشرف و کرامت جود و سجود و از قبیل جناب جلالتمآب عالی میرزا اسمعیل خان رئیس بستجانهٔ کردستان دام اجلاله که از خانواده های قدیم این ساحت است و از نجابای اصالت با اضافت گوهر پاک و سرشت عالی و خصال و خوی فرخنده و متعالی علاوه بر سران معظم که مستقیماً در کار تربیت سامی میباشند صاحبان مکرم نیز داریم که در ترویج این اوراق بذل مکرمت مینمایند و لطفا مرحمت میفرمایند از جمله جناب مستطاب جهان دیدهٔ آگاه و کاردان خیرخواه حاذق مجرب لایق مهذب حاجی میرزا ابراهیم طبیب طیب الله انفاسه که پس از طی دورهٔ کامل سیاحت و معرفت در قزوین محل اقامت انداخته مشغول خدمت ابنای وطن است و صاحب هرگونه طول و من و ما که از ننگ بضاعت از روی جمله شرمساریم امید آن داریم که گره کار کریم و آفرینندهٔ ما آن نیکوکاران را بسعادت ابدی مستعد نماید و همواره توفیق رارفیق آنان فرماید سایر هوا خواهان و حامیان تربیت را نیز حفظ کند و دغدغهٔ بخاطر ایشان راه نیابد چه اگر میخواستیم همه را نام ببریم این ورقه گنجایش نداشت ذکر جمیل دیگران هم انشاء الله در وقت و جای خود بیاید و طبیعت حساس آحدی از برادران را فراموش ننماید

(دلالت خیر)

مزبور را بیمود گفتنی را گفت و رساندنی را رساند و نوبت بازگشت شد ولی در مراجعت مشکلات مضاعف گردید چه کوهها پستور در برف بود و دره های پر آب منع حرکت مینمود آخر الامر و اشپنکتن مجبور شد همراهان و اسبهای خود را رها کند و پیاده طی طریق نماید باری زورمند با عزم خرجین پشت و تفنگ بدست تنها یعنی فقط با یکنفر رفیق رو براه نهاد اما نه راهی امن و بی معارض بلکه برای فرار از تعاقب بومیان و احتراز از اذیت و اضرار ایشان بیست دفعه و اشپنکتن راه خود را در جنگل گم کرد و دو و چار بسی زحمتها شد از جمله یکروز خواست از روی رود آبگانی که آب آن طغیان نموده و بحالت سیل بود با تخته پاره عبور نماید بنحا آن تخته پاره را شکسته و اشپنکتن بطور بدی در رود خانه افتاد معذلک تشبث بقطعه چوبی گشته با آب دو خورد کرد تا با رفیق خود بجزیرهٔ کوچکی رسید آفتاب غروب کرد و سرما در کمال شدت مسافر بیچاره در آن هوا شب را چنانکه دانید صبح کرد از خوشبختی بواسطهٔ کمال برودت باد در رود خانه یخ کرده مثل

از نهم سابقه الحی که محلهٔ مابین بیرون دروازهٔ قزوین را شامل است
وجود جناب مستطاب حکیم ماهر و فاضل متطبب امام الحکماء علوی خان
دام فضله و افاضاته میباشد معزی الیه معظم از اماجد اعالی
هندوستان و دانشمندان آن سامان است مهذب و کاردیده مجرب
و سنجیده سیدی جلیل و همه چیزدانی نبیل مخصوصاً چون در فنون
طبیه مواظبتی داشته باسابقهٔ قدیمی و تقوی صمیمی دمی است که در کرهٔ
عالمی را دوا کند منزل و مطبش در حوالی دروازهٔ قدیم قزوین
و ابتدای خیابان معروف بخیابان ارامنه و وجودش مغتنم محض دلالت
خیر برادران محترم را راهنمائی کردیم که در وقت حاجت از آن معدن
افاضت استفاضه نمایند و از آن سرچشمهٔ عالی سیراب گردند
جناب امام الحکماء از سالیان دراز در این کشور مشغول طبابت بوده نه اینکه
حالا تازه پسر زمین ما را مشرف نموده است

(اخبار زمان)

از مطالب تازه مسافرت اعلیحضرت امپراطور المان است بطنجه از بنادر
مراکش در آخر ماه مارس (تقریباً ده روز از ماه حمل گذشته)
و در این موقع بعضی گمان کردند اعلیحضرت سلطان مراکش جانب المان را
در مقابل فرانسه از اعلیحضرت معظم درخواست نموده و این سفر برای
آن است مقارن این حال کنت دوبولو وزیر اعظم المان در مجلس
شوری اظهار داشت که المان در مراکش منافع تجارتی دارد و تمام
دول باید در این مملکت یکسان باشند و هیچیک از دولتها بر دیگری تقدم
نداشته باشد معلوم است که این حرفها کنایه بفرانسه که این اوقات

در مراکش مداخله میکرد میباشد باری فرانسویها چندان اعتنائی
بآن حرفها نکردند لکن در اوقات تمنی ایشان از این بابت حرفی نیست
روزنامه‌های انگلیس از این رفتار دولت المان خیلی مذمت کردند و آنرا
مداخله بیجا دانستند در هر حال اعلیحضرت امپراطور بطنجه رفت ولی
پیش از چند ساعت در آنجا نماند اعلیحضرت سلطان مراکش حاضر
نبود چه طنجه پای تخت نیست ولی از جانب سلطان نایبی بپذیرائی امپراطور
رفت و مردم مراکش برای قدوم معظم اسباب تشریفات شایانی
فراهم آوردند اما از توقف مختصر اعلیحضرت دلتنگ شدند و توقفی
که داشتند بعمل نیامد لکن خود امپراطور از این مسافرت اظهار خوشوقتی
نمودند خلاصه نمیدانیم این مقدمه برای دولت المان چه نتیجه
میدهد فقط احتمال میدهیم این حرکت از ضعیف دیدن دوست فرانسه
یعنی روسپس ناشی شده باشد بهر جهت که در تی از المان بر کدورتهای
سابقهٔ فرانسه افزوده شد و رابطهٔ موافقت و مودت فرانسه و انگلیس را
قوت داد یعنی فرانسه دید در این موقع دوستی انگلیس سودمند است بدان
اقبال نمود انگلیسها هم چون از این مداخلهٔ بجای المان آشفته از دادند
بمیل خواهان اتحاد فرانسه گشتند و کار بگانگی بانجا کشید که قرار
دادند در این تابستان دسته کشتیهای انگلیس بنادر فرانسه روند و دیدن
کنند و سفاین فرانسه بعد بازدید آنها آیند و اینها دلیل روشن کمال
یکجهتی و وداد دولتین است فعلاً فرانسویها تهیهٔ کلی برای پذیرائی
انگلیسها می‌بینند و این واقعه در اول تابستان واقع خواهد شد
و یک ماه بعد انگلیسها فرانسویها را خواهند پذیرفت چند روز قبل که

آهن شده بود و آن دو دلاور میتوانستند روی یخ راه روند و از رودخانه عبور کنند خلاصه بعد از سه ماه یخ و اشپنکتن بولایت و برژنی و نقطه عزیمت
رسیده و بپاداش و اجر این زحمات برتبه سرهنگی دویم نایل گردید

جوابی که واشپنکتن از صاحبمنصبان فرانسه برای حکمران ولایت و برژنی آورد مساعد نبود و معلوم میشود که فرانسویان برای رها کردن آن حدود در وقت از آن نواحی
حاضر نیستند و در خیال و اجرای مقاصد خود ثابت قدم میباشند چنانکه بزودی این قصد خود را اظهار کردند یعنی آمدند در مقصای دو نهر آله گانی و مون گابلا که التقای آن
دو نهر رود اهیو را تشکیل میدهد قلعه ساختند و آن حصن را باسم امیر البحر بزرگ خویش موسوم بقلعهٔ دوکن نمودند (امروز در این محل شهر تنسبورگ دیده میشود و این شهر دویست هزار نفر سکنه دارد)
واشپنکتن با دو دسته سرباز مأمور شد برود جلوگیری از این حرکات نماید و هر کس مقاومت باکارهای انگلیس میکند یا در صدد حمله با بسنهٔ انگلیسی میباشد

اعلیحضرت پادشاه انگلستان از خاک فرانسه عبور میکردند ضمناً در پاریس با جناب رئیس جمهوری ملاقاتی دوستانه که ملاطفتی ظاهر داشت نمودند گویند دولت المان مأموریتی بر کشش میفرستد که معاهدهٔ تجارتی ببندند بر دو تی دولت المان میل دارد مسئلهٔ مراکش بمجلس بین المللی رجوع شود

در همین ایام میان اعلیحضرت سلطان مراکش و مدعی او جنگی اتفاق افتاده و لشکریان سلطان شکست خورده بعد عساکر فرانسه که در سرحد بودند بکمک سلطان آمده مدعی را مغلوب کردند

هم درین اوقات در حوالی پاریس انباری از بلیوپس نظامی و مبلغی فشنگ دیده شده گمان بهواخواهان خانوادهٔ ناپلیون برده گویند قصد داشته اند رئیس جمهوری و وزرای او را بگیرند و دولت جمهوری را براندازند این واقعه خیلی اهالی را متأثر کرده و دو نفر دستگیر شده اند امریکائیها مصمم شده اند ترعه یعنی کانال پاناما را خود شروع کنند و درین کار دو هزار کارگر چینی و دو هزار علهٔ راپنی بکار داده اند

هم درین روزها منلیک پادشاه حبشه نمایندگان دول را احضار کرده و گفته است باید در باب ساختن راه آهن افریقا قراری بگذارید که با پستقلال حبشه ضرری وارد نیاید و راه آهن هم بین المللی باشد والا خودم راه را خواهم ساخت

آن اواخر از اغتشاش داخلهٔ روسیه حرفی نمیزنند همانا هیجانها فعلاً آرام گرفته فقط چیزی که مذکور شده این است که جمع کثیری از تمام فصلای قانون دان روسیه در پطرزبورغ جمع شده و مجلس کرده گفته اند باید خیال اصلاحات را منتشر نمود و بدرخواست تربیت رعایا پرداخت و حکومت مشروطهٔ رعیتی خواست در موقع انعقاد مجلس مزبور پلیس خواست جمعیت را متفرق کند اما نتوانست و بعد حکم شد تمام اشخاصی که در آن مجلس جمع شده اند سن پطرزبورغ بیرون روند والا تنفی بلد خواهند شد

مذکور شد که حاکم جدید کل قفقاز نمایندگان تمام طبقات رعایای آن مملکت را جمع کرده و از اصلاحات عادلانه و حکومت منصفانه سخن گفته و مردم را امیدوار نموده از جمله وعده داده که بعضی خالصجات سلطنت را بین رعایا قسمت کند و اعلانی منتشر ساخته که اعلیحضرت امپراطور فرموده اند مسئلهٔ املاک کلیسای ارامنه را بازدید نمایند بموجب اخبار آخری از ترسیس تجدید شورش بطرزبورغ قزاق جدید بآن شهر میبرند و ساخلوی پای تخت را زیاد میکنند حال حالیه این است اما در اواخر مارس اکثر نقاط روسیه منقوش بود شهرها و دهات قفقاز شوریده تا آنجا که گفتند گرجیها بقصد حکومت روس را از گردن انداخته و استقلال خود را اعلان نموده اما این حرف دنباله پیدا نکرد مردم فلاندیم با نقشهٔ حکومت مشروطه میخواهند در امکنهٔ مختلفهٔ روسیه هم کمتر و بیشتر پلیس نارنجک انداخته آنها را مجروح نمودند مجامع شورشی عدیده نیز که نارنجک و سایر آلات انفجاریه داشته کشف شده در بعضی نقطه ها پلیس و عساکر بجملهٔ هاریخته کتابچه های شورشی و رونوز و فشنگ یافته و بسیاری را دستگیر کرده اند دریاچه ای که بندری است از شبه جزیرهٔ قرم در جنوب روسیه اغتشاش بزرگی شده دکاکین را چاپیده و آتش زده قراولخانه ها را خراب و رئیس پلیس را مجروح ساخت و محبوسین را آزاد نموده میخواستند خزانهٔ حکومتی را هم غارت کنند اما نتوانستند و آخر الامر کشتیهای جنگی و قوهٔ عسکری مجدداً نظم را اعاده داد چندی پیش گفتند در قصر اعلیحضرت امپراطور در موقع پذیرائی صاحبمنصبان

اورا از میان بردارند بلیسه دریا یکشد واشینگتن تا حوالی قلعهٔ دوکن رفت و در آنجا باو خبر دادند که یکدسته از دشمن نزدیک است مشارالیه چند نفر با خود برداشته برای تماشا بومیان امریکا پیش رفت و شبانه داخل جنگل شد فرانسویان اول وزد در همه دره ظاهر شدند و کار بتفنگ کشید صاحبمنصب فرانسه با ده نفر از همراهانش کشته شدند و باقی فرار کردند بعضی از آنها نیز سر تسلیم پیش نهادند و این اول جنگی بود که واشینگتن در آن داخل شد نخستین محاربه از یکرشته زد و خوردهای طولانی و با افتخار که پس از بیست و هفت سال بگرفتن شهر یورک تون بانتها رسید و شرح آن در وقایع بیاید

در بهار سال بعد سرداری انگلیسی که براندک نام داشت به ویرژینی آمد و مأموریت داد اینکه فرانسویها را از دره اهیو بیرون کند واشینگتن بطیب خاطر وسیل جزو اتا مأمور براندک شد چه گمان میکرد سردار مشارالیه در فنون حربیه مهارتی بکمال دارد و میخواست زیردست او بسی چیزها فرا گیرد و بیاموزد اما این مقصود واشینگتن حاصل نشد زیرا که اگر براندک در اردو پاسردار زبردستی محسوب میشد اما در ترتیب جنگ کردن با بومیان امریکا را هیچ وجه نمیدانست چنانکه سربازهای خود را با طبل و شیپور از میان جنگل

مردمی بلباس سرهنگ قزاق دیده مدود دستگیر کردند آن مرد و دو نفر نظامی
کوچک همراه داشت الحاصل فعلا در روسیه خبری نیست
تیرازحوادث هفته که این اواخر حادث شده زلزله های عظیم است در لاهور
وسایر بلاد شمالی هند و پستان که ابنیه عظیمه را خراب کرده و جمعی را تلف
نموده و از خیلی وقت پیش نظیر این غائله ها بلکه اتفاق نیفتاده بود انبک
در بعضی اقطار برای مصیبت زدگان وجه اعانه جمع آوری میکنند این
بود روح اخبار زمان از یک ماه قبل الی الآن
اما وقایع جنگ روس و ژاپن چون مختصر و غیر مهم بود برای نمره آینده
گذاشتیم مگر چیزی از خبرهای بعد بر آن افزوده شود

(اعلانات دواخانه میسیو مولیون)

میسیو مولیون فرانسوی دوا ساز معروف که در خیابان لاله زار تقریبا رو
بروی مغازه نکو دواخانه دارد اعلانات ذیل را باداره تربیت فرستاده است
یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و
زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن
بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مخملی نمودن پوست صورت
و دست مثل ندارد
تمام زنان تمیز که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال
میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع چروک
و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون بجهت تف
و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر دوری کرم سیمون — گردی است بدون میموت بسیار
نرم و چسبان و غیر مرئی
گرد سیمون — گلی است بدون میموت زیاد معطر و خوشبو و رنگ
سفید کرم سیمون را کامل میکند
صابون کرم سیمون — بسیار تمیز و بی نظیر است پوست را
سفید و نرم و براق میکند
ایضا این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است
تنیک مقوی دکتر دشام با کلا و پوست گنه گنه و کلا و گلیسرو فسفات دوفر
برای آنکه طول مدت زندگانی تقریبا یکصد سال رسد قبل از نهار و شام
یک گیلاس کوچک از این دوا میخورند نسخه این دوا در همه جا معروف است
و جمیع اطبا دنیا تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عامله
پوست گنه گنه و کلا و برگ ککا و گلیسرو فسفات دوفر را در بر دارد و در دوای
رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است
این مواد عامله که اثر هریک را جمیع اطبا تصدیق کرده با کمال دقت ساخته
میشود و مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و باشخاصی که مثلا بضعف
پیری مبتلا شده یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد
و اسباب استحکام و مدد بنیه آنها میگردد و چون قیمت دوا بنسبت
همه کس میتواند بخرد و صرف کند
قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری نه تومان و محل فروش
در طهران منحصر است بدواخانه میسیو مولیون در خیابان لاله زار

عبور مبادا دو حال انگه دشمنان بی سر و صدا زیر درختها میخزیدند و اصلا دیده نمیشدند تا آن ساعت که غفلة بسر وقت انگلیسها میرفتند سردار انگلیسی یعنی برادک آرای عاقلانه اجودان جوان خود را
که دوشنکتن باشد صحیح نمیدانست و بطور تحقیر عنصر ابراهیمی و گفتار او نمیکرد و از این جهت مبتلا ببلیات میگشت از جمله روزی لشکریان برادک از رود منگا بلا عبور کرده بودند که ناگاه صدای
شلیک تفنگ بلند شد در صورتی که دشمن خود را مخفی داشت چیزی نگذشت که شلیک توپ و بزنادنی گذاشت انگلیسهای متعجب که دو چار وحشت گشته از عهده حفظ خویش بر نمی آمدند
و همواره هدف گلوله وحشیان شده بخاک هلاک می افتادند آخر الامر بعد از سه ساعت نصف قشون برادک براه عدم رفته خود او نیز زخم مهلکی برداشت و چون
جنگیان بی صاحبمنصب مانده بودند بار رفته ماندهٔ ایشان بدوشش دوشکتن افتاد شمار السیه تمام آن روز را با متانت و شجاعتی غریب جنگیده هرجا خطر زیادتر
بود آنجا میشتافت و جلو فرار یها را میگرفت چون زد و خورد بانتها رسید باداره حکومت دیرژنی نوشته گفت من سلامت از میدان قتال بیرون آمدم
و فحش نخوردم اگرچه جامه ها می من بواسطه چار گلوله سوراخ شده و دور اسپ زیر پایم تیر خورده از پا در آمد

بقیه در نمره آتیه انشاالله

هو المعین

روزنامه آزاد هفتگی

تربیت

صاحب امتیاز ذکاء الملک مدیر مدرسه سیاسی

پنجشنبه بیست و ششم صفر المظفر سنه ۱۳۲۳ هجری — چهارم ماه فرنگی سنه ۱۹۰۵ میلادی

قیمت در دار الخلافه طهران نمره سیصد دینار — نمره سیصد و پنجاه و نهم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله هیجده هزار دینار — در تمام روسیه چهار منات — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی دیمضرده فرانک

در دار الخلافه طهران طبع میشود جریده علمی و ادبی و سیاسی — سال هشتم — قیمت اعلان سطری یکقران اگر کمتر شود تخفیف قیمت دارد

(تحقیق در باب ثروت ایران)

تدبیر کار مملکت را دانشمندان فرنگ پلیتیک گفته و حکمای بزرگ مشرق سیاست مُدن نامیده و برای زندگانی این جهان امری از آن مهمتر نیست و مسائل مشکله دارد که همه پس از عهده درک و فهم آن برنیاید اگرچه بنظر بعضی آسان نماید علوم سیاسی که امروز در مدارس معتبره دنیا تدریس میشود برای حل آن مشکلات است و در ظرف مدت چند قرن عقلای کاردان با خیالات دقیق و افکار عالی آن دانشهای لازمه حکومت و کشورداری را مدون نموده و بعد از جرح و تعدیلهای بسیار و وقت زیاد و تجارب گوناگون از صحت عقاید خود مطمئن شده و بانشاء آن پرداخته اند و چون همشهریان ما تاکنون اهمیتی باین کار نگذاشته و عقل خود را مستغنی برای فهم و درک هر جزئی و کلی کافی و کامل پنداشته خیال کرده ایم دفع و رفع شبهه را چندی نیز از مطالب و مهام سیاسی و دقایق و حقایق پلیتیکی سخن سرائیم و دری بسته را باز نمائیم کلیدی بدستها دهیم و از اندوخته های گوشه تنهائی بدایعی نوظهور و کنوزی از رموز بر طبق اظهار و اخلاص نسیم گرانبهای وطن را با هلوتات امروزه فضلای معروف و حکمای مشهور آشنا کنیم و قدری از مجهولات مضره که اسباب خانه خرابی عموم است بکاهیم لهذا گوئیم

جناب فضایل مآب آقا میرزا علی از معلمین باذوق مدرسه خرد در مکتوبی شریف از ما سؤال کرده که از صدسال قبل تاکنون ثروت ایران رو بزیادتی گذاشته یا نقصان و بمناسبت صادر و وارد مال التجاره را در این مملکت نیز خواسته و آن سؤال دو جواب دارد اجمالی و تفصیلی جواب اجمالی این است که ثروت ایران در کار نقصان است اما چون این مطلب را تقریباً همه کس میداند و سؤال کننده محترم دام افضاله خود نیز یقیناً میدانسته لابسته توقع جواب تفصیلی و شرح و بسط دارد و بر ماست که بقدر دانش و گنجایش روزنامه خویش مسئله را مفصل تحریر نمائیم و علت نقصان را معلوم و بیان کنیم تا ضمناً چاره کار هم بدست آید و علاج واقعه را آسان نماید تا چند نیز از ارباب معرفت تحقیقی در باب پول از ما خواسته چون تحقیق مزبور با این مطلب مناسبت دارد در ذیل شرحی هم بیاری

(بقیه شرح حال واشنگتن)

بعد از این واقعه واشنگتن مأمور فرماندهی کل عساکر و برزنی که تمام هزار و پانصد نفر بودند گردید و تا سال هزار و هفتصد و پنجاه و هشت یعنی تا آنوقت که دو دوره جنگ سخت پرزحمت بآخر رسید و قلعه دوکن را از فرانسویان گرفت این شغل با و اختصاص داشت بعد از آن قدری از زندگانی اردو و اندیشه فرماندهی قشون خسته شده استعفا کرد و با استراحت پرداخت

چندی بعد از استعفا واشنگتن زنی بیوه را که جوان و از خانواده های بزرگ و برزنی بود تزویج نمود این زن دوستار واشنگتن و خوش رفتار و از صمیم قلب قوی بشماری آمد و قابل اینکه دارای رتبه و مقامی عالی گردد یعنی بعدها بواسطه واشنگتن راه رفعت و سربلندی سپارد و چنانکه وقتی در

خدا از آن خواهیم نوشت اما از مطالعه کنندگان جلالت نشان
درخواست میکنیم که درین بیانات بنظر تأمل نگرند و سرسری نگذرند چه
من عندی نیست و پیش خود خیال نبافته ایم بلکه از مبانی صحیحهٔ علمیهٔ اقتباس
نموده ایم و آن قواعد و اصول امروز مقبول دانشمندان فرنگ میباشد
زیرا که علم ثروت حالا دانشی است مدون مشروح و مبین که در مدارس
عالیه باید بخوانند در رجال دولت بدانند و هم اکنون این علم در
مدرسهٔ مبارکهٔ سیاسی تدریس میشود و انشاء الله عنقریب کتابی در اصول
علم ثروت ملل بزبان فارسی طبع خواهیم نمود فعلا هرچه از کلیات آن
برای مطالعه کنندگان ما سودمند است بطور سهل و ساده بدون
اصطلاحات علمی و تحقیقات دقیقه مشکله در ینجا درج خواهیم نمود و اگر
این حقایق در نظر بعضی تازگی نداشته باشد مسلم نیست چه ما خیال ابداع
نکرده ایم بلکه خواسته ایم کمک و تأکیدی باذهان نموده و بادای
تکلیف پرداخته باشیم

باید دانست که بسیاری از اشخاص بواسطهٔ عدم تأمل وقتی ثروت
میگویند مقصودشان پول میباشد و این شبهه بلکه خطائی است که
برای بسیاری دست داده و نمیدانند پول مطلقا ثروت نیست یکی از
اقسام ثروت است و اهمیت آن بواسطهٔ اینکه اسباب تسهیل معاملات
میشود راست است که چون بافراد ناپس نظر کنیم هر کس پولش بیشتر
بظاهر توانائی بیشتر است اما عمل افراد باعمل ملت و مملکت نهایت دارد
مملکت انگلیس متمول ترین ممالک دنیاست و حال آنکه ممالک دیگر هست
که بیش از مملکت انگلیس پول دارد همچنین زیاد شدن پول در مملکتی
دلیل نمیشود که ثروت آن مملکت زیاد شده چنانکه در مملکت خود ما همین امر روی
داده (ده تومان زیاد کرده ایم باصد تومان احتیاج)

ثروت چیزی را میگویند که بحال انسان مفید باشد و رفع حاجتی از او
نماید اعم از اینکه آن حاجت احتیاج اکل و شرب باشد یا لباس و مسکن
و غیرها از لوازم زندگانی و آسایش و تنعم (نان گوشت برنج
روغن چیت ماهوت شال کتان خانه فرش ظرف
پرده میز صندلی قبل اتاب درشکه باغ الی
مالانحصی) ازین تعریف معلوم میشود ثروت برای یک نفر یا یک قوم
نادرا بالطبیعه موجود میگردد و سعی و کوشش لازم است

بدیهی است که شخصی یا ملتی اگر ثروتی داشته باشد و در صدد ازدیاد آن
برنیاید چون مجبور است ثروت موجود را برای رفع حوائج خود بمصرف
رساند از آن ثروت بیکاهد و عاقبت نابود خواهد شد همچنین است
اگر در صدد زیاد کردن ثروت باشد ولی در ضمن حوائج او نیز زیاد شود
و از زیاد ثروت بقدر از دیاد حوائج نباشد یعنی حوائجش بیشتر از ثروتش
ترقی کند درین صورت نسبت بحال آن شخص یا آن قوم باز ثروت کاسته
اگرچه از یک جهت افزوده

مملکت ما این حال را پیدا کرده در صورتی که مصداق حکم اول نباشد
ما مصداق حکم ثانی است یعنی اگر نتوانیم بگوئیم برادران ما بکلی از ازدیاد
ثروت خود چشم پوشیده میتوانیم بگوئیم بقدری که حوائج خویش را زیاد
میکنند بر ثروت خود نمی افزایند بعبارة اخری ترقی احتیاج
سریع است و ترقی ثروت بطئی پس ثروت ایران رو بنقصان دارد

جنگهای واشنگتن این زن را دیدند که با صدمات سخت و مشقتهای شوهرش راه مشارکت میرود و میل و رغبت همراهی میکند اما این واشنگتن
چند سال دیگر است و وقت آن میرسد

واشنگتن مدت شانزده سال بی در سر آسوده و آرام سعادت زندگانی دهقانی و کشت و زرع را بمنتها درجه سیر کرد و کمال تعشق و میل را داشت که
مدة العمر همین وضع و در همین محل گذراند و من و زن منزل و اقامتگاه او گریزگاهش بود و هر وقت بآنجا میرفت باین امید میرفت که دیگر از آن
مکان خارج نشود فی الحقیقه در من و زن خیلی باو خوش میگذشت بعلاوه تمام سرچشمه های ثروتی که در آن وقت مردم از آن بهرمند میشدند و
میتوانستند دارای تموّلی گزاف شوند واشنگتن را در من و زن بود و متصل بواسطهٔ عقل معاشی که داشت بحاصل و فایدهٔ آن سرچشمه ها نایل میگشت و

واگر همشهریهای ما بهمین رویه در پیش که حالا دارند باقی بمانند حال حالیه
روز بروز شدت میکند و ما همواره فقیر تر خواهیم شد

اما احتیاج که گفتیم در همشهریان رو باز دیاد دارد امری طبیعی است
و فطرت انسان بر تغییر حال میباشد و این تغییر حال ترقی انسان محسوب
میشود اگر جماعتی را دیدید که حوائج آنها زیاد نمیشود از آن جماعت مأیوس
باشید و ایشان را مرده بپندارید چه هر قومی و جماعتی که بکلی وحشی
نباشند و فی الجمله بوئی از تمدن بمشام آنها رسیده باشد بطور یقین روز
بروز بر حوائج آن قوم و آن جماعت می افزاید یعنی هر ساعت ملتفت
نقصی از نقایص امور زندگانی خود میشوند و در صدد رفع آن برمی آیند
و چون اسباب رفع آن نقص را فراهم آورند حاجتی بر حوائج سابقه
افزوده شده مثلاً در ممالک گرمسیر ابتدا انسان خانه نداشته و
زیر آسمان سر میبرده وقتی ابر شده باران شدیدی باریده مردم را
بشدت ترکرده و بخیال انداخته که سرپناهی برای خود ترتیب دهند
پس خانه اختراع کردند و خانه ساختن یکی از حوائج انسان شد
و پیش از آن این حاجت را نداشت یعنی احساس نمیکرد همچنین در
اوقات بارندگی انسان که مجبور به بیرون رفتن از خانه بود برای آنکه
ترنشود چتر اختراع نمود و حاجتی بر سایر حوائج افزود ازین رو
دانستیم زیاد شدن حوائج انسان دلیل بر ترقی و رفع جمودت اوست
و ملت متمدن آن است که حوائج زیاد خود را احساس کرده اسباب
رفع آنرا فراهم آورده باشد و هرچند این رای با سلیقه عرفا و حکما
نمیسازد موافق مذاق دانایان زمان ما ست و میگویند مملکت تلگراف و

راه آهن و همه چیز میخواهد حتی اسباب تفنن و مشغولیت و فلان و بندهم
با حال درویشی تصدیق این گفته مینمایم و با خضوع تمام عرض میکنم
گر تو نمی پسندی تغییر ده قضا را

افسوس که از دیاد حوائج مردم ممالک محروسه مثل سایر ملل بصرافت
طبع خود اهالی نبوده و مایه این ترقی غیر میباشد یعنی نتیجه معاشرت و
آمیزش با خارجه است بعبارة اخری ما احتیاجات خویش را طبعاً
احساس نکرده ایم و راه صعود و ارتقا نرفته ایم مراده با خارجه
و دیدن اوضاع ایشان ما را ملتفت حوائج نموده اگرچه هنوز آن را هم
بتمامه چنانکه دیگران درک کرده نکرده ایم و بنواقص کار برخورده ایم اما
بعدها قهرا برمیخوریم و رفته رفته ناچار در صراط ترقی می افتیم و این مسئله
مطلقا عیب ندارد عیبی که فعلا در کار ماست این است که بشرایط و
لوازم از دیاد حاجت عمل نمیکنیم مثلا احتیاج بچتر را احساس
کرده ایم اما در صدد ساختن آن برنیامده ایم بخریدن آن از خارجه
اکتفا نموده ایم بعبارة اخری چنانکه در فوق ذکر شد حوائج را زیاد
نموده ایم ولی بر ثروت خود نیفزوده ایم و این امر همواره در کار ما روی داده است
این بود بطور اشاره و اجمال علت حقیقی نقصان ثروت اما علاج آن
بعقیده بعضی این است که حوائج زیاد شده را دور اندازیم و بحالت
صد سال پیش خود بازگشت نمائیم لکن این کار بنظر ما محال می آید اگر
رود خانه بسرچشمه خود برگردد و جوجه دوباره تخم مرغ شود و انسان
بالغ بحال جنین عود کند ما هم میتوانیم بحال صد سال قبل معاودت
کنیم پس علاج واقعی این است که در صدد از دیاد ثروت خود

برکنت خود می افزود و از دارائی خویش تمتع و لذت میبرد مشغولیات واشینکتن در آن زمان شکار و صید ماهی و سرکشی بکار دهاقین و غلامها بود و در
مزارع و چمنها و جنگل گردشهای طولانی مینمود مراسلات تجارتی خود را مینوشت و با خانواده های دوکلمند که در آن حوالی بودند آمد و شد میکرد
کتاب میخواند سوار میشد اشخاص بسیار بدیدن او می آمدند سفره گسترده داشت و بسبک دیرینه زارعین ناحیه ویرژینی همان نوازبود تبرباید
بگوئیم که واشینکتن در قلمرو خویش کار قاضی هم مینمود در مجالس شورای ولایت ویرژینی نیز داخل میشد و آرای او را اجزای انجمن بخوبی میپذیرفتند
اگر زندگانی واشینکتن همیشه بدین منوال میگذشت شخصی بود دارای کمال سعادت و عمر خود را بخوشی بپایان میرسانید لکن اسم او داخل در عالم تاریخ نمیشد
وصیت سربلندی و افتخار او در روی زمین را نمیگرفت و جهتی نداشت که ما بنگارش شرح حال او قیام و اقدام نمائیم اما تقدیر را حکم دیگر بود و

برآئیم و راه تولید نکت را بدست آریم
انشاء الله در نمرهٔ بعد بطور اختصار خواهیم گفت دانشمندان فرنگ
تولید ثروت را در مملکت چگونه بیان نموده اند و حکمای اهل فن چه فرموده

(هندوستان)
(شکر عنایت و ذکر مکرمت)

افضل علمای هندوستان بلکه اعلم فضلای عصر و زمان عالم یگانه
و حکیم فرزانه دانشمند اعظم حضرت معظم شیخ اکمل
و استاد اجل مولانا مولوی عبد الله عمادی صاحب مجلهٔ منیرهٔ
البیان مدظله العالی که خطهٔ لکنؤ (لکهنو) کرسی ولایت اُود و واقعهٔ
میان نیسپال و الله آباد را مزین دارد و با نوار معارف تمام اقطار
اسلامی را منور میسازد از رجال بزرگ مائهٔ چهاردهم هجری میباشد و
از مفاخر ما و تمام مسلمانان محسوب میشود و روز نامهٔ نمرهٔ سیصد و دوازدهم
تربیت نیز مختصری از شرح حال سعادت اشتمالش را شامل است
بزرگوار فرخنده آثار این اوقات در مجلهٔ مبارکهٔ البیان زیاده
از حد وصف کتاب عشق و عفت و نویسندهٔ بی بضاعت آن یعنی
بندهٔ اقل را ستوده و طبع علیحدهٔ آن ترجمه و تألیف را امر فرموده اند
چون ضمیر منیر علامهٔ الهی دام علاه محک عیار دانش و درایت است
و میزان اختبار هر گونه خبر و روایت جا دارد که این ضعیف بر خود ببالد
و در مجمع بلغا اظهار سربلندی کند چه حضرت استاد معظم گذشته از
اینکه در فنون معارف و علوم بحری ز اخر و محیطی تیز اراست در مضمار
بلاغت نیز یکه تازد در پهنهٔ نگارش بی شریک و انباز باشد شکر

عنایتش واجب خوری و ذکر مکرمتش فرض عین و برکات وجود مبارکش
اسباب امتنان کلی و دین است استدامت این نعمت سابغه را همواره
مسئلت مینمایم و طول عمر عزیزش را که سود و صرفهٔ ما و جمیع طالبان
آگاهی در آن باشد بلابه درخواست میکنیم (چون بعضی از علمای
اعلام ایران کثر الله امثالهم نیز طبع جداگانهٔ کتاب عشق و عفت را
فرمایش فرموده انشاء الله آن مثال و امر عالی را بزودی امتثال
و اطاعت خواهیم نمود)

(جنگ روس و ژاپن)

درین دو سه هفته فی الحقیقه عساکر طرفین بفراغت گذرانده و دست
بکار رهتی نزده اند یعنی آنچه واقع شده جزئی بوده از جمله در نمره های
قبل خبر دادیم که سفاین جنگی روس در حوالی سنگاپور دیده شده
(سنگاپور بندری است در منتهای جنوبی شبه جزیرهٔ مالاکا
و مالاکا در منتهای الیه هندوچین میباشد) در اینکه جهازات جنگی
روس را در حوالی سنگاپور دیده اند حرفی نیست و عجب این است
که با وجود حاضر بودن کشتیهای ژاپنی در آن حدود تا کنون زد و خوردی
فیمابین واقع نشده خلاصه سفاین روسی داخل قسمت جنوبی دریای
چین شدند و در سواحل هندوچین (آنام) رو بشمال بنای
مسافرت را گذاشتند و آنچه ما میدانیم سفاین مذکوره الی الآن
سالماً در سواحل آنام میباشند ژاپنیها در تهیهٔ دفاع و حمله هستند اما
تا امروز کاری نکرده اند بعضی از ژاپنیهای با بصیرت را عقیده
این است که جهازات روسی از طرف شرق جزیرهٔ فرمز بالا رفته

و اشپنگلن را برای کار بزرگتر ساخته بودند بنابرین وقوع وقایع مهمه یکمرتبه دنیا گهان آن دوره زندگانی باین آرامی و خوشحالی را تغییر داد و ورق برگشت و روی دیگر نمود ارشد

پیش اشاره کرده ایم که در سال هزار و هفتصد و هفتاد و چهار میلادی بعلتی مابین دولت انگلیس و متصرفات امریکائی او اختلاف در گرفته و بزودی بظهور جنگ ناچار حتمی شده بود و دانایان میدانند که آن علت را باید انحراف پلیتیک و اعوجاج سلیقهٔ پارلمنت انگلیس و در رأس آن بر عایای امریکائی دانست و درین مورد خوب است یک دو نکته را مطالعه کنندگان ما ملتفت باشند اول اینکه جنس و جوهر انگلیس جنس و جوهر هوش است و کمال علم انگلیسها در برتری صنایع آنها گواهی میدهد که این ملت قوت ممتازی است و هر کس در ست از عالم صنعت و تجارت این قوم با خبر باشد تصدیق میکند که انگلیس

در مشرق جزایر ژاپن دور زده و سیر طولانی نموده از میان جزیره‌ها میخواهند خود را بولادیوستک رسانند حال باید دید ژاپنیها چه میکنند و چه نتیجه حاصل میشود

از منچوری هم خبر مهمی نرسیده نتیجه آنچه میگویند این است که روسها بطرف شمال و مشرق عقب می‌نشینند و ژاپنیها آنها را دنبال میکنند و در بعضی سیه وند و ضمناً گاهی زد و خورد نیز میشود روسها این اوقات دو دسته سوار و توپخانه ژاپنی کشف کردند و این سوار و توپخانه که بیست و دو عراده توپ داشته در خیال بوده که موقع اصلی ژنرال لینی ویچ سردار کل عساکر منچوری روس را احاطه کند

از توکیو خبر داده اند که دولت ژاپن در مقابل طرح دولت روس در منچوری خیال کرده است تهیه عظیمی ببیند و عده عساکری را که در آنجا دارد دو برابر روسها برابر کند و گمان میرود که لشکر ژاپن در منچوری تا پائیز زیاده از یک کرور شود بعبارة اخری بهفتصد هزار نفر برسد و ژاپنیها یقین دارند که میتوانند خارجین را بگیرند و بطرف مشرق روسیه حمله نمایند

دیگر از مطالب مهمه اینکه چون توقف کشتیهای بالتیک روسی در کامرو بندر فرانسه در ساحل آنام (هندوچین) طول کشید و مذکور شد که آن سفاین در آنجا تهیه زغال نمودند و بعضی مرمتهای که لازم داشتند پرداختند لهذا روزنامه‌ها و مردم ژاپن از این مطلب زاید الوصف متغیر شده غوغائی برپا کردند و گفتند دولت فرانسه عمداً کشتیهای روسی را پناه داده و از شرایط بی طرفی تخلف نموده و دولت ژاپن نیز در این باب رسماً بدولت فرانسه شکایت نمود اما فرانسویها در جواب گفتند ما از شروط بی طرفی تخلف نکرده ایم و با سفاین روسی مساعدتی نداشته با آنها همان معامله نموده ایم که با کشتیهای ژاپن مینمودیم بهرصورت مابین دولتین فرانسه و ژاپن در این باب گفتگوی رسمی در کار است و دولت فرانسه بحکومت هندوچین خود دستور العمل داده که اقداماتی بنماید و با سفاین روسی همان طور رفتار کند که با کشتیهای ژاپن میکرد و شکایت دولت ژاپن را هم بروسیه اظهار داشته و آن دولت نیز وعده داده که در این باب با امپراتور دوستانه گفتگو نماید باری عقیده عموم این است که سفاین روسی زرنگی بخرج داده و در سواحل فرانسوی هندوچین کاری از پیش برده و استعدادی برای خود در آن حدود مهیا ساخته است

گویند دسته چهارم سفاین بالتیک در ماه اول یا دویم تابستان از کانال سوئز عبور خواهد نمود

روزنامه از پسن بطرزبورغ خبر داده که دولت روس مصمم شده است پولهائی را که برای بعضی ادارات داخله معین شده بمصرف و خرج جنگ صرف نماید

از قسطنطنیه مذکور روسها تلگراف باین قسم قوقو و قوچو را قطع نموده اند (قوقو جزیره ایست متعلق بژاپن و قوچو شهری است از چین در مقابل قوقو)

بموجب خبرهای آخری فرانسویها میگویند دسته کشتی روسی که در بندر کامرو در ساحل آنام بود از آنجا حرکت کرده و خارج شده است

در دنیا حق تربیت دارد از مغرب تا مشرق غیر از اینکه انگلیسهای صدوسی سال قبل البته بکمال و تکمیل انگلیسهای حال نبوده از این جهت بر عایای امریکائی شرایط اعتدال را درست رعایت نمینمودند تانی باید متذکر باشند که رعایای امریکائی هم باز همان انگلیس بوده بلکه نخبه و خلاصه‌های انگلیس که از زور هوای نفس برادران خود بستوه آمده و بامریکا مهاجرت نمودند پس اگر اتازونی دنیا امروز خیلی تقدم دارد آن سربلندی نیز راجع بانگلیس است چه امریکائیها هم همان انگلیسها میباشند و خیالات عالی بازار همان دلها سرزده و از همان سرها بیرون آمده و اینکه بعضی گمان کرده که سکنه اصلی اقلیم جدید ترقی نموده و بسرعت تمام خود را باین جاه و مقام رسانیده و سهو بزرگ و اشتباه عظیم است بومیهای نیگی دنیا هنوز هم وحشی میباشند اما ملی متمدن امریکا همان اروپائیها هستند مخصوصاً انگلیسهای دانا که قرنهاست راه دانش و هنر میروند و آنی از شرایط استعلا غفلت نمیکنند باری چون پارلمنت انگلیس وزرا را در انحراف و اعوجاج اصرار و ابرام نمود

گویند در اوائل ماه مه دولت ژاپن بیت کرد در لیسه انگلیسی از داخله خود قرض خواهد کرد

(اخبار زمان)

بنا بر مداخله دولت المان در عمل مراکش در مجلس شورای فرانسه به پلیتیک مسیو دلکاسه وزیر امور خارجه فرانسه ایراد گرفتند که ملاحظه تمام اطراف کار را نکرده لهذا مشارالیه استعفا از وزارت خود کرد و این مطلب در داخله و خارجه اسباب تأسف شدید شد وزرا خاصه رئیس ایشان همچنین جناب رئیس جمهوری فرانسه باصرار مسیو دلکاسه را از صرافت استعفا انداختند و قرار دادند بدلیل او رفتار کنند اعتبار این مرد از آن است که خدمات شایان بفرانسه کرده مخصوصا در پیشرفت قرارداد محاکمه بین المللی

مأموریت المان مهیا شده که بفاسپس پای تخت مراکش رود و قبایل کنار راه برای تشریفات مأموریت جشنها ترتیب میدهند

اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ملکه انگلیس که در دریای مدیترانه گردش میکردند بشهر الجزایر رفته مدتی در آنجا ماندند شهر را از بیرقهای فرانسه و انگلیس زینت داده بودند و هوا که پذیرائیهای خوب از دو دارد معظم میسنمودند و این دلیل استحکام مبانی دوستی فرانسه و انگلیس است

در بعضی از بلاد انگلیس زلزله شدید شده لرد کیچنر سردار معروف انگلیس که این اوقات مأمور ترتیب امور نظامی هندوستان است از عدم همراهی بعضی از اجزای شورای نظامی دلتنگ شده بخیال استعفا افتاده اما روزنامه های انگلیس از مشارالیه تمجید کرده وجود او را برای

دولت انگلیس قوت بزرگی دانسته گفته اند بهیچوجه نمیتوان از خدمات لرد کیچنر در هندوستان صرف نظر کرد و باید این سردار در آنجا اختیار مطلق داشته باشد و البته لرد کرزن با خیالات او همراهی خواهد نمود

از واشنگتن تلگراف کرده اند که وزیر جنگ تا زونی که در جزایر فلیپین بود در مراجعت بنا بر دعوت ژاپن به توکیو خواهد رفت و چند نفر از رجال امریکا هم با او همراه خواهند بود

شورش دهاقین روس اسباب خیال شده و بسیاری از ملاکین با خانواده خود بسکو پناه میبرند اعلیحضرت امپراطور مجلسی را که بریاست مسیو دوبت مأمور طرح اصلاح حال دهاقین بود موقوف کرده و مأموریت دیگری بریاست یکی از مخالفین مسیو دوبت باین کار گماشته و رئیس تازه بطفره و تعلل معروف است در پطرزبورغ آن دو هزار نفری که تعطیل کرده بودند رفقای خویش را از کار منع مینمودند پلیس با آنها برزد و خورد پرداخته ایشان را متفرق ساخت مجلسی مخفی از نمایندگان صد و بیست روزنامه آزادی طلب در پطرزبورغ تشکیل یافته چهار روز مذاکره نمودند و ترتیبی بجهت روزنامه ها با مقاصد پلیتیکی اختیار کردند گویند در مسکو پانزده هزار نانوا تعطیل کرده و قیمت نان سه برابر شده و بیم اغتشاش است بحکام ولایات خبر داده اند که انعقاد مجلسهای ملتی که بنا بود در اوایل ماه مه در پطرزبورغ منعقد شود غدغن شده و حکم کرده اند وکلا را از حرکت مانع شوند با حاکم کل لهستان گفتگو نموده که ترتیب حکومت محلی شبیه بمجالس ملتی روسی

صبر رعایای امریکائی بطاقت آمد و حوصله ها تمام شد و جداً بخیال افتادند که سایه بی التفاتی و بی ملاحظگی را از سر خود کم کنند و حقوق خویش را که نزدیک بپایمال شدن است بهر تدبیر که ممکن شود حفظ نمایند

در شهر فیلادلفی از شهرهای معتبر امریکا زونی حالیه کنگره یعنی مجلس معتبری منعقد شد و اجزای این مجلس وکلای کاردان ولایات مختلفه بودند و در باب مورد و اشکنتن هم از جانب ولایت ویرژینی مأمور آن مجلس گردید مرد صلح طلب یعنی واشنگتن که باطناً بیاهو و انقلاب و اختلاف میل و رغبتی نداشت از مشاهده اوضاع و نزاع مابین انگلیسها و کلنیهای او متألم و مشوش بود زیرا که میدید این افتراق و جدائی ناگزیر شده و انقطاع و انفصال ضرورت بهمرسانیده و مقصد و مقصودی باین سختی و دشواری ناچار باید بزور اسلحه و خونریزی میسر شود و صورت پذیرد زیر بالا رود و بالا زیر آید تا ماه مراد چهره نماید

دردهات داده شود گویند دولت روس در خیال است زبان لهستانی را در مذاکرات رسمی داخل کند دسته از طالبین حکومت مشروطه بشکل مخصوصی در روسیه تشکیل یافته و آن شامل هفت نفر از اجزای شورای امپراطوری و بسیاری از اعضای سنا و جمعی از کارگذاران عالی دولت میباشد و چندین هزار دعوتنامه در تمام روسیه منتشر شده که مدعوین در پطرزبورغ جمع شوند و در باب اصلاحات گفتگو کنند و برای انعقاد مجلسی که ملت در آن نماینده داشته باشد ترتیب لایحه داده اند در شهر لیمژ از بلاد فرانسه عملهٔ کارخانهٔ چینی سازی دست از کار کشیده که بعضی رفقای محبوس خود را از محبس برون آرند عساکر دولتی با آنها زد و خورد کرده و چند نفر مقتول و مجروح گشته و این مسئله در فرانسه اسباب هیجان شده بعضی بدولت ایراد کرده اند که چرا در مقابل کارگران زورشگری بکار برده مجلس وکلای فرانسه از دولت تقویت نموده و فعلاً اغتشاش رفع شده است

(وکالت تربیت)

در نمرهٔ پیش بیان حال وکالت تربیت را نمودیم و حقیقت امر را اظهار ساختیم جز اینکه یک دفعه از اصدقا که باید تمام بریم و از موقت خالصانهٔ آنها اظهار امتنان کنیم فراموش کردیم و اسم ایشان از قلم افتاد لهذا جبران آن قصور را گوییم

جناب سعادت نصاب مبادی آداب عمدة الاخیار و نخبة الاشراف آقا میرزا محمد علی ارباب طهرانی ملقب بمشیر التجار زید عزه و شرفه در استرآباد و گنبد قابوس و جناب رفعت و معالی نصاب زبدة الاعاظم و قدوة الافاخم آقا میرزا محمد علی تاجر اصفهانی دام مجده العالی که در بندر جز امین التجار و وکیل جزایر

(اعلان)
اهالی اوراه
بنگاه
اهالی جمعی

کتاب سرگذشت ارمانوس مصری از رمانهای تاریخی یعنی حکایاتی که در ضمن اشاره بتاریخ مینمایند در کمال امتیاز طبع شده و در مطبعهٔ خورشید بفروش میرسد و قیمت آن یک تومان است

باید دانست که سرگذشت ارمانوس مصری ضمناً از فتح مصر بدست مسلمانان در صدر اسلام اشارات دارد و در اثنای خواندن قصهٔ شیرین مطالعه کننده دارای مبلغی معلومات میشود و بفواید جلیله نایل میگردد و این قسم داستان سرائی حسن تدبیری است از دانایان فرنگ که خواسته اند باین وسیله بر مدارج دانش و هوش مردم بیفزایند و خواننده را بدون آنکه خود ملتفت باشد آگاه نمایند پس کتاب مبلغی قدر دارد و مطالعهٔ آن فایدهٔ کلی بمطالعه کننده میرساند

(ایضاً اعلان)

کتاب (مملکت شمس طالع یا دولت ژاپن) مشتمل بر تاریخ

پوشیده نباشد که داشتن از آن اشخاصی نبود که دارای جوش و هیجانهای شدید و شور و شوقهای فوق العاده باشد بلکه همیشه با عقل و ذوق سلیم و خیال و خاطر آرام بامور عالم نظر میکرد و سنجیده و آزموده بتصور و تصدیق کارها میپرداخت راه و چاه را اندیشه قدم برمیداشت و پا پس نمیگذاشت و در خلاف و نزاع کلنیهای انگلیس با آن دولت بخوبی ملتفت بود که این کار ظاهراً عاقلانه بنظر نمی آید و خطر دارد و میدانست که مشتی ضعیف با قوهٔ قلیل و استعدادی ناقابل مشکل است با دولتی قوی و مستعد بجنگد دولت انگلیس دارای کمال اقتدار است و بواسطهٔ سفاین متکاثر بسیار بر بحار مسلط و لشکری بسیار تواند تجهیز و آماده کند که در قوت و قدرت با بهترین عساکر دول اروپا برابر باشد و بواسطهٔ ثروت و مکنت زیاد تا هر وقت و زمان که مصلحت اقتضا کند ممکن است جنگ را امتداد دهد و طرف مقابل را خسته کرده از کار بیندازد در این صورت کلنیهای مزبور مشت بسندان میزنند و با دام

ژاپن و شرح زندگانی اهالی و حاصل و محصول طبیعی و مصنوعی آن خاک و تمام اطلاعات مطلوبه از آن سرزمین ترجمه و تالیف (ماطه وپس خان ملک یانس) طبع شده و از هر جهت کمال امتیاز را دارد و در حجرهٔ کتابفروشی جناب آقا شیخ محمد حسن طهرانی در خیابان ناصریه زیر شمس العماره بفروش میرسد محض اطلاع طالبین اظهار شد

(ایضاً اعلان)

کتاب کلبهٔ هندی ترجمه و نگارش بندهٔ اقل که فضلای بزرگ آنرا پسندیده و تصدیقهای بلیغ در باب آن نموده و میتوان گفت علاوه بر اینکه حکایتی شیرین و روایتی دلنشین است مشتمل بر مطالب مفیده و حکمتهای سودمند میباشد در هر حال در کمال امتیاز طبع شده در خیابان ناصریه در حجرهٔ کتابفروشی جناب آقا شیخ محمد حسن طهرانی بفروش میرسد قیمت پنجهزار

(اعلانات دواخانهٔ مسیو مولیون)

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مجلی نمودن پوست صورت و دست مثل ندارد

تمام زنان تمیز که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را همیشه حفظ میکند و رفع چروک و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون بجهت تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر دوری کرم سیمون — گردی است بدون بیموت بسیار نرم و چسبان و غیر مرئی

گرد سیمون — گلی است بدون بیموت زیاد معطر و خوشبو و نتایج مفیدهٔ کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون — بسیار تمیز و بی نظیر است پوست را سفید و نرم و براق میکند

ایضاً این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است

تنیک مقوی دکتر دشام با گلا و پوست گنه گنه و گلا و گلیسر و فسفات دوفر — برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً بیکصد سال رسد قبل از نهار و شام یک گیلاس کوچک از این دوا میخورند نسخهٔ این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطبا را دنیا تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عامله پوست گنه گنه و گلا و برگ گلا و گلیسر و فسفات دوفر را در بر دارد و روی هم رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است — این مواد عامله که اثر هریک را جمیع اطبا تصدیق کرده با کمال دقت ساخته میشود و مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و باشخاصی که مبتلا بضعف پیری میباشند یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام و مدد بنیهٔ آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتواند بخرد و صرف کند

قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری نه تومان و محل فروش در طهران منحصر است بدواخانهٔ مسیو مولیون در خیابان لاله زار

شیربازی میکنند و او را براه و کاری دعوت مینمایند که پا و پنجهٔ آهنین میخواهد و یک عالم تاب و توان و تحمل و تمکین پس رنج و زحمتی بزرگ و طولانی در پیش دارد و شاید که هستی خود را روی این کار گذارد — اما واشنگتن از آنها نیست که از میدان زحمت و محنت بدر رود و از معرکه و خطر بترسد و تشویش داشته باشد ولی دارد بوسعت پنهٔ خیال ثابت و پابرجا تر از رسیمان جبال — خالی از بیم و باک بی اندیشهٔ مرارت و هلاک چنانکه در قبول امر و اختیار کار آنی تامل و تردید نمود تو گفتی خود از پیش مهتم انجام این مرام بود — بلی واشنگتن میدانست که باید در حفظ حقوق و آزادی امریکائیها شریک باشد و تکلیف او این است که درین راه هرچه از دست او می آید بکند بلکه اگر لازم شود عمر و زندگانی و سعادت و هرچه را که دارد فدا نماید یا از عهدهٔ این مطلب مهم برآید رایت عدل و انصاف را بلند سازد و هوای تعدی و اعتساف را از سر عالمیان بیندازد

بقیه در نمرهٔ آتیه انشاالله

هُوَ المُعِین

روزنامهٔ آزاد هفتگی

تربیت

صاحب امتیاز ذکاء الملک مدیر مدرسهٔ سیاسی

پنجشنبه ششم شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۳۲۳ هجری — یازدهم ماه فرنگی سنهٔ ۱۹۰۵ میلادی

قیمت در دار الخلافهٔ طهران نمرهٔ سیصد دینار — نمرهٔ سیصد و شصتم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله سیصد هزار دینار — در تمام روسیه چار منات — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دار الخلافهٔ طهران طبع میشود جریدهٔ علمی و ادبی و سیاسی

سال هشتم

قیمت اعلان سطری یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

(بقیهٔ تحقیق در باب ثروت ایران)

در نمرهٔ پیش وعده دادیم که راه تولید و زیاد کردن ثروت را چنانکه دانشمندان علم ثروت بیان کرده اند بنمائیم لهذا اگوئیم باتفاق تمام فضلای کاردان عالم ملت و مملکت به دو سیله و باسه سبب تولید ثروت میکند (تعریف ثروت را که در نمرهٔ قبل کردیم باید همواره در نظر داشت نیز باید ملتفت بود که راه متمول شدن یکنفر غیر از راه متمول شدن یک ملت است)

اسباب ثلاثهٔ تولید ثروت از این قرار میباشد اول زمین و عوامل طبیعی دویم سعی انسان سیم سرمایه که آن نیز بسعی انسان فراهم میشود اینک باید هریک از این اسباب سه گانه را جدا شرح دهیم و حقیقت مطلب را معلوم کنیم

بر آنها که اندک نظری در امور عالم دارند اهمیت زمین و عوامل طبیعی در تولید ثروت ظاهر است و میدانند که کشت ثروتها باید از زمین حاصل شود و بعد انسان در آن تصرف نماید تا قابل مصرف گردد زراعت غلات و بسیاری از اجناس دیگر گله داری و استخراج معادن همچنین ساختن کارخانجات و ابنیهٔ زراعتی و عمارات مسکونی و غیرها همه بسته بزمین است و محل و مکان میخواهد و عوامل طبیعی را که ملحق بزمین نمودیم و ردیف آن قرار دادیم عبارت از قوائی است که در طبیعت موجود است و انسان میتواند آن را بکار بیندازد مثل زور و قوت حیوانات از قبیل گاو و شتر و اسب و الاغ و غیره که بمصرف تخم کردن و بار کشیدن میرسد و مانند قوهٔ وزور رودخانه و آبشار که در مملکت ما کمتر بکار می افتد مگر در آسیای آبی و قوهٔ باد مثلا در آسیا و تلمبهٔ بادی و قوهٔ بخار و برق و غیرها

ما زمین و عوامل طبیعی که اول اسباب تولید ثروت است بفضل و کرم خداوند فراوان و زیاد داریم راست است که ممالک ایران را اغلب کویر دارد اما اراضی قابل کشت و زرع آن بیشتر میباشد و اکثر آن اراضی مستعد بیکار و بایر افتاده و در تحت ظل طویل زراعت قرار نگرفته و رنگ آبادی ندیده است

(بقیهٔ شرح حال واشنگتن)

بعضی اشخاص در این عالم دیده وری بسیم که یکمرتبه دارای حال و خیالی میشوند و بغتهٔ شور و هوائی در سر آنها پیدا میکند و آن خیال و شور بر فکر و عقل غلبه میکند نسنجیده و بی تأمل دست بکاری میزنند و بعد در میمانند یا پیش میبرند اما واشنگتن از این قبیل آدمها نبود و بی اندیشه و تعقل اقدام بعملی نمینمود و خاطر او چون دانسته و فهمیده بمطلبی علاقه میگرفت تعلقی تمام به آن مطلب پیدا میکرد و همه میل او بر گشت نداشت و خلوص بوطن و حفظ حقوق و آزادی مملکت و موطن را از فرایض میشمرد و در امثال این موارد خود را مکلف بخدمت و مجاهدت میدانست و آنچه میکرد برای شهرت و جاه و تحصیل شأن و مقام نبود و میتوان گفت واشنگتن یکی از مردان بزرگ دنیا محسوب میشود و فخر عالم انسانیت میباشد اما خود هیچوقت در این صدد برنیامده که مرد بزرگی باشد و اصلا در نظر

بعضی از اهل تحقیق تخمین کرده و گفته اند از پنجاه قسمت اراضی قابل زراعت ایران فقط یک قسمت مزروع است شاید این حرف خالی از مبالغه و اغراق نباشد یا بتوانیم آنرا حمل بر اشتباه کنیم اما بجرات میتوانیم بگوییم محققا بیش از خمس اراضی ایران زراعت نمیشود و آبادی ندارد ما همه قسم زمین داریم پست و جلگه تپه و کوهستانی سرد و سیر گرمسیر معتدل چنانکه کشت محصولات گرم و ارض را بخوبی در آن اراضی میتوان عمل آورد و این مطلب تا بیک اندازه امتحان شده و مردم آزموده تجربه کرده و دانسته اند ایران ممکن است دارای اغلب حاصلهای دنیا شود (برنج اعلی که در بعضی امکنه باسم چمپا و در برخی بنام صدری معروف شده تا ده بیست سال قبل در اصفهان زراعت نمیشد و گمان میکردند این جنس بخاک فارس و مازندران و گیلان اختصاص دارد اما حالا در اصفهان بطور وفور عمل می آورند باهمان اعتبار برنج چمپا و صدری) باری اراضی ما با آن وسعتی که دارد بقدری جنس میتواند بما بدهد که اقلا حوایج ده برابر جمعیت حالیه را کفایت نماید و اینکه ده برابر گفتیم برای آن است که زیاد بنظر نیاید و بخبر نقص گفته نماید والا خیلی بیش از اینهاست پس میتوان دانست که اگر مردم ما در دست بزراعت میپرداختند هم خود در کمال وسعت و رفاه زندگانی میکردند هم بواسطه فروختن فاضل حاصل بخارجه مبلغی گزاف دخل میبردند و دلیل این ادعا آزمایش اقامه شده و دیده اید که با این کشت و زرع ناقص و ضعف و قصور و فتور آن یکی از چیزهاکه فی الجمله رعایا و مملکت را از فقر شدید محفوظ داشته فروختن غله و کشمش و قیصی و بادام و پسته و تریاک و تونون و کیراو امثال آن است بخارجه و اگر ما اولا دست از تقلب و خراب کردن جنس خود برداریم ثانیا قدری اهتمام کنیم که آن اجناس را بهتر و پاکیزه تر و بیشتر مهیا نمائیم و بعضی شرایط را هم در معاملات منظور داریم باضعاف مضاعف منتفع خواهیم شد

عقیده برخی از عوام و غیر عوام این است که فروش اجناس را بخارجه باید منع و خدغن کرد تا در داخله گران نشود غافل که این اشتباه بزرگی است و هرچه بازار این معاملات بهتر رواج باشد صرفه مملکت است اگرچه در داخله گران گردد الا اینکه ترقیات داخله هم باید صحیح باشد که واقعا یکباره در بلاد و ولایات قحطی نیفتند (در پنجاه سال قبل که ما از اجناس مذکوره در فوق کمتر بخارجه میفروختیم و اینقدر رها رنگ پول دیده نمیشد اگر نرخ ماکولات و ضروریات زندگانی مثل حالا بود سر تا سر مملکت بقول معروف قاعا صفصفا میگشت)

خلاصه گفتگوی این مبحث شرح و بیانی طولانی دارد و در اینجا چندان مناسب نیست شاید بعدها بآن و اسپستان و تفصیل بپردازیم

همشهریهای ما باید پیش از تمام کارها بفکر زراعت و آباد کردن اراضی خود باشند چه اولا کشت و زرع کاری است که در همه جای دنیا اهمیت دارد و هر قومی که زمین قابل مستعد زراعت دارند وجود آن را فوزی عظیم میشمارند و آنها هم که از وسعت اراضی محروم اند یا زمینهای ایشان مستعد نیست بزور علم و قوت تدبیر و اختراعات سودمند زراعت میکنند و از اراضی بیحاصل و قهر حاصل میگیرند پس ما

نداشته که او را از مفاخر جهان آدمیت دانند و قدر و قیمتی برای وی قرار دهند فقط چیزی که در اعمال خطیره محرک و انگیزنده شده و کاردان را بکار وامیداشت و بخدمت وطن همت میگماشت این عقیده بود که میخواست پیش نفس خود خجل نباشد و همشهریان هم او را سرشکسته ندانند بنابرین وقتی که در کنگره امریکا در سال هزار و هفتصد و هفتاد و پنج میلادی اهالی آن سرزمین کمال اعتماد خویش را بواشنگتن اظهار نمودند و شخص شاخص را سردار کل قشون بری خواندند و مامور کردند که حقوق امریکا را در مقابل انگلیس حفظ کند واقعا آن مرد منفعل گشت و خجالت کشید بلکه متحیر گردید

قشونی که واشنگتن مامور سرداری آن شد فقط اسم داشت نه رسم و اتفاقا در اثنای اینکه کنگره مشغول مذاکرات بود و هنوز در صدد و خیال که غایله را بشکلی رفع کند ناگاه خبر رسید که در لگزینگتن تن میان یکدسته قشون انگلیس و جماعتی از لشگریان ناحیه ما با چه ترس و دهشت و خونریزی واقع شده

که سرمایهٔ خداداده داریم چرا اهمال و غفلت را جایز میشماریم ثانیاً
زراعت علمی است که زارعین ما وقوف و سررشتهٔ آن را دارند و
اهالی ممالک خارجه بآسانی نمیتوانند درین باب با ایرانی رقابت و
همچشمی کنند و پیش ببرند و این کار از قبیل عمل ما هُوت بافی و بلّور سازی
نیست که باید مدتها علم آن را آموخت و سرمایهٔ گزاف فراهم آورد و باز هم
از پیشرفت آن مطمئن نبود شک نیست که حالا زراعت ما مثل سایر کارها
ناقص میباشد ولی نقص این رشته بقدر سایر رشته‌ها نیست و فعلاً
با ندک توجهی و جزئی اهتمامی در این مملکت میتوان عمل کشت و زرع را
ترقی کلی داد و در نفس اول و نخستین قدم محتاج نیستیم که وسایل تکمیلات
فرنگی را بکار بریم و معمول داریم چه این ترقیات بیشتر برای محل و موقعی است
که میخواهند از اراضی کم وسعت یا زمینهای کم استعداد حاصل زیاد
بردارند و حالا ما اگر تمام اراضی مستعدهٔ خود را بهمین وضع ساده که داریم
مزروع کنیم بکلی غیر ازین که هستیم خواهیم بود نمیگویم باید از ترقیات
علمی و عملی زراعت صرف نظر کرد و آن جمله را بر طاق نسیان گذاشت
و ابدالدهر در تیه جهل باقی ماند و بجان کندن کار کرد بلکه در قبول
آداب و رسوم تمدن حالیه از همه کس بیشتر اصرار میکنم مقصودم این است
که امروز با کمی مایه و موجود نبودن مقتضیات لازم نیست که خود را مشقت
اندازیم و اسباب زراعت انگلیس و المان را فراهم آوریم بعدها
که زراعت جان گرفت و مایه بهم بستیم در صورتی که علم و اطلاع در مملکت
شیوع بهم رساند و رواج یابد آن ترتیبات بالطبیعه خود فراهم و پیش
می آید فعلاً الزم چیزها برای ترقی زراعت و سایر امور مملکت آسودگی
رعیت است
در ممالکی که طالب آبادی و ترقی زراعت میباشند در مواد و موجبات
آن دقت کرده کفته اند ترتیب اخذ مالیات از رعیت و معامله حکومت
با زارعین باید طوری باشد که برای رعیت قوهٔ کار باقی بماند و کشت
و زرع را غب و شایق گردد و بداند اگر درین راه زحمتی میکشد چیزی هم
از نتیجهٔ آن رنج و محنت عاید و دستگیر خود او میشود نیز باید امین سر
بر دیعتی بداند فرد افلان ایل یا فلان جماعت مزروع او را غارت
نمیکنند یا محصل حکومت بیش از قسمت حاصل از او مطالبه نمیکند
مختصر باید رعیت ظلم نکشد و آسوده زندگانی نماید و گرنه چون دید فایده
از ملک خود نمیبرد بلکه اراضی او وبال گردن و اسباب طمع
و توقع دیگران میشود ناچار آن را میفروشد و رعیت که ملک فروخت
بزرگان مقتدر مالک میشوند و ایشان چون احتیاج فوری بفروش
جنس خود ندارند احتکار مینمایند و قیمت غله را بالا میبرند و این ضرر
عمومی است که خواص و معتبرین و مالکین و محتکرین را هم شامل است
و علاجی هم برای این کار بنظر نمی آید یعنی موعظه و نصیحت و توبیخ
و ملامت در اماکنی که تمام شأن و اعتبار پول باشد و بس بخرج کسی
نمیرود بعلاوه یک عیب بزرگ دیگر هم در کار هست
وقتی که زمین ملک رعیت نشد آن علاقه و دلبستگی که باید با آبادکردن
و کشت و زرع آن داشته باشند ندارد و چون میداند برای غیر
کار میکند مثل سایر کارگرها حتی الامکان بطفره و تعلل میگذراند و
شرایط را درست مرعی نمیدارد پس دانایان علم پلیتیک یک

امریکائیها بسیاری از انگلیسها را تلف کرده و آنها تا شهر بُستن عقب نشسته اند و چند هزار نفر از دهاقین و ولایات مجاور که مسلح بدانجا شتافته انگلیسها را
درین شهر محصور نموده و واشینگتن که لشکری نداشت و یا بتواند این جمعیت دهاتی را عساکر نظامی نماید و برای قتال و جدال مهیا و حاضر کند زیرا که کار از آن
گذشته بود که امر میان امریکائیها و انگلیسها بصلح و صفا و خوشی گذرد بلکه رابطهٔ فیما بین انگلیس و کلنیها قطع شده و چاره جز این نه که اهالی امریکا تن بآفات
و مخافات جنگ در دهند و زیر این بار گران روند و واشینگتن بعد از هیجان و انقلابی که در بدو ظهور و بروز امور غیر مترقبه و اعمال مهمه عارض شخص میشود
آن تشنج شریفی را که کنگره باو رجوع نمود با کمال آرامی و سکون قبول کرد و وعده داد که سعی کند و خود را شایستهٔ تقلد آن امر خطیر نماید و با آنکه وعدهٔ
هرگونه اجر و مزد هم با و سپرد اندازه در یافت آن را اداء ابا و تحاشی بشرف و وطن پرستی و خدمت ملک و ملت را بر عطیه و جایزه و هر چیز ترجیح میداد

ظلم کشیدن رعیت را متضمن چندین ضرر مملکت دیده و آفتی برای ثروت ازین بدتر نیافته اند

دیگر از کارهاکه برای ترقی زراعت لازم است مسئلهٔ تنظیم آبها میباشد و باید ملتفت باشیم که در ممالک ما آب اصلاً فراوان نیست و بسیاری از اراضی از بی آبی لم یزرع مانده ولی عمده و بیشتر این عیب را میتوان بواسطهٔ نظم دادن کار آب رفع کرد باین معنی که بسیاری از آبها ماهر زمیرود و بمصرف کشت و زرع نمیرسد اگر دولت یا صاحبان همت کنند و بترتیب دادن بعضی سدها و تدابیر دیگر که در همه جای دنیا بکار رفته آبها را بمصارف صحیحه برسانند اغلب اراضی بایر ما دایر خواهد شد مهمترین این قسم عمل بستن سدا هواز است که مشغل گفتگوی آن شده و میشود و هنوز نتیجه از آن ندیده ایم و حال آنکه با دو سه کرور تومان خرج یک مملکت را میتوان احیا کرد و فورًا دخلهای گزاف برد و جمعی کثیر از مردم بیکار را بکار داد و اشت و خلقی گرسنه را اصحاب نان کرده و هر سال کرورها بخزانهٔ دولت فایده رساند و در حقیقت منافع سدا هواز را نمیتوان تحدید نمود و همه کس حاصلخیزی آن ناحیه و استعداد اراضی را برای زراعت نیشکر و تریاک و غله و همه چیز شنیده و میداند عجب آن است که ما جمله احساس درد و احتیاج را میکنیم و علاج را نیز اجمالاً میدانیم و تفصیلاً هم میتوانیم بدانیم معذلک در اقدام کُندیم و بگفتن گفتن از ما میرود و در روز

دیگر از لوازم ترقی زراعت وجود راه و وسایل حمل و نقل است و آن نه تنها لازمهٔ ترقی زراعت میباشد بلکه سبب هر گونه پیشرفت کار مملکت

خواهد شد و شرح این مطلب نیز بتفصیل بیاید

این بود مجملی از حال و وسیلهٔ اول تولید ثروت انشاءالله در نمرهٔ آتیه مختصری از وسیلهٔ دویم یعنی سعی و عمل انسان ذکر میکنیم و مطالعه کنندگان محترم البته ملتفت میباشند که ما فعلاً کلیات و ورود بمسائل و مطالب را بیان مینمائیم و تفصیل و شرح جزئیات را برای بعد میگذاریم و همه کس میداند که چون اصول بدست آمد و دانسته شد درک و فهم فروع آسان میشود ازین گذشته تدقیق در جزئیات چه آنهاکه درین مقاله گفتیم چه آن چیزهاکه بعد خواهیم گفت بهمت خود مردم است که در صدد برآیند و از اهل خبره و سرشته و ارباب بصیرت و اهل تجربت و صاحبان اطلاع کسب خبر و آگاهی نمایند و این همان کاری است که سایر ملل میکنند یعنی دست بهر کاری که میخواهند بزنند از اهل و قوف آن کار اول تحقیقات در آن باب بعمل می آورند آنگاه اقدام مینمایند و مسلم است که از ما و امثال ما کسی نباید توقع داشته باشد که عالم بجزئیات امور زراعت یا صنعت و غیرها باشیم از ما بیان کلیات و بدست دادن مفتاح است و از مردم تحقیق در جزئیات و عمل کردن و از یاوه گو حرف مفت زدن و مانع پیشرفت حرف حق شدن

(انسان فوق العاده)

بلندی بالای انسان متعارفی بذرع مایک ذرع و نیم تقریبًا یکصد و شش گره میباشد و در خلقتهای معمولی کم و زیاد آن بیش از دو سه گره منتها یک چارک نیست اما این اواخر یک مرد و یک زن

واز آن وقت شخص و اشینگتن تعلقی بخود او نداشت بلکه وجودی بود متعلق بمملکت و وقف خدمت وطن و ملت چنانکه سرگذشت زندگانی او با تاریخ آن سرزمین مخلوط و مربوط شد مثل اینکه امریکا و واشینگتن لازم و ملزوم یکدیگرند

مشکلات کار واشینگتن بحساب و شمار درنمی آمد و فی الحقیقه اقلیم امریکا خیلی سعادتمند بود که شخصی ممتاز را برگزیده و مردی را انتخاب و اختیار کرده که خلوص نیت و پاکی فطرتش ظاهر و مشهود گشته و در خدمات نظامی دارای نام نیک و سربلندی شده و همانطور که صفات لازمهٔ سرداری و وطن پرستی را دارا است از استعداد اداره کردن و نظم دادن و وایز نیز بهره درستی میبرد و بلکه باعلی درجه بهره کار میخورد موانعی که میبایست واشینگتن از پیش بردارد و رفع کند یکی ضعف قدرت کنگره بود دیگر دعاوی و ولایات مختلفهٔ کلنیها که با هم رقابت و همچشمی داشتند دیگر بی نظامی عساکر و لشگری دیگر رشک و حسد

که هر دو از خلقتهای فوق العاده محسوب میشوند در لندن خودنمائی کرده
و اسباب تعجب و تماشای اهالی آن پای تخت گردیده اند

مرد مزبور جوانی است بیست و سه ساله از مردم روسیه موسوم به ماچنو
که سه چهار ماه قبل از برلن بلندن رفته و عکس او را در میان جمعیت
تماشائیان برداشته و صورتش را در روزنامه ها رسم نموده اند یکی
از آن تصاویر را بهترین دوستی از دوستان برای ما فرستاده
مگر از مشاهدهٔ آن سیر صنع الهی و طرفه کاریهای طبیعت را نمائیم
طول قامت ماچنو تقریباً سه ذرع سه گره کم و دایرهٔ دور کمر او یک
ذرع و شش گره و دور سینه یک ذرع و نیم و از سر انگشت تا مفصل مچ
دست نیم ذرع و طول کف پا نه گره و نیم و وزن جثهٔ او شصت و نه من
تبریز است

تماشاگاهی در لندن برای این خلقت غریب معین کرده اند و آن تماشاخانهٔ
(هیپودروم) میباشد و اتفاقاً زنی در این تماشاخانه با این مرد همراه
شده که طول قامتش نیم ذرع است و مسماة بمادموازل شیکپا و این
خانم که قدش یک گره و نیم از طول کف پای آقا ماچنو کوتاه تر است
مرد را نیک جلوه میدهد و بر دوم معرفی میکند این مرد و زن را
میتوان مشترکاً به دنیا خواند چه مرد قوی هیکل ترین مردان این جهان است
و زن از حیث جثه کوچکترین نسوان عالم بشماری آید

مسیو ماچنو زن و بچه هم دارد بنا بر مسطورات یکی از روزنامه های
انگلیسی مشار الیه وقتی که در لندن بحجرهٔ دکان خیاطی رفت که سفارش
یک دست لباس دهد خیاط برای گرفتن اندازه محتاج باستعمال
نردبان گردید و راستی که با نبودن پله و کرسی و چارپایه اندازه گرفتن
لباس آدم سه ذرعی ممکن نیست نیز برای اظهار همان روزنامه با پارچهٔ
یک دست لباس ماچنو میتوان چهار الی پنج دست لباس برای آدمهای
معارفی دوخت ماچنو دوازده نان و دوازده دانه تخم مرغ
و یک چارک شیر را لقمهٔ الصباح میل میفرماید و در نهار بیشتر از نیم
من گوشت و مقداری سیب زمینی و یک بطری آب جو میخورد
و سر شام چندین خوراک برای مشار الیه حاضر میکنند (یعنی
سه چارک گوشت و قدری نان و مقداری سیب زمینی و دو بطری
آب جو) و غذای نصف شب ماچنو دوازده پانزده عدد تخم مرغ با نان
و کره و مبلغی چائی است برای خواب این نوجوان چهار تخت
خواب را پهلوی هم گذاشتند و شش جفت شمد را بهم دوختند
باقی را مطالعه کنندگان خود قیاس بفرمایند

(اخبار زمان)

اعلیحضرت پادشاه انگلستان و ملکهٔ انگلیس زمان توقف خود را در الجزایر
بانتها رسانده از آن مملکت عازم مارسیل بندر فرانسه شدند در اواخر
اقامت در آن ناحیت عربهای الجزایر محض تشریفات و احترامات
اعلیحضرتین مشقها و بازیها و اسب تازی و تیر اندازیها کردند از الجزایر
که بمارسیل میرفتند در بین راه در شهر آژاکسیو واقع در جزیرهٔ کرس متعلق
مولد ناپلیون پرداختند جزیرهٔ کرس متعلق بفرانسه میباشد و شهر آژاکسیو
محل تولد ناپلیون بزرگ است و از این جهت نامی دارد مسافرین
معظم از مارسیل بپاریس میروند و در آن پای تخت مستقراً دو سه روزی

سرداریکه هریک خود را برای فرماندهی کل قابل تر از دیگران میدانستند فقط اسباب کار و تجیه گاهی که در اشینکتن داشت و وطن پرستی رعایا بود و عشق آنها باستقلال و آزادی که گاشته آن را حاصل کرده بودند در هر صورت آن مرد با عزم و حزم از فرط کفایت و درایت و مواظبت و مراقبت و تدبر و تحمل و تعمق و تأمل بر تمام موانع مزبوره غلبه نمود و بعد از زمستان سال هزار و هفتصد و هفتاد و پنج و وقت داخل شدن در سنهٔ هزار و هفتصد و هفتاد و شش لشکری آراسته و مکمل ترتیب داده بود و چون خود را بحمله کردن قادر و توانا دید مهیا شد که شهر بستن را گلوله باران کند اما سردار انگلیسی احتیاط را مقتضی تخلیهٔ شهر دید و امریکائیها گمان کردند دامن دولت بدست آمده و مقصود خویش رسیده اند لهذا در تابستان سال هزار و هفتصد و هفتاد و شش رسماً آزادی ممالک متحده (اتازونی) را اعلان نمودند و امیدوار بودند که دولت انگلیس زیاده بر این متعرض ایشان نشود و دیگر بخیال مقهور و مطیع کردن آنها نیفتد اما در این باب امریکائیها سخت اشتباه

توقف میکنند و با جناب رئیس جمهوری فرانسه ملاقات مینمایند
و تمام این اعمال دلیل صحت مبانی مودت دولتین فرانسه و انگلیس است
و ظاهر میشود که انگلیس در مقابل پلیتیک المان درباره مراکش
پایداری خواهد کرد

مقرر است که این اوقات کمبفر وزیر مختار از انگلیس بشهر فاس پایتخت
مراکش برود و چند نفر صاحبمنصب هم با او همراه باشند فرانسویها
این مسئله را نیز قوت کار خود میدانند و ازین اقدام خشنود میباشند
ولی مردم پاریس این روزها استقامت و عزم دولت المان را در آلمنک
خود راجع بمراکش مقدمه کدورت او پامیدانند تا آنجا که میگویند
بهتر آن است که فرانسه در صدد حفظ سرحدات شرقی خود برآید
(مقصود سرحدات فرانسه و المان است)

گویند لرد کیچنر از سرداری قشون هندوستان استعفا کرده و استعفانامه
خود را داده است

زلزله که چندی قبل در هندوستان شد معلوم میشود از بلیه‌های عظمی
بوده از قرار مذکور وسعت دایره که این زمین لرزه در آن واقع شده
از تمام دوایری که پیش در آن این حادثه حادث شده بیشتر است
نفوس کثیره هلاک شده اند و خسارت بسیار وارد آمده بیچاره
مردم هندوستان این اواخر متصل گرفتار محنت و شدت میشوند و غائله
رفع نشده مخمصه دیگر بر آن مزید میگردد بقول یکی از صاحبان حس
و شعور هند بها در جنوب دو چار قحط و غلا میباشند و در شمال دست خوش
زلزله و در وسط مقهور چنگ و چنگال طاعون خداوند شوارها را آسان

کند و مخصوصا برادران هندو پستانی را بفرجی ازین آلام و اسقام
دریابد و دور سازد

دولت انگلیس ترتیب حکومتی برای ترانسوال اختیار نموده و اعلان کرده
و مبنای آن ترتیب این است که مملکت ترانسوال مجلس وضع قوانینی
مستقلا از خود داشته باشد و اجرای آن مجلس را مردم آن سرزمین
خود تعیین و انتخاب نمایند و ترتیبات و قوانینی که باید در مملکت معمول باشد
وضع و ابداع کنند ولی حق رای دادن و انتخاب اجزا مخصوص سفید
پوستان خواهد بود و هر وقت قانونی مجلس اظهار نماید که آن قانون
سلب چیزی از غیر اروپائی کند باید ترانسوالیها آن قانون را بتوسط
حکمران خود بدولت انگلیس نشان دهند تا ملحوظ امنای آن دولت گردد
و بدون تصویب ایشان مجری نشود روزنامه‌های انگلیس از وقوع این
امر اظهار مسرت و خرسندی دارند

این اواخر دولت چین مأموری با چند نفر اجزا بمملکت تبت فرستاده
تبتیها آن مأمور را با تمام همراهانش بقتل رساندند و از قرار مذکور
چهار نفر از دعاة مذهبی فرانسه هم با مأمور چینی و اجزای او مقتول
شده و در همان نقطه که این کار وقوع یافته ده هزار نفر از بومیهای
تبت گرد آمده میگویند چون حالا دولت انگلیس میتواند این مملکت را
متصرف گردد وقت آن است که ما هم دولت خود را مستقل خوانیم و از تبعیت
چین خارج شویم گویند فرمانفرمای چینی لشکر بآن نقطه مبعوث کرده
از تاشکند خبر داده اند که افغانستان ساخلوی خود را تقویت میدهد
و یک باتری توپ از توپهای بزرگ بهرات رسیده

کرده بودند چه مشقتهای واشینگتن و مرارت قلت تازه تشکیل یافته از همان وقت شروع کرد یعنی انگلیسها بعد از جنگهای سخت امریکائیها را شکست داده
و شهر نیویورک را گرفتند و مغلوبین مجبور بعقب نشستن شدند اما در بین مکرر در موقع خطرناک واشینگتن عساکر خود را بخوبی نگاهداری و حفظ نمود لکن مجبور گشت
بعد از نیویورک ولایت نیوژرسی را نیز رها کند و توقف ننماید مگر در عقب رود خانه دلاور که حد ولایت پنسیلوانی میباشد و این در فصل زمستان و اوقات
برودت هوا و سرما بود پس سردار انگلیسی جنگ را تعطیل نمود و تصرف و تسخیر فیلادلفی را که مقر کنگره بود برای بهار گذاشت
عقب نشستنهای پی در پی واشینگتن رفته رفته صدای مردم را در آورد و اسباب شکایت و خیال ایشان شد واشینگتن برای آنکه ذهنها مشوب نماند و از
جوش و شوق نیفتند و ثابت کند که نه همین اهل حزم و احتیاط است بلکه در وقت و موقع تهور و شجاعت او نیز کم نیست و اگر در فن عقب نشستن استادی

مملکتین عثمانی و روس که بهم متصل بود ند یعنی در تحت یک سلطنت بسر میبردند حالا بعضی اختلافات پیدا کرده مملکت روس میخواهد روابط خارجه خود را از عثمانی جدا کند

در بلغارستان مجمعها جمع آمده از گشتار مقدونیه اظهار انضجار و تغیر مینمایند و بدول اروپا اظهار میکنند که مایه این قتلها دولت عثمانی است و باید مقدونیه مستقل گردد

بموجب اخبار واصله شهر صنعا یمن تسلیم شده اما شورشیان آرام نگرفته و دست از تعرض برنداشته اند

چون در اقلیم جدید یعنی دنیای تازه قدر و قیمت علم و عالم بدرستی معلوم شده و دانسته اند بیدانش کار کردن چنان است که بی آرد گندم و جو نان پختن مستر کارنجی از متمولین بزرگ امریکا که اعمال خیریه او را درین سنوات روزنامه ها مکرر منتشر نموده و شهرت یافته این روزها برای رفاه و آسایش و فراغبال معلمین مدارس اتازونی وکانادا در اوقات مرخصی از خدمت ده ملیون دلار که معادل بیست و هشت کرور تومان پول ما باشد از اسهامی که در کمپانی فولادکاری داشته عطا نموده تا دانشمندان اوقات تعطیل خود را براحت گذرانند یعنی در زمان پیری و بیکاری با آسایش زندگانی کنند خدا اگر دعای مرا مستجاب مینماید بر عمر و دولت مستر کارنجی بیفزاید و در این روی زمین گوی و سن ازین خلقها خلق کند

امسال چون حاصل پنبه اتازونی فوق العاده خوب شده برای آنکه قیمت زیاده از اندازه تنزل نکند دو کرور بار پنبه را سوزانده اند ولی باز آن مقصود حاصل نشده

اعلیحضرت امپراطور روس برای جلوگیری اغتشاش داخلیان حکم فرموده اند هر کس مستقیما یا غیر مستقیم داخل در اغتشاش بوده بسختی سیاست شود و برای ملاکین که دو چار ضرر شده و جه خسارت جمع کنند

روزنامه های معتبر روسی خبری منتشر کرده و گفته اند پانزده هزار شورشی از طبقات پست قرار داده اند در موقع عید فصح روسی در کوچه ها بمردمی که دعوی خواص بودن میکنند حمله نمایند لهذا اعیان و متوطنین برای ایام عید مذکور مهاجرت مینمایند و حکومت بطرزبورغ خیلی احتیاط میکند و قزاق پای تخت را زیاد کرده از قرار مذکور در سایر ولایات هم نظیر این توطیه هست و با وجود آنکه مسیو ترپف مامور نظم بطرزبورغ اعلان سختی کرده و گفته است اگر لازم شود امنیت را بزور اسلحه حفظ مینمایم باز جلودکاکین سنگر بسته اند

در قفقاز هم مابین داغستانیان و عساکر دولت زد و خورد شده جمعی مقتول و مجروح گشته اند و در این هنگامه حریه ها قین بیل و چماق بوده در راه آهن سیبری نیز اغتشاش در گرفته قشون بآنجا میفرستند

(جنگ روس و ژاپن)

چند روز قبل عساکر طرفین در منچوری زد و خوردی کرده یعنی پنجهزار روسی با یک بطاری توپخانه در نزدیکی کایوان که محلی است در شمال تیلینگ بر اینها حمله نموده و اینها آنها را عقب نشاندند و دویست نفر مقتول روسی در میدان جنگ ماند در همان نوقت در دو نقطه دیگر هم روسها بر اینها حمله کردند اما چون در کایوان مغلوب شدند در آنجا نیز عقب نشستند

وقایع نگار روتر خبر داده که اول قطار راه آهن ژاپن بموکدن رسید در صورتی که از روی پل موقتی که روی رود هونهوز ده اند عبور نموده حال میخواهند ترتیب حرکت منظمی از دالنی بموکدن بدهند

یک روتر خبر داده که مجلس شورای توکیو گفته است جزیره فرمز را بحال محاصره اعلام کنند گویند این جزیره را خوب مستحکم کرده اند ولی مردم هیچ نمیدانند امیرال توگو کجاست و صاحبمنصبان و عمله بحریه هم مراسله

و مهارت بخرج میدهد در صنعت محاربه و تدابیر جنگی و اقدام بکارهای خطیر هم ید طولی دارد شب عید میلاد مسیح که انگلیسها خود را از هر گونه خوف و خطر آسوده و ایمن می پنداشتند سردار امریکائی یعنی واشینگتن که بنظرها قدری کوچک شده بود از رود دلاور که یخ بسته بود عبور نموده ساحلوی انگلیسی را بغفلت گرفت همان ساحلوی که ترنتن را در ساحل مقابل رودخانه در تحت تصرف داشت و بی هیچ اندیشه وقت میگذاشت باری واشینگتن قسمتی ازین ساحلوی را گشت و زیاده از هزار نفر آنها را نیز اسیر نمود این پیشرفت غیر مترقبه امریکائیها را شاد و خرم ساخت و انگلیسها را بوحشت انداخت واشینگتن مجددا نیوژرسی را متصرف شد اما از قوای امریکائیها کاسته و رعایا را خشکی فرا میگرفت و چون بعضی برگشتهای دیگر نیز با تهارو نموده دو چار دماغ سوختگی و یاس میشدند و این حال مخصوصا در سال بعد بیشتر دست داد زیرا که با وجود مساعی و مجاهدات واشینگتن انگلیسها

در رابطه را با خانواده های خود قطع کرده اند از سایگون خبر داده اند که جهازات بالتیک دو کشتی را که حمل برنج بر آن میکرده دستگیر نموده اند بعد از مبلغی گفتگو دیگر جهازات بالتیک و حرکت و رفت و آمد آنها خبر دادند که امپراطور ژاپون در بیست و ششم آوریل با پانزده جهاز از کامروه حرکت کرد و یک دسته کشتی دیگر روسی هم عصر روز بیست و هفتم دیده شد که بطرف سنکاپور حرکت میکرد یکی از بزرگان ژاپون در توکیو در مجمعی گفته باید مردم مهیای طول مدت جنگ باشند مذکور شد که چون قرض دولت روس در داخله پیشرفت نمود بتمویلین المان متوسل میشود و مکرر دویست ملیون مارک (صد و سی کرور تومان) با شرایطی سخت تر از قرضهای سابق از ایشان بگیرد گفتگوی مقدمات این کار هم در برلن شده رئیس کمپانی عظیم فولادکاری امریکا بپطرزبورغ رفته بود گویند نتیجه این مسافرت آن است که چند فروند کشتی زره پوش برای روس بسازد که در تمام سفاین نظیر آن برتری داشته باشد روسیه مصمم شده که از تشکنت شهر معتبر سیبری با تشکند راه آهن بکشد

(اعلانات دواخانه مسیو مولیون)

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مجلی نمودن پوست صورت و دست مثل ندارد

تمام زنان تمیز که مقید بنظافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع خمره و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون بجهت تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر دوری کرم سیمون گردی است بدون میموت بسیار نرم و چسبان و غیر مرئی

گرد سیمون گلی است بدون میموت زیاد معطر و خوشبو و نتایج مفیده کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار تمیز و بی نظیر است پوست را سفید و نرم و براق میکند

ایضا این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است تشنک مقوی دکتر دشام با کلا و پوست گنه گنه و ککا و گلیسر و فسفات دوفر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریبا بیکصد سال رسد قبل از نهار و شام یک گیلاس کوچک از این دوا میخورند نسخه این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطبا دنیا تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عامله پوست گنه گنه و کلا و برگ ککا و گلیسر و فسفات دوفر را دربر دارد و روی هم رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است این مواد عامله که اثر هریک را جمیع اطبا تصدیق کرده با کمال دقت ساخته میشود و مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و باشخاصی که مبتلا بضعف پیری میباشند یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام و مدد بنیه آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتواند بخرد و صرف کند

قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری نه تومان و محل فروش در طهران منحصر است بدواخانه مسیو مولیون در خیابان لاله زار

داخل شهر فیلادلفی شدند و در آنجا ترتیب کار خود را دادند که فصل زمستان را آسوده بسر برند و براحت گذرانند

از حسن اتفاق و خوشبختی امریکائیها سرداران کهنه کار که دولت انگلیس بآن اقلیم مأمور میکرد و میفرستاد مردمان قابل با کفایتی نبودند و فقط بخیال جنگ راه اقلیم جدید را پیش نمیگرفتند بلکه هوای خوشگذرانی تیز در سر داشتند و زمستان را با استراحت بتمیز میل داشتند تا بکلفت و مشقت چنانکه وزیر پادشاه انگلیس که از آن حال چندان غافل نبود روزی پس از دریافت خبر بدی درباره سرداران مشار الیهم گفت (من نمیدانم سرداران ما در امریکا دشمن را میترسانند یا نه اما میدانم هروقت بخیال آنها می افتم و حال ایشان را بخاطر می آورم خود میترسم) در آخر سال هزار و هفتصد و هفتاد و هفت برای امریکائیها تیسرفت درستی حاصل شد و بر عساکر انگلیس غلبه کردند و فائق آمدند

بقیه در نمره آتیه انشاء الله

هو المعین

روزنامه آزاد هفتگی

تربیت

صاحب امتیاز ذکاء الملک مدیر مدرسه سیاسی

پنجشنبه سیزدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۳۲۳ هجری — هیجدهم ماه فرنگی — سنه ۱۹۰۵ میلادی

قیمت در دار الخلافه طهران نمره سیصد دینار — نمره سیصد و شصت و یکم — سالیانه درهمین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله هیجده هزار دینار — در تمام روسیه چهار مناط — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دار الخلافه طهران طبع میشود — جریده علمی و ادبی و سیاسی — سال هشتم — قیمت اعلان سطری یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

ملکات ملوکانه اعلیحضرت قویشوکت همایون شاهنشاه جمجاه مظفر الدین شاه ارواحنافداه از رعیت پروری و عدالت گستری قاطبه اهل مملکت را داعی و آرزومند سلامت ذات ملکوتی صفات مقدس دارد و اطبای دانشمند درگاه معلی از ایرانی و فرنگی استکمال این موهبت خداوندی را صواب و صلاح دیدند که بجای حرکت ییلاقی امسال ذات اقدس اعلی کمی تغییر عاطفتش هموار و محدود شاهانه روزی چند در حوالی آبهای معدنی فرنگ که سازگاری آن بمزاج نصفت امتزاج شهریاری ایده الله تعالی از پیش مشهود گشته گذراند بنابرین یکنیم ماه قبل حضرت مستطاب اقدس معظم شاهنشاه زاده اعظم ولیعهد معدلت مهد دولت علیه ایران صاحب اختیار کل مملکت آذربایجان دامت شوکته را از دار السلطنه تبریز بدار الخلافه طهران احضار فرمودند که در غیاب ذوات فرخنده ایاب خسروانی بمهام ملکی و امور دولتی و اعمال وزرای عظام و امرای عسکر و غیرهم کلیه نظر داشته باشند و بجای وجود مسعود شاهنشاهی دام ملکه کشور و لشکر را مرتب و منظم دارند و بایسته ها و شایسته ها را چنانکه باید و شاید بجای آرند

پس موقع انتهاض شاهانه در رسید و موکب فرخنده کوکب ظل اللهی روز یکشنبه دویم ماه ربیع الاول در کنف حفظ الهی از مقر سلطنت و کرسی دولت نهضت فرموده که تشریف فرمای گیلان شوند و از راه کنار دریای خزر بآستانه روند و ره سپار اقلیم اروپا گردند درین سفر میمنت اثر حضرت اشرف معظم شاهزاده عین الدوله صدر اعظم مدظله العالی و بعضی از خواص خدم محترم رکاب اعلی میباشند و در اوان غیبت چنانکه اشاره کردیم ممالک محروسه ایران بتمامه در ظل مراحم کامله و عنایات شامله حضرت اقدس اسنای ولیعهد دولت بیزوال که اقبالش پاینده باد سر بلند خواهد بود و بر حشمت سابقه خواهد افزود

(بقیه تحقیق در باب ثروت ایران)

پیش از شروع بگفتگو باید محض احتیاط یک نکته را یاد آوری نمایم و عرض کنم که مطالب مسطوره در این مقاله و مقاله های قبل و بعد نتایج تحقیقات و معلوماتی است از علم ثروت و دانش سیاست مدن و مدرکات عقلاء و حکمای بزرگ نه حرفی سر خود و خیالی خام نسنجیده و ناتمام و مخصوصا

(بقیه شرح حال واشینکتن)

بنا بر مسطورات نمره قبل در آخر سال هزار و هفتصد و هفتاد و هفت امریکائیها پیشرفت درستی حاصل کردند و بر عساکر انگلیس غالب آمدند تفصیل این اجمال آنکه انگلیسها شهر فیلادلفی را گرفتند و یکماه هم ازین واقعه گذشت آنگاه یکی از صاحبمنصبان انگلیسی از طرف کانادا آمد که از پشت سر بر لشکریان امریکا حمله کند و یکباره آنها را مقهور سازد اما اتفاقا چند نفر صاحبمنصب امریکائی سر دار انگلیسی را احاطه کردند و او مجبور شد که خود با تمام لشکری که برای او مانده بود یعنی با شش هزار نفر تسلیم صاحبمنصبان امریکائی گردد و حاصل آنکه قضیه بعکس نتیجه داد

پس ازین غلبه کار ایالات متحده اقلیم جدید نضج حسابی گرفت و دولت فرانسه که تا آن وقت در خفا با امریکائیها همراهی داشت چون فتوحات نمایان عساکر ایالات

اهل حل و عقد باید بدانند که غرض بند و اندرز نیست بلکه حقایق و دقایق شنیدنی است و ثروت و آبادی مملکت مبنی برین اصول است و ابواب این فصول و این قوانین خصاصی بود و صرفهٔ ممالک محروسه ندارد هر قطری از اقطار کرهٔ ارض که طالب عمارت و ترقی و بهبودی باشد ناچار میباید این قواعد را مجری دارد و کلیات و جزئیات آن را بموقع اجرا گذارد و اگر ما مسائل را راجع بایران صانه الله عن الحدثان مینمائیم برای آن است که ننگ خود را بسینه میزنیم و طبیعی است که هر آدمیزادهٔ پاک سرشتی وطن خویش را دوست دارد و هر چه خیر است برای آن بخواهد همواره از آن مرز و بوم گوید و راه دلالت و استقامت پوید مگر غافل باشد و ندانند یا مانعی دست و پای او را بندد و نتواند حالا بپردازیم باصل مقصود بیاری ملک معبود

در نمرهٔ قبل گفتیم وسیلهٔ دویم تولید ثروت سعی و عمل انسان است اینک توضیح و تشریح آن مطلب را گوئیم البته هر ذیشعوری میداند که انسان بدون زحمت و سعی نمیتواند از زمین و محصولات آن بهره برد و فایده بردارد مملکت ما اگر از بابت وسیلهٔ اول تولید ثروت یعنی از زیادی زمین و عوامل طبیعی دست تنگی ندارد از بابت وسیلهٔ دویم که کار و زحمت انسان باشد ظاهراً خیلی دل تنگی داشته باشد ایران با این وسعت خاک اصلاً از ممالک کم جمعیت محسوب میشود و این خود برای ثروت مملکت مضر تمام است شک نیست که قید و اهتمام خارجه را در فراهم آوردن حفظ صحت اهالی میدانید این کار برای زیاد کردن جمعیت است و از زیاد جمعیت برای کسب منفعت و گرنه بزرگان هیچ مملکت عاشق آحاد و افراد ملت نیستند در نواحی ما گذشته از اینکه موجبات زیاد کردن نفوس بنظر نمی آید علل کم شدن محسوس است و بوفور دیده میشود کاشش نمی افزودیم و نه میکاستیم نه خراب میکردیم نه می آراستیم باری بهر جهت این قلیل جمعیت هم که داریم و شاید از بیست کرور نفوس تجاوز نکند نصف آنها اقلاً میخواهند کار نکرده زندگانی کنند و معاشی بلاعوض دریافت نمایند بعبارهٔ اخری طفیلی باشند و آنها یا باعتبار آباء و اجداد معتبرند یا دارای عنوانات دیگر که دفتر استیفا از ما بهتر میداند و آن جمله غافل که اگر مردمان پدر دار با استخوان از امیرزاده و خانزاده های نجیب و حسیب یا کاملین و واصلین و اهل دعا و صفا و غیره نیز کار کنند و خلقتهای مستعد را عاطل و باطل نگذارند برای قوه و بنیهٔ بدنی و خیالی خود آنها خوب است و هنگام تقاضا و درخواست هم دلتی ندارند پاداش خدمت و کردهٔ خویش نمیخواهند و میتوانند بسربلندی ادعای اجر و حق نمایند هم بمملکت فایده رسانند هم بشخصه منفعت برند و بدتر از همه گروهی که بتقلب و اسباب چینی بدون هیچ عنوان و دست آویزی همه قسم توقع و تمنا دارند و بدست رنج رعایای بیچاره و حاصل زحمت ضعفا راه عیش و عشرت میسپارند جماعتی هم بقلاشی و کلاشی و جیب بری و کلاه برداری و شرخری و کوک و کلک چرخ فلک را چنبر میکنند و مال منفعت و حرام را از شیر مادر حلال تر میدانند عجزه و مساکین و مداح و درویش و گدا و این قبیل نیز جای خود دارند و احدی را بحال خویش نمیگذارند همچنین زنهای شهری خاصه آنها که در سواد اعظم اند عادةً باید از دایرهٔ کار خارج باشند تا آنجا که لباس کنیز و کلفت را هم خیاط بازار بدوزد یعنی ترتیبی پیش آمده

متحده را دید امر پنهانی را آشکار ساخت و پرده از روی کار برانداخت یعنی مصمم شد که از هر گونه معاونت درباره این قوم که بشایستگی و درستی کار میکنند مضایقه ننماید در آن زمان جوانی فرانسوی از بزرگ زادگان در دولت فرانسه بود با نفاذ کلمه و دخل و تصرف معقول در مهام ملکی و او مارکی لافایت نام داشت و میان مارکی مشارالیه و ژنرال واشنگتن مودت کامل در گرفته و خصوصیت بدرجهٔ عالی رسیده نتیجهٔ این دوستی پیمان مخالصت و عهد اتحادی شد که فیما بین دولت فرانسه و ایالات متحدهٔ امریکا منعقد گردید و اسباب کمال قوت این قوم تازه روی کار آمده فراهم آمد چنانکه دولت فرانسه یکدسته لشکر بفرماندهی مرکوی موسوم به کنت دورشامبو مأمور امریکا کرد و در همان ایام واشنگتن عساکر انگلیس را مجبور نموده بود که شهر فیلادلفی و ولایت نیوژرسی را رها کنند و خود در قصبهٔ طلبای رودیسن در ناحیهٔ مونموث بمواظبت حال و مراقبت امور لازمه میگذرانید

که زن مجال و وقت و دوز است نه فرصت خانه داری و کسی فعلاً آنها را مکلف بکار نمیدانند زیاده برین لازم نیست شرح دهم همینقدر باید بگویم نتیجهٔ این مقدمات آن است که فی الحقیقه معدودی از اهل مملکت کار میکنند و باقی از دولت سر آن چند نفر زنده اند

راست است که اگر امروز ظلیلها برحسب اتفاق همه یکمرتبه اهل غیرت شوند و بخواهند کار را وسیلهٔ معاش قرار دهند سرگردان میمانند زیرا که کار حسابی در مملکت بسیار کم شده و شغل و حرفه بقدر کفایت تمام نمیکنند پیدا نمیشود اما اینهم نتیجهٔ همان حالات است و عنقریب علت این ناخوشی را بطور اجمال خواهیم گفت عجالةً گوئیم برای آنکه مردم مملکت رغبت بکار باشند و بتوانند از عمل خود بهره برند شرایطی لازم است بعضی راجع بخود مردم و برخی متعلق بترتیب امور مملکت و دولت آنچه راجع بخود مردم است صحت بدن و سلامت عقل و غیرت و همت و ثبات قدم و مآل اندیشی و امانت و دیانت میباشد و آنچه متعلق بترتیب امور مملکت و دولت است آنکه مردم را در کسب و کار آزاد گذارند و این آزادی بحمد الله در ایران هست مگر در چند کسب که آنهم بعد از قدری بصیرت و اطلاع بزودی آزاد خواهد شد خلاصه بموجب قوانین علم ثروت باید مردم را در کسب و تجارت بحال خود گذاشت و متعرض ایشان نشد که چرا فلان شغل را اختیار کردی یا از فلان راه کسب نمودی و هرچند ممکن است بعضی گمان کنند خودسری در داد و ستد خوب نیست اما این اشتباه است تجارت آزادی میخواهد و تعرض و منع باید مخصوص تقلب باشد و این گفته ثابت شده و بتجربه معلوم گشته واجب نیست در اینجا باثبات این دعا بپردازیم زیرا که دولت متبوعهٔ ما تجارت و معاملات را آزاد دارد و کسی در امور کسبه مداخله نمیکند مگر بندرت و در بعضی چیزها که آنهم انشاء الله عنقریب رفع میشود دیگر از همرا هیهای سوداگر دولت این است که بمردم امنیت دهد تا یقین نمایند که مختار مال و جان خود میباشند و میتوانند در کارها خالی از بیم و تشویش اقدام نمایند و گرنه دست و دلها سرد میشود و کار چنانکه باید پیش نمیرود دیگر آنکه اسباب تربیت و تعلیم ابنای مملکت را فراهم آورد تا روز بروز ذهن و چشم شهری و دهاتی روشن و باز شود و اطلاع و معرفت جملهٔ زیاد گردد و بتوانند در کارهای خود تصرفات خوب کنند دیگر آنکه وسایل حفظ صحت عموم را حاضر و مهیا کند و نگذارد مردم اغلب علیل و ناخوش باشند زیرا که کار بدون صحت ممکن نیست بعلاوه چون اسباب تندرستی فراهم باشد مردم کمتر تلف میشوند و از عدهٔ کارگر نمیکاهد و امراض وبائی یا عمومی بروز نمیکند و ترتیب زندگانی را بهم نمیزنند

اینها تحقیقاتی بود بطور کلی خوب است قدری هم بجزئیات پرداخته نظری بشاغل مختلفه که مردم باید بدان مشغول باشند کنیم بنابرین گوئیم شغلها را میتوان بچند دسته و قسمت منقسم نمود و از آنها بصنعت تعبیر کرد و صنایع از اینقرار است

اوّل صنایع استخراجی که آن را در عالم علم باین طور اصطلاح کرده اند و باین اسم موسوم ساخته و صنایع استخراجی عبارت است از شکار و صیدهای دریا و مرجان و مروارید و غیره و انتفاع از جنگلها و استخراج معادن و احجار و هرچه از این قبیل است

صنعت دویم اقسام مختلفهٔ زراعت و فلاحت است که مستغنی از تعریف

در طرف شمال این عرصه میدان امر قتال و جدال امریکا و انگلیس سست میشد برعکس در ولایت جنوبی فسر یقین بشدت زد و خورد میکردند و تا نهصد سال هزار و هشتصد و هشتاد و یک وضع صورت و شکلی معلوم و معین نداشت و امر مجمل و مبهم بود در آن اوان واشینگتن با کنت دُرشامبو سپه دار عساکر فرانسه و کنت دگراس فرمانده سفاین آن دولت طرحی بقاعده ریخت و مقررات و دستور العمل این سه مرد دانا بموقع اجرا گذاشته شد و به پیشرفت کامل منتهی گشت یعنی قشون امریکائی مرکب از نه هزار نفر با لشکریان فرانسه که عبارت از نهصد هزار جنگی بود با هفتاد کشتیهای کنت دگراس که سی و هفت فروند بشماری آمد در نزال کرن والیس را انگلیس را در شبه جزیرهٔ یورک تون در ولایت ویرژینی محاصره کردند و سپر کردهٔ مشارالیه بعد از بیست روز محصوری در ماه اکتبر سال هزار و هفتصد و هشتاد و یک تسلیم شد و دوازده هزار نفر اسیر و مبلغی برق و توپ از دست داد و آن جمله را واشینگتن گرفت و فی الحقیقه بواسطهٔ این ظفر جنگ ایالات متحده با انگلیس

وشرح وبیان میباشد

پنجم صنایع کارخانه باشد مثل پارچه بافی وریسمان ریسی وقندسازی وبلورسازی ومثال آن

چهارم تجارت که دقایق آن درموقع خود ذکر میشود واهمیت آن برهمه معلوم مینماید

پنجم حمل ونقل امتعه واجناس اعم ازاینکه با الاغ واستر وگاری وبارکش حمل کنند یا براه آهن وکالسکه وغیره نقل وجابجا نمایند واگر مشاغل وحرف عالیه ومحترمه را از فقاهت وطبابت ومعلمی وپیشه های فضل ودانش نام ببریم وبذکر آن نوع شغل وکار نپردازیم از آن نیست که بی فایده وغیر لازم است بلکه اولاً حفظ مراتب نمودیم وادب بخرج دادیم ودانشمندان را نسبت بسایرین مزیت نهادیم زیرا که محققین از علمای علم ثروت این مشاغل را مهمتر از صنایع مذکوره دانسته اند ثانیاً فایدهٔ این شغلهای شریف برای مملکت مستقیماً نیست وبطور غیر مستقیم تولید ثروت میکنند مثلاً شخصی که چرخ بخار اختراع کرده شخصاً تولید ثروتی نموده اگرچه فایدهٔ عظیم بدنیا واهل عالم رسانده واسباب سهولت تولید ثروت فوق العاده فراهم آورده است

صنایع پنجگانهٔ مذکور در فوق برای تمام ممالک روی زمین لازم است هرچند حالا بواسطهٔ بسیاری وآسانی وسایل ارتباط اگر مملکتی از یک حیث نقص داشته باشد باکی نیست میتواند بواسطهٔ تجارت آن نقص را رفع کند اما قاعدهٔ کلی این است که مملکت تمام آن صنایع را خود داشته باشد چه آن صنعتها همه بهم مربوط است

خوب بودن وضع صنایع شرایطی دارد واگر آن شرایط را مرعی ومنظور دارند آن وقت رواج صنعت اسباب آبادی وزیادی ثروت مملکت شود ویک شرط از آن شروط این است که مردم باندازهٔ مناسب وکفایت بصنعت پردازند وسعی وعمل وسرمایهٔ خود را در شعب مختلفهٔ آن بکار برند نه اینکه یک شعبه را مهمل ومتروک گذارند وسخت بشعبهٔ دیگر بچسبند وهرچه مال وقوه دارند در آن صرف کنند مثلاً ما مردم ایران اگرچه در تمام شعب صنعت اهمال میورزیم ولی در بعضی شعبه ها مخصوصاً بیشتر مسامحه میکنیم وراه غفلت میرویم چنانکه صنایع استخراجی هیچ نداریم ومعادن را با این همه اهمیت بکلی فراموش کرده ایم همانا این گنج طبیعی را هیچ ونابود پنداشته ایم وباین واسطه هنر فلزکاری ما خیلی ناقص است بلکه میتوان گفت از اصل فلزکاری نداریم وحال آنکه در زیر زمینهای ما گذشته از هر چیز آهن وزغال سنگ فراوان است واین دو جنس را آنها که از مهام ملکی باخبرند لازم چیزها دانسته چنانکه ترقی شایان صنعت انگلیس وبلژیک را صاحبنظران بداشتن معادن آهن وزغال سنگ نسبت میدهند باری قصد این است که مردم مملکت باید در تمام شعب صنایع اهتمام کنند زیرا که تمام مصنوعات واعمال صنعتی محتاج اند وهرکس اندکی تعقل کند میداند که عمارت وخانه وکاروانسرا ومسجد ومخزن وغیرها فقط بکارهای معماری وبنائی تمام نمیشود واز نجاری وحجاری ودرو پیکر ومنگ ودستون ونقاشی وشیشه بری وصنعتهای دیگر نیز ناگزیر است وبعد از آنکه بسر اچنانکه باید تمام شد وبفرش وظرف وسایر اثاث البیت رسیدیم متفت میشویم که دایرهٔ احتیاج

بانتها رسید وآن امریکائی که امروز نیستواند در ایالت حریت وسربلندی صد وپنجاه کرور نفس محترم را که اول مردم تربیت شدهٔ دنیا محسوب میشوند بر قفقاز دون گردند ودر دورهٔ چرخ اطلس زندان آزادشد (ازاین مطلب نباید گمان نمود انگلیس شکست خورده بلکه باید ملتفت بود که انگلیس فتح کرده)

آبها از آسیا افتاد در سال هزار وهفتصد وهشتاد وسه در شهر ورسایل نزدیک پاریس که سلاطین آخری فرانسه دربار خویش را در آن شهر قرار داده بودند عهدی بسته شد وبموجب آن معاهدهٔ دولت انگلیس استقلال ولایات متحده را قبول نمود وواشنگتن بفراغت وآسایش نایل گشت یعنی دلیر کاردان چون مأموریتی را که ولایات متحدهٔ امریکا باو داده بودند انجام داده وتکالیف خود را ادا کرده ودیگر کاری نداشت از کنگره اذن مرخصی گرفته بجایگاه اصلی خود که منت وطن باشد رفت وگوشه گرفت وبعد از آنهمه افتخار وسربلندی که او را حاصل آمده خرسندی داشت که بار دیگر ببرزندگانی دهقانی آرام بی سروصدای خویش فایز گردیده است

ملل متمدنه تا چه اندازه وسعت دارد و مملکتی که بخواهد از تمدن وقت تمتع
حسابی داشته باشد چقدر صاحب صنعت ماهر و هنرمند استادی میخواهد
و صنایع کارخانه کرد و تنزل گذاشت چه پایه ضرر بمردم وارد می آید
صنایع استخراجی چنانکه ذکر شد هیچ نداریم و صنایع کارخانه نیز
مثل هیچ و چیزی که هیچ تر است متفرع براین دو میباشد یعنی میتوان
گفت نداشتن آن سبب نداشتن آن دو صنعت و سایر صنایع است و
این معدوم واجب و لازم طرق و شوارع باشد و ضرر و خسارت و
معایب نداشتن راه را مکرر گفته ایم و گفته اند و شاید بعد ها نیز در مناسب
بعضی حرفها برنیم عجالةً نباید از موضوع خارج شویم از شرط اول
خوب بودن وضع صنعت سخن میرفت و حرف درین بود که مردم با بعضی
کارها را بکلی کنار گذاشته و ببرخی زیاد چسبیده اند و شاید تجارت
از مقولهٔ دوم باشد یعنی صاحبان غیرت که خواسته اند بیکار نباشند
و بطفیل اهل کار معاش نکنند همه از ناچاری مشغول تجارت شده و حال
آنکه وسعت دایرهٔ تجارت یک فقره بسته باز دیاد صنعت است
صنایع مستوعه باید دایرهٔ تجارت را وسیع نماید وگرنه بی صنعت
تجارت زیاد اسباب مفاسد غیر مترقبه میشود و لازم نیست که متاع قلیل بدست
بدست بگردد و خوب است صنعت را درست محترم داریم و تشویق کنیم
تا آن تجاری که امروز بواسطهٔ عدم پیشرفت پی در پی ورشکست میشوند دست
بکاری زنند که ازین آفت و مخافت بالنسبه دور باشد و مع ذلک منع تجارت
نمی کنیم و چون مطلب علمی است گوییم فقط علمی که هرچه آن را در مملکت
بسط دهند ضرر ندارد بلکه برفایدهٔ آن می افزاید زراعت است
و در کار کشت و زرع اصلا ملاحظهٔ تناسب آن با سایر شعب صنایع لزومی
ندارد خلاصه اگر مسئلهٔ بسط تجارت با با حالت حالیه بدرجهٔ نرسیده
باشد که آن را مضر دانیم تنگی دایرهٔ صنایع یقینا اسباب خسارت کلی است
و بعضی ملتفت نیستند که اهل صنعت هم زیاده از حد محترم میباشند و گمان
میکنند ارباب صنایع بشأن تجار نیستند و این سهو بزرگ است مگر
کروپ صاحب توپ معروف اهل صنعت نبود و مگر با سلاطین مقتدر روی
زمین سر و کار نداشت یا او را از تجار معتبر کمتر میدانستند
بهتر آن بود که این مقاله را در یک نمره تمام کنیم و شرح وسیلهٔ دوم
تولید ثروت را قبل از اتمام و اکمال قطع نمائیم اما هرچه فشرده یم و مختصر کردیم
باز دیدیم ممکن نیست لهذا متمم را برای نمره های بعد گذاشتیم

(بحرین)

این اوقات از بحرین جزایر معروف واقع در خلیج فارس بعضی حرفها
در دار الخلافهٔ طهران میزنند و از تعدی عرب سنی بحرین بعجم شیعه
یا اجحاف سربازان انگلیس با بالی روایتی شایع شده و دوستان ما را
متألم نموده چون خود در کشف حقیقت دستی نداشتند با ما درین باب گفتگو
کردند و ما برای اینکه مطلبی بفهمیم و میزانی بدست آریم با یکی از اجزای
سفارت سنیهٔ انگلیس مقیم این پایتخت در مسئلهٔ مذکور مذاکرات نمودیم
مشارالیه تفصیل ذیل را اظهار داشت لکن باید دانست که غرض ما از درج
این شرح فقط خبر دادن نیست بلکه همیشه سیرهٔ ما این بوده و هست که حتی
الامکان از وقایع کسب بصیرت و عبرت کنیم و سوانح را دستاویز
نموده بیاد آوری برخی مطالب پردازیم و چون عقیدهٔ ما این است که

قبل از آنکه دست بکار شویم باید فکر کنیم و آن امتحان صحت عمل و عیار نقد خالص وجود حقیقت نمودار و ثابت و روشن میشود گوهری پاک
دارد و به آلایش و هوا های بیمعنی و تسویلات نفس اهمیتی نمیگذارد تبیین این مقال آنکه بعضی از سیاحان امریکائی که با دست بکار انس و الفتی داشتند و
نارضائی کلیهٔ صاحبمنصبان را از لنگره میدانستند باو گفتند بهتر آن است که لنگره را بهم زنی و خود پادشاه ایالات متحده شوی بسریر سلطنت جلوس نمائی
و تاج شهریاری بر سر گذاری (این تو و این ملک و این دیهیم شاهی با تو ما همراه و تائید الهی)
همه کس میداند وصال شاهد عنای سلطنت و دیدار محبوبهٔ یکتای دولت آرزوئی است که در سویدای سینه و دل اغلب از مهان محتشم جهان خاصه آنان که همتی بلند
دارند و خود را دارای قابلیت و استعداد ذاتی میپندارند جا دارد هرچند که آرزومند این خیال را پنهان کند و بروی خود نیاورد و چون میل باختیار

از واقعه مزبور میتوان پند گرفت و هوشیار شد بنقل قول گوینده انگلیسی مبادرت مینمائیم معزی الیه گوید

جزایر بحرین که زمانی در تحت حمایت دولت علیه ایران و وقتی در تحت حمایت دولت علیه عثمانی بوده فعلا در آن شخصی موسوم شیخ عیسی بن خلیفه از مشایخ عرب باستقلال حکومت میکند و با دولت هند و ستان بنا بر معاهده روابطی دارد و بتقویت دولت مشار الیها از مداخله سایر دول فارغ میباشد زیرا که تقریبا از یکصد سال قبل الی الآن سفاین جنگی انگلیس متصل در خلیج فارس سیر میکنند و باین واسطه امنیت و صلح در آن حدود برقرار است و دولت هند و ستان این امنیت و صلح را زیاده از حد مهم میشمارد در این اواخر اتفاقات ناگوار روی داده اسباب کمال تاسف دولت مشار الیها گردیده ناچار بمداخله پرداخت که انقلاب برطرف شود

توضیح آنکه شیخ علی بن احمد از برادرزادگان شیخ بحرین مدتی بود که بحرکات ناشایسته اسباب زحمت و اذیت اهالی جزایر شده و در موقعی هم شیخ عیسی عم مشار الیه از وی اندیشه ناک گشته بدولت هند و ستان شکایت سختی نمود اول حرکت زشتی که از شیخ علی بظهور رسید منازعه بود که ملازمانش بدستور اهل آقای خود با یکی از تجار المانی که در بحرین مشغول تجارت است نمودند چیزی از آن واقعه نگذشت که یکی از نوکرهای شیخ علی باشخصی از رعایای ایران بنای زد و خورد را گذاشت بعد با عموم ایرانیان خاصه حاجی عبد النبی کازرانی وبستگان او بمجاربه پرداخت و در آن هنگامه پدر حاجی عبد النبی که مردی هشتاد ساله بود با برادر او بشدت مجروح گردیدند معلوم است که این قسم بی اعتدالی سیاست و مجازات میخواهد خلاصه آن چند نفر ایرانی که طرف تعدی واقع شده و از بی اعتدالی و ظلم و صدمه شیخعلی و ملازمانش بستوه آمده مراتب را تلگرافا بجناب مستطاب اجل امجد معظم مشیر الدوله وزیر امور خارجه ضاعف الله اجلاله عرض کردند و رفع اجحاف را درخواست نمودند جناب مستطاب معظم بعد از مذاکرات با نماینده دولت انگلیس تلگرافا بعارضین جواب دادند آسوده باشید احقاق حق میشود و بلافاصله بالیوز دولت انگلیس عاجلا از بوشهر بجزایر رفته تحقیق کرد و برا و ثابت شد که ظلم از جانب عرب است و عجم گناهی ندارد پس اولا از شیخ عیسی خواستند که شیخ علی که مایه فساد و افساد بوده از جزایر اخراج شود ثانیا عربها که بعجمها حمله برده محبوس یا تنبیه شوند ثالثا مبلغ دو هزار روپیه بعنوان وجه خسارت برای مجروحین داده شود لکن شیخ بحرین این تکالیف را نپذیرفت و گفت این کار باید بمحضر شرع رجوع شود بالیوز انگلیس اظهار داشت که علمای سنی بجا به اعراب تصدیق نموده و شیعه ها از ایم طرف داری راضی نمیشوند و فع خلاف بمحضر عالم سنی راجع شود با وجود این عذر موجه شیخ تکالیف فوق را قبول نکرد بالیوز انگلیس ناچار مراتب را بدولت هند و ستان اظهار نمود و دولت مشار الیها جهاز جنگی بآن صوب فرستاد دیگر بقوت اسلحه تکالیف بالیوز مجری شود بمحض وصول جهاز شیخعلی پنهانی فرار نمود و ماذون بمراجعت نخواهد بود و شیخ عیسی چون دید با جهاز جنگی دیگر نمیتواند مانع احقاق حق رعایای ایران و شیعه عجم شود قبول کرد که اعراب مرتکب شرارت تنبیه شوند

مطلق و استیداد و فعال ما یرید بودن امری نیست که قدر و اندازه آن را مطالعه کنندگان ندانند زیاد در این باب گفتگو نمیکنیم همینقدر گوئیم با امکان حصول این مرام از سنگینی بار سیاسی و مملکت داری و تکالیف و متاعب آن اندیشیدن و از مرادی که دسترس دارد و با علی درجه مطلوب و محبوب خاص و عام است دست کشیدن مختصر و بی تصنع از سلطنت گذشتن و بحال زیستی و سادگی گشتن قوه پیغمبری میخواهد و عقل افلاطون در این وادی و مرحله درمیماند اما و اشینگتن آن مایه دانش و بزرگواری داشت که یک آن محلی باین خیال و حرف نگذاشت فریب هوای نفس نخورد از راه حقیقت بدر نرفت عشوه آرایش و نمایش صوری نخرید و از کمالات و مقامات معنوی چشم نپوشید بملک عاریت و هیاهوی آن دل ننهاد و وقعی بسخن یاران نهاد بلکه تکلیفی را که با و کرده بودند تو هین خود دانسته دلتنگ شد که چرا گمان بد با و برده اند و تصور کرده که او مردی ظاهر پرست میباشد و ممکن است از قوانین صحیحه مملکت تجاوز نماید و در صدد انجام مقاصد شخصی برآید

وخسارتی که معین شده بمظلومین ایرانی پرداخته شود این است تمام وقایعی که این اواخر در بحرین واقع شده ونسبت تعدی بسرباز انگلیس کذب محض است وحقیقت ندارد انتهی

(تربیت)

این بود معلوماتی که از سفارت سنیهٔ انگلیس عاید ما شده وباز هم از محلهای دیگر تفتیش میکنیم واگر علاوه برین چیزی مکشوف شد برای اطلاع خاطر مطالعه کنندگان تربیت در نمره های بعد درج مینمائیم

(جنگ روس و ژاپن)

از منچوری بسیار کم خبر میرسد ومعلوم میشود واقعهٔ مهمی نشده همانا طرفین رفع خستگی مینمایند یا طرح تازه برای کار میریزند در هر صورت این اواخر یک نوبت ژنرال لینی ویچ سردار کل عساکر منچوری روس خبر داده که روز بیست ونهم ماه آوریل (مطابق بیست وپنجم صفر) دو دسته قشون روسی یک مرتبه در محلی موسوم به تونخوزیان بژاپنیها حمله کرده آنها را از محل وموقع خود خارج نموده وجای ایشان را متصرف شده اند این روز ها خبر دادند که ژاپنیها مبلغی بطرف شمال پیش رفته ودو نوبت روسها را متفرق ساخته اند وچند نقطه از اماکن آنها را متصرف گشته واین وقایع سوانحی است که تا روز چهارم ماه مه (مطابق بیست وهشتم صفر) سانح شده وچون درست باین خبرها نظر کنیم بینیم همه مبهم ومجمل است وباید منتظر باشیم تا اخبار صریح وهم برسد روتر خبر میدهد که چهار فروند کشتی تریل روسی روز پنجم ماه مه در سواحل هکایدو از نباد در ژاپن دیده شده ویک سفینهٔ بادی تجارتی را آنها غرق کرده واز شیکتن خبر داده اند که سفیر انگلیس مقیم امریکا عازم انگلیس میباشد وسفرای المان وفرانسه هم در همین خیال اند واحتمال میرود که این سفرا با علیحضرت پادشاه انگلیس واعلیحضرت امپراطور المان وجناب رئیس جمهوری فرانسه اظهار کنند که جناب رئیس جمهوری اتازونی کمال میل را دارد که بمحض پیدا شدن موقع جنگ را بانتها رساند اعتقاد بعضی این است که بعد از زد وخورد سفاین دولتین متخاصمتین وجنگی دریائی نتیجهٔ محاربه هرچه باشد موقع برای مذاکره صلح مناسب خواهد بود

در روسیه یکهزار وصد وپنجاه نفر از تربیت شده های مدارس نظامی را چهار ماه قبل از وقت موعد برتبه صاحبمنصبی برداشته اند وآنها را اعلیحضرت امپراطور در قصر سلطنتی پذیرفته وبایشان فرمود که ایکاش وعجله در اقدام بواسطهٔ آن است که صاحبمنصب زیاد در منچوری تلف شده واز دست رفته باید جای آنها پر شود

روزنامه های ژاپنی باز از مساعدت فرانسه باسفاین روسی گفتگو میکنند ومیگویند دولت فرانسه در اطمینانی که بما میدهد صادق نیست وروسها در بنادر هند وچین تهیهٔ زغال وآذوقه میکنند دولت فرانسه البحر خود را مخصوصا بهند وچین فرستاده که بجهازات روسی سفارش کند بیطرفی فرانسه را رعایت نمایند ومنظور دارند اما در باب اینکه آن سفاین در چه نقطه میباشند خبرها مختلف است وچنین مستفاد میشود که در چند فرسخی بندرگاه مرده در طرف شمال آن بندر هستند وچون

اگر سرداران مزبور درباره واشینگتن خیالی باطل کردند اما امریکائیها میدانستند که هر وقت وطن یعنی ایالات متحده (اتازونی) محتاج بخدمات وکارهای بزرگ او شود آن وطن پرست ملت دوست برای جانفشانی ومجاهدت حاضر خواهد بود واتفاقا چیزی هم نگذشت که موقع این کار در رسید باین معنی که بعد از اختتام جنگ حکومتی که کلنیهای امریکائی برای خود ترتیب داده بودند قوت واستحکامی نداشت ورفته رفته روباضمحلال وانحلال میگذاشت باحکام کنگره هیچ دستی نمیکردند وولایاتی که باهم متحد شده ودولت اتازونی را تشکیل داده وشماره سیزده ولایت بود هریک میل استقلال وخودسری داشتند ودر کارها آنچه را برطبق مصلحت خاص میدانستند ومفید بحال ولایت خویش میپنداشتند قوت میدادند ودر بند نفع عام وفایدهٔ همسایه های متحد خود نبودند علاوه برین در هر جا میان مردم نفاق درگرفته وفقر عمومی گشته ودر بسیاری از نقاط جماعتی فقرا را تحریک مینمودند وبر ضد اغنیا برمی انگیختند خلاصه روز بروز اغتشاش در هر جا

در حرکات آنها بطوری تأنی ظاهر است ژاپنیها بشگ افتاده گان میکنند ایران را ژاپن دستونکی خیال ندارد بطرف شمال رود و ازرد و خورد با سفاین ژاپنی احتراز مینماید

در یکی از بنادر المان پلیس دو فروند کشتی تریل گرفته است این دو سفینه را برای دولت روس ساخته بودند مجزا کرده بشکل ماشین بار نموده میخواستند بروسیه حمل نمایند دولت ارژانتین هم اظهار کرده یعنی اباننموده که کشتی جنگی بروسها فروخته شده گفته است مادامی که جنگ در کار است اقدام باین عمل نخواهد نمود

از تو کیو خبر داده اند که ژاپنیها در پرت آرتور مشغول بیرون آوردن سفاین روسی از زیر آب میباشند و میخواهند آن کشتیها را بیرون آرند و اصلاح کنند و این کار پیش میرود و احتمال دارد ژاپنیها دارای چند فروند کشتی زره پوش نمرهٔ اول و سفاین مفتش شوند

(اعلانات دواخانهٔ سیمولیون)

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مجلی نمودن پوست صورت و دست مثل ندارد

تمام زنان تمیز که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع حمره و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون بجهت تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر و روی کرم سیمون گردی است بدون سیمون بسیار نرم و چسبان و غیر مرئی

گرد سیمون گلی است بدون سیمون زیاد معطر و خوشبو و نتایج مفیده کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار تمیز و بی نظیر است پوست را سفید و نرم و براق میکند

ایضاً این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است

شنپک مقوی دکتر دشام با کلا و پوست گنه گنه و کلا و گلیسر و فسفات دوفر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً یکصد سال رسد قبل از نهار و شام یک گیلاس کوچک از این دوا میخورند نسخهٔ این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطبا دنیا تجویز کرده اند

این دوا بحالت محلول کامل مواد عامله پوست گنه گنه و کلا و برگ کلا و گلیسر و فسفات دوفر را در بر دارد و روی هم رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است این مواد عامله که اثر هریک را جمیع اطبا تصدیق کرده با کمال دقت ساخته میشود و مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و با اشخاصی که مبتلا بضعف پیری میباشند یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام و مدد بنیهٔ آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتواند بخرد و مصرف کند

قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری نه تومان و محل فروش در طهران منحصر است بدواخانهٔ سیمولیون در خیابان لاله زار

و مرج زیاد شد و بعضی از خیر خواهان مملکت که مستعد استخلاص و نجات از این بلیه و خرابی جسته بشکیل حکومتی قادر و توانا ممکن نبست و اتابکزونی باید محکوم حکومتی باشد که بتواند تمام ایالات و ولایات را در تحت اطاعت خود نگاهدارد با صد اراین خیالات را منتشر ساختند و در ذهنها جا دادند که دولتی با قوت و شوکت باید تا ایالات متحده یا اتابکزونی را بسعادت و لوازم حیات و دوام و ترقی نایل نماید و عاقبت در سنهٔ هزار و هفتصد و هشتاد و هفت (۱۷۸۷) مجلسی ملی منعقد شد مگر حکومت دولت تازه را طرح کند و ترتیب دهد و شخص واشینگتن از جانب ولایت ویرژینی مأمور بود که در آن مجلس حاضر شود و پس از حضور سایر اجزای مجلس بمیل و طیب خاطر مردم کار دیده را رئیس مجلس قرار دادند و واشینگتن نیز قبول ریاست آن انجمن نمود یعنی بعد از آنکه مشار الیه بزور شمشیر وطن خویش را از قید رقیت نجات داد و بواسطهٔ دست و پازدن در مضایق آن مملکت را بحریت و استقلال نایل نمود مذاکرات هفته شد که میبایست ترتیب امور دولتی آن مملکت را داد بقیه در نمرهٔ آتیه

هُوَ المُعِین

روزنامهٔ آزاد هفتگی

تربیت

صاحب امتیاز ذکاء الملک مُدیر مدرسهٔ سیاسی

پنجشنبه بیستم شهر ربیع الاوّل سنهٔ ۱۳۲۳ هجری — بیست و پنجم مه فرنگی — سنهٔ ۱۹۰۵ میلادی

قیمت در دار الخلافهٔ طهران نمرهٔ سیصد دینار — نمرهٔ سیصد و شصت و دویم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله هیجده هزار دینار — در تمام روسیه چهار منات — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دار الخلافهٔ طهران طبع میشود جریدهٔ علمی و ادبی و سیاسی

سال هشتم

قیمت اعلان سطری یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

(بقیهٔ تحقیق در باب ثروت ایران)

شرط بسیار مهم دیگر برای خوبی وضع صنایع مملکت این است که همواره صاحبان صنعت مترصد و در کمین باشند و هر بهبودی و اصلاح و ترقی و ابداع و اختراعی که در سایر نقاط دنیا در صنایع میشود فورا در صنعتهای خود معمول و مجری دارند و اگر چنین نکنند همیشه از دیگران عقب خواهند بود چنانکه بعضی هستند و هیچ در بند نیستند و عمدهٔ خرابی کار آنها از اینجاست

حالا تقریبا یکصد سال است که ممالک اروپا اختراع چرخ بخار کرده و راههای آهن ساخته و امتعه و اجناس خود را بمنتها درجهٔ سرعت و سهولت و اطمینان قلب هزارها فرسخ راه حرکت میدهند و حمل و نقل میکنند و قوی چنان بی اعتنا و بی خیال که گوئی فرنگی مرغ است و آن قوم بره و لهسته تکلیف بره این نیست که کار مرغ کند و پرواز نماید راست بگویم ما بوطن خود خیلی مقروض و مدیونیم از راه آهن که امروز از واجبات است گذشته همشهریهای ما اقلا راهی عراده رو از طهران بمازندران و خوار و ورامین نساختند که مردم این پای تخت را از زحمت تحصیل اجناس و ارزاق فارغ کنند و از مخمصه‌های حالیه و پسگردانی برهانند عمل ساختن و تسطیح و تسویهٔ طرق و شوارع که عقب ماندنا بالضروره کار سایر صنایع تیز عقب می افتد صنایع استخراجی هم که اصلانیت تا بگویم پیش است یا پس و زراعت ما اگرچه در واقع عقب مانده اما اگر بدرجهٔ سایر کارها پس نرفته از آن است که در نقاط دیگر هم ترقیات این شعبه بدرجهٔ سایر صنایع نرسیده و اگر ترقی زراعت ایران بقدر فرنگ نباشد بواسطهٔ کمی جمعیت و سکنهٔ مملکت خیلی ضرر ندارد و طرف احتیاج فوری نیست و الا زراعت امروز را نیز حالا میسر بایست در اروپا نمایند مسئلهٔ بسیار مهم این است که صنایع کارخانه که پیش داشته ایم پس رفته و جای مبلغی تاسف میباشد در بعضی صنایع اگر ترقی نکرده ایم سابق هم نداشته ایم نمیدانم داشته را چرا هیچ پنداشته ایم همه کس میداند و حاجت بشرح و بیان نیست که صنایع ما عمده پارچه بافی بود از کرباس و

(بقیهٔ شرح حال واشینگتن)

چنانکه در نمرهٔ پیش ذکر شد انجمنی ملتی در تحت ریاست واشینگتن بترتیب امور دولتی ایالات متحده پرداخت و آن ترتیب بعد از صد سال هنوز در اتازونی برقرار و در کار میباشد و بموجب صحت و درستی آن یا سایر اکون ملت باعظمتی که در امریکای شمالی جا دارند آن ترقی کردند که از اول خلقت تاکنون هیچ ملتی بآن ترقی نرسیده و رونق و شکوهی حاصل نمودند که اهالی هیچ قطری از اقطار کرهٔ ارض بآن رونق و شکوه نایل نگشته اما باید دانست که ترتیب باین خوبی روز اول بآسانی قبول نشد بلکه بعد از گفتگو و زحمت بسیار ایالات سیزده گانه تن بتصدیق و امضا در دادند و راضی بقبول شدند آنگاه نوبت رسید و وقت آن که بانتخاب رئیس جمهوری پردازند لکن اینکار خیلی مهمل بود و تکلیف معین چه در همان بدو امر و مذاکره بنا بر سپاسداری و حق گذاری تمام رعایا و اهالی امریکا شخص واشینگتن را

فدک تا محل وزری و شال و غیرها و برخی کارهای مختصر دیگر که جمله نابود شده و پارچه بافی مخصوصاً بقدری ضعیف گشته که چندان با نبودن و نداشتن فرقی ندارد و علت حقیقی این تنزل آنکه ما از ترقیات صنایع بیگانه ملل و اقوام غافل و بیخبر بوده ایم و مثل آنها برای تکمیل مصنوعات خود اهتمامی ننموده ایم

خنده دارد (یا گریه) که چندی قبل جمعی پیدا شدند و هیاهوئی کردند و گفتند بیائید غیرت اسلامی بخرج دهیم و وطن پرستی کنیم پارچه های خارجه را نپوشیم و بمنسوجات خود قناعت نمائیم تا صنعت داخله ترقی کند و برای این مطلب مثلها زدند شعرها شاهد آوردند و گفتند

کهن جامهٔ خویش آراستن به از جامهٔ عاریت خواستن

و ازین قبیل حرفها و فراموش کردند که هر سخن جائی و هر نکته مکانی دارد و گرنه بهترین حرفها و کارها اعراض از دنیا و زهد است اما با بارین نمیتوان از صنایع مملکت و ترقی آن چشم پوشید و مردم ایران را در هر چیز جزئی و کلی محتاج بخارجه کرد و بحال غفلت و سستی گذاشت باری آنوقت که وطن پرستهای مُدرن بقول مشهور این عرفانها را میافتند ما میدانستیم داستان از چه قرار است اما جرأت نداشتیم دم بزنیم زیرا که طرف بدکانی دوستان نادان میشدیم و مستلا بطعن و لعن دشمنان دانا میگشتیم حالا که کردند و مبلغی کلی و گزاف بمردم ساده لوح ضرر زدند و پرده از روی کار برداشته شد میتوانیم بگوئیم آن خیالات واهی و بی مغز بود چه وقت و در کجای دنیا غیرت دینی یا سجیت وطن پرستی مشتری اسباب ترقی صنعت شده و کدام قوم و قبیله ئی کالای متعهٔ بدگران را بر اجناس خوب ارزان ترجیح دهند اگر بالفرض در یک مملکت چند نفر آدم پیدا شود که از فرط نیک نفسی و خیرخواهی بدِ داخله را بر خوب خارجه ترجیح دهند آنها را باید استثنا از قاعدهٔ کلی قرار داد و مصداق این استثنا کلیه شد و در همه جا از نوادر محسوب میشود و نمیتوان این توقع را از تمام مردم داشت که با کهنه جامهٔ خود بسازند و حریر چینی و دیبای رومی را دور اندازند مختصر در هیچ زمان و مکان غیرت و وطن پرستی رعایا صنایع را ترقی نداده و بلی تمام ترقیات نتیجهٔ غیرت و وطن پرستی است اما نه باین شکل و صورت وطن پرستی وزرا و رجال دولت مملکت را ترقی میدهد اگر در ادارات و مشاغل مرجوعهٔ خود از روی امانت سعی و کوشش کنند وطن پرستی فضلا و دانشمندان مملکت را ترقی میدهد اگر در تربیت و تعلیم ابنای وطن مسامحه و غفلت ننمایند وطن پرستی رعایا مملکت را ترقی میدهد اگر در پیروی قوانین صحیحهٔ شرع و عرف ثابت قدم باشند و در همراهی با خیالات خوب و حسن نیت اهل دانش و فضل کوتاهی نکنند و در موقع ضرورت در حفظ و دفاع از وطن جان فشانی نمایند و از مال و هستی خود درین راه چیزی دریغ ندارند وطن پرستی آن مردم مملکت را ترقی میدهد که عمری مال و جان خویش را بمصرف اکتشافی در مطالب علمی یا اختراعی در امور صنعتی رسانند اما هر چه ما در تواریخ و سیر نظر و سیر کردیم ندیدیم که وطن پرستی مردم پارچه بافی و منسوجات مملکتی را ترقی داده باشد کسانی که مردم را دعوت میکردند که وطن پرستی کنند

بریاست اختیار کردند و باتفاق آراء این امر مهم صورت پذیرفت

ترتیب امور دولتی و مهام کلی که تازه داده شده چندان طرف اطمینان و اعتماد نبود و در استحکام آن حرف میرفت برعکس بردی که برای اجرای آن احکام و قوانین منتخب گشته یعنی بواشینگتن زاید الوصف معتقد و مطمئن بودند و اظهار خاطر جمعی مینمودند و همه کس از روی عقیده و یقین میگفت شخصی که بتواند از عهدهٔ انجام خطیر برآید واشینگتن است و بس واشینگتن هم بواسطهٔ اعتقاد و استظهار کاملی که عموماً بخبرت و بصیرت و امانت و دیانت او داشتند بشوق آمد و همت بلندش اوج گرفته بلند تر شد و بنای جد و جهد را گذاشت گرنگذارد در زمینی که تازه تأسیس کرده اند از صدمات و ظلمات خیالات واهی و مخالفتهای بیمعنی خراب و بیحاصل گردد و در راستی که این از دیاد همت و کثرت مجاهدت امری لازم بود زیرا که فی الحقیقه کار نهایت صعوبت را داشت

و پارچه خارجه نپوشند سوراخ دعا راگم کرده بودند بهتر و حق مطلب این بود که خود وطن پرستی و سعی نمایند و پارچه بافی مملکت را ترقی دهند و مجبور با تماس و درخواست نشوند که ایها الناس پس پیاید از روی وطن پرستی پارچه های معیوب بد اصل بار انجرید و در امر لباس خود سرگردان بمانید چرا در بارهٔ قالی و قالیچهٔ ایران هیچوقت لازم نشده که برای رواج و شیوع آن متوسل بوطن پرستی و غیرت ملت شویم بجهت آنکه جنس در اصل اصالت و امتیاز داشت و از آن بهتر موجود نبود داخله میل خریدن خارجه بمنت قبول کرد و اتباع نمود و هر سال قدری قابل از آن بفرنگ حمل شد و میشود بشرط آنکه در آن تقلب نکنیم و اسباب و اخوردن آنرا خود بزودی فراهم بیاوریم و آن ساخته پرداخته را خراب ننمائیم

فرضاً که وطن پرستی کردید و پارچه خارجه را نپوشیدید سایر اجناس را چه خواهید کرد امتعه که بسیاری از آن ها ملزم زندگانی شده و بعضی اسباب تفنن و تفریح (کبریت نفت لامپ ظروف و اوانی اسباب چای و قلیان ساعت کاغذ کتاب شمع لاله جار چلچراغ و سایر زینتهای متعلق بتجمل و جلال) خواهید گفت صد سال قبل که هیچیک از این اشیاء نبود چه عیبی داشتیم میگویم شاید عیبی نداشتیم اما جواب این سؤال در مقالهٔ اول روزنامهٔ سیصد و پنجاه و نهم داده شده و گفته ایم پس از آنکه مردم زندگانی خوبی دیدند دیگر تمکین بزندگانی بد نمیکنند چنانکه حالا هر کس طهران را دیده زندگی کردن برای او در سایر بلاد و ولایات مشکل است و هر کس چندی در فرنگستان بسر برده در مشرق زمین بصعوبت سر میکند علاوه بر این آن حرف و ایراد ناشی از تنبلی و دون همتی است مرد اهل غیرت و همت نمیگوید چون اسباب زندگانی خوش را فرنگی فراهم آورده من بزندگانی بد قناعت میکنم بلکه بجای این حرف باید در صدد بر آید که خود او نیز آن اسباب را فراهم آورد

این مقاله ذیلی طویل دارد عجالةً درین نمره بهمین چند سطر اکتفا میکنیم و بدور در نمره های بعد ناقص را اکامل مینمائیم

(تهنیت و تبریک)

جناب جلالتمآب اجل اکرم افخم میرزا فتح الله خان مشیر الممالک دام اقباله العالی که سالها در وزارت و پیشکاری بزرگ کمال کفایت و کاردانی و مساعی جمیلهٔ خود را مشهود اولیای دولت ابدآیت داشته و حسن سلوک و رفتار شایستهٔ او نسبت بعموم آحاد و افراد اهالی آن ولایت مسلم و مجاهدات او در آباد کردن ایالت محقق است سال گذشته بموجبی از آن شغل شاغل کناره داشت و ماهی چند در دار الخلافهٔ باهره در ظل عاطفت و مراحم کاملهٔ خسروانی و عنایات شاملهٔ حضرت اشرف امجد شاهزاده عین الدوله صدر اعظم دامت شوکته وقت میگذاشت تا در ابتدای هذه السنه ئیل ئیل خیریت دلیل مجددا وزارت و پیشکاری ولایت یزد و مضافات را بتصویب وزارت عظمی شیدالله ارکانها بجناب جلالتمآب مفخم ادام الله اجلاله مفوض فرموده پیکر اعتبارش را باعطای یکثوب جبهٔ ترمهٔ شمسه مرصع خلعت مهر طلعت ملوکانه بافتخار تمام آراسته‌اند

واشینگتن را در سال هزار و هفتصد و نود و پنج (۱۷۹۳) میلادی بریاست جمهوری برداشتند و ابتدا او در قبول این امر خالی از تردید نبود عاقبت با صرار مشاورین و اشاره یاران دور و حوالی قبول نمود

در داخله مملکت میان دو فقره رقابت در گرفته در راه پیمائی و عناد میرفتند واشینگتن میانه را گرفت و بتعدیل و تمهید این اشتعال و فوران را نشاند و نگذاشت در بین کشمکش آشوبی در گیرد پس از آن بخیال خارجه افتاد چه میبایست آمد کار دولت تازه را با آن رتبه و مقام مایل سازد که دول فرنگ از آن ملاحظه نمایند و وجودش را بی اهمیت ندانند چون مقام اختصار و ایجاز است بی طول و تفصیل و شرح و بسط گوئیم واشینگتن این عمل را هم مثل سایر اعمال مهمه بخوبی اکمل و وجه اتم پرداخت و پیشرفت درستی او را حاصل آمد دولت تازونی را نضج و قوامی صحیح داد و سر ملتی بزرگ را بسامان نهاد بعد از آن در سنهٔ هزار و هفتصد و نود و هفت (۱۷۹۷) از

جناب جلالتمآب اجل امجد مشیر الممالک از دوستان تربیت است
و دلیل این مدعا مدرسهٔ مبارکهٔ مشیریهٔ یزد میباشد که هر سال مبلغی
حسابی از کیسهٔ فتوت خود خرج این دار العلم میکند و اهالی دار العباد را
بفوز و فیض علم و صنعت نایل و فایز مینماید و الحق این معنی وطن پرستی است
بعلاوه شنیده و میدانیم در سایر کارهای سودمند خاصه قالی بافی
یزد هم همتی بسزا کرده و شرح این مطلب را نیز بعد از تحقیق در اوراق خود
درج خواهیم نمود آنچه بالفعل یقین داریم آنکه مرد روشن گهر و همام است
و اهل همت و اقدام بنابرین مقدمات و بسا اعمال خیریه که میدانیم
(از قبیل آوردن آب شیرین به نگ کنبد یزد) آن مرد بزرگوار را
باین استیاز جدید و مکرمت بزرگ شاهنشاهی تهنیت و مبارکباد میگوئیم

(اخبار مختلفه)

(نقل از همدم شباب)

در ژاپن این اوقات بخیال افتاده میخواهند بدانند کوتاهی قامت
انسان را ممکن است بلندی تبدیل نمایند یا امکان ندارد و چیزی
که سبب این خیال در آن مملکت شده این است که بلندی قد سربازان را
از محسنات پنداشته و گمان میکنند این صفت در کار جنگ بی مدخلیت
نیست و کوتاهی قد اهالی نظام نوعی از نقص و عیب محسوب میشود و از آنجا
که اهالی ژاپن غالبا از بلندی قامت محروم اند میل دارند این منقصت
ظاهری را هم از قوت خود دفع کنند بلی این تصور ناشی از بلندی همت
میباشد و در نظر ژاپنی تغییر خلقت یا تکمیل جنس از امور ممتنعه بنظر
نمی آید و میگویند حرف ناپلیون صحیح است و ممکن نیست معنی ندارد
در هر حال برای کشف این مشکل کمیسیونی ترتیب داده و آن
انجمن تحقیق پرداخته و از مطالبی که کشف کرده اند این است که نشستن
روی صندلی در این امر مدخلیت کلی دارد و یکی از اسباب کوتاهی
قد ژاپنیها روی زمین نشستن آنهاست چه روی زمین نشستن راه نابع
رشد و نمو استخوانهای پا یافته اند اگرچه سربازهای کوتاه قد ژاپنی
رسم جنگ را خوب میدانند و از عهدهٔ اعمال حربیه نیک برمی آیند
و بواسطهٔ کوتاهی از گلولهٔ دشمن بهتر محفوظ میمانند و بیشتر جان بدر میبرند

(توپ دفع تگرگ)

بعضی از دانشمندان گمان کرده اند در وقتی که هوا مستعد باریدن تگرگ
میباشد اگر بطرف ابر شلیک توپ نمایند تگرگ مبدل بباران میشود
و از صدمات لازمهٔ تگرگ محفوظ میمانند هرچند این مطلب درست ثابت
نشده و بعضی در حصول این مقصود تردید دارند باز انجمنی که در شهر لیمای
فرانسه برای تحقیق این مطلب منعقد میشود در اپریل از موسم تگرگ سال پیش
داده و از مبدل نمودن تگرگ بباران بواسطهٔ شلیک توپ تجدید مینماید
از جمله میگوید از بیست سال قبل تا پنجسال پیش یعنی در ظرف مدت
پانزده سال تگرگ معادل هفت کرور تومان بناحیهٔ لیمای ما خسارت
وارد آورد ولی در پنج سال آخر بواسطهٔ بکار بردن توپ تگرگ رفته
رفته ازین آفت و مخافت کاست تا در سال هزار و نهصد و چهار یکجا
ازین ضرر محفوظ ماندیم بعبارة اخری هر وقت هوا را مستعد
باریدن دیدیم با توپ تگرگ شلیک کردیم و تگرگ مبدل ببرف یا باران
شد و اذیتی وارد ننماید بنابرین میتوان گفت این تدبیر بی حاصل

ریاست جمهوری خارج شد و راه سر منزل اصلی را که دهکدهٔ مُنت ورزن باشد پیش گرفت مگر در آن گوشه چندی بیاساید و بی شور و غوغا سر نماید
در آن وقت که واشنگتن خیال کرد دست از ریاست و حکمرانی بکشد بخت بانشای رساله و تالیف کتابی پرداخت و مجموعهٔ مشتمل بر مواعظ حسنه و پند و اندرزهای
عاقلانه و بیان حکمت و فایدهٔ اتفاق و اتحاد و منفعت و خاصیت همدستی و وداد و آن را بهمشهریهای خود داد که سپه مشق و دستور العمل مشاغل و اعمال قرار دهند
و از دایرهٔ درستی و استقامت قدم بیرون ننهند و درین وقت تمام امریکا بساعی جلیلهٔ واشنگتن تقی متقدر و معتبر بود و تکیه بر بسنائی محکم و بنیانی ثابت مینمود
پس از آنکه واشنگتن بترک ریاست جمهوری گفت و از حکمرانی کناره کرد فرقه های مختلف با هم بنای کشمکش را گذاشتند و خشونت و ضدیت آغاز نمودند بلکه در یکی
از مواقع نصفا تا زدنی با نصف دیگر جنگی کردند که چهار سال طول کشید و دو کرور نفس در آن واقعه مقتول و نابود گشت معذلک آن هیئتی که واشنگتن

نبوده است

(لانهٔ بلورین مورچه)

یکی از مصنوعات جدید که در مغازهٔ از مغازه های لندن برای فروش حاضر کرده اند لانهٔ بلورین مورچه است که مورچه ها در آن بحالت آزادی تمام سر میکنند و از مداخلهٔ خارجی در کار خود اصلا اضطرابی ندارند و بدون وحشت مشغول کار خود میباشند این لانه را در تحت چارچوبی مربع مانند قاب عکس قرار داده اند و آن بانداز سه گره مربع است هر وقت بخواهند حرکات و کار مورچه ها را تماشا کنند پوششی را که در آن قاب قرار داده برداشته لوحهٔ شیشهٔ بجای آن نصب مینمایند و از ورای شیشه نظر بمورچه ها و اعمال آنها میکنند گذشته از خود مورچه ها بعضی حیوانات صغار دیگر را هم که طبعا با مورچه موافقت دارند در آن لانه جا داده اند از این لانه ها برخی ملکهٔ مورچه هم دارد و بعضی ندارد و در خرید و فروش لانهٔ ملکه دار گرانتر است گذشته از اینکه این لانه های مورچه اسباب بازی و مشغول کردن اطفال است برای تحصیل مطالب علمی هم وسیلهٔ بسیار خوبی میباشد

(ترجمهٔ اقل احمد بن میرزا آقاخان خیاطباشی)

(اخبار زمان)

سابق اشاره کرده ایم که هیئت مأموریتی که اجزای آن نظامی است از المان بقاپس پای تخت مراکش خواهد رفت اینک گوئیم آن هیئت حرکت کرد و شخص شاخص مأموریت کنت تاتن باخ نام دارد و مشار الیه از طرف دولت المان نشانی هم برای اعلیحضرت سلطان مراکش میبرد رئیس مأموریت المانی قبل از حرکت با وقایع نگار روتر ملاقات کرده و گفته است مقصود از این مأموریت آن است که بسلطان مراکش از جهت پذیرائی خوبی که از اعلیحضرت امپراطور المان در سفر مراکش شده اظهار تشکر نماید و مجددا سلطان را اطمینان دهد که مملکت مراکش از تجزیه و تقطیع محفوظ و مصون است و این مأموریت بخیال تحصیل امتیازات یا عقد معاهدهٔ تجارتی نیست چه دولت المان بموجب عهدنامه و قراردادهای خصوصی را در مراکش جایز نمیداند (عهدنامه و قراردادی است که مابین دول معتبرهٔ اروپا چند سال قبل در باب امور مراکش داده شد) نیز مأمور المانی اظهار داشته که جمعیت مملکت المان رو باز دیاد است و مکان میخواهد مستعمرات هم کم دارد و اگر مراکش امر خود را راجع بانجمن بین المللی نماید المان بمیل از و تقویت خواهد نمود و فعلا انجمن بین المللی منعقد نشود المان راضی است در مقاصد خویش در باب مراکش با سایر دول مذاکره کند اما احتمال میرود دول در این باب همراهی نداشته باشند

از جملهٔ تکلیفهای فرانسه بمراکش تأسیس بانکی دولتی است که ترتیب عمل پول را منظم کند

روز عید فصح در روسیه بخوشی و آرامی گذشت و انقلابی نشد بموجب حکمی از اعلیحضرت امپراطور روسیه کسانی که در مذهب اصلی روسی نیستند از عدم آزادی که در امور دینی خود داشتند فارغ و آزاد شدند و مسلمین و بودائیها را هم پس از این رسما مشرک نخواهند خواند تمام مردم روسیه از این آزادی مذهبی که بایشان داده خواهد شد کمال شعف و

تشکیل داده بهم نخورد و خللی در آن بنیان راه نیافت و مملکت انا زونی با زراه خود را استعداد داده رو بترقی و سعادت و قدرت میرفت و از صراط مستقیم ارتقا و اعتلا منحرف نشد

خلاصه دوشینگتن خود را از امور دولت دور ساخت و در مزرعهٔ خود کافی السابق بکارهای رعیتی پرداخت زندگانی آرام بی صدا را بر هیاهو و قال و مقال ترجیح داد و فراغت اختیار نمود روز خود را بخوشی و آسایش میگذشت و صبحش بفرخی و فیروزی شام میگشت اما چنانکه عادت روزگار است آن حال نیز برقرار و پایدار نماند زیرا که بر کشتی مرکب هستی را بآنسوی این جهان جهاند یعنی در یکی از روزهای ماه دسامبر سال هزار و هفتصد و نود و نه چنانکه معتاد بود آهنگ صحرا نمود صبح زود سوار شد و بسرکشی مزارع خود رفت اتفاقا باران و برف شدیدی او را تر کرد و سرما صدمه بمزاجش وارد آورد

شادی را دارند و آن را بزرگترین مشرف خیالات جدیده میدانند
نیز مقدمه آزادی پلیتیکی میپندارند و فی الحقیقه جای کمال خوشوقتی است
گویند اغتشاش قفقاز هنوز رفع نشده در مسکو با وجود ممانعت پلیس
انجمنی مخفی از جمعی مامورین ولایات روسیه جمع شدند که طرح و اصول
تشکیل مجمعی را که مجمع کل باشد معین کنند و قرار دادند و مجلس تاسیس شود
و اجرای یکی از این دو مجلس بانتخاب و آرای عموم رعایا باشد و اجرای
مجلس دیگر مامورین ادارات باشند

در بعضی نقاط لهستان بخصوص در ورشو شهر دیگر که لُدز نام دارد
اغتشاشهای کلی واقع شده یعنی کارگران بسیار که تعطیل کرده برات
عصیان برافراشته بودند و با عملهٔ نظمیه زد و خورد کرده با آنها تفنگ زده
و نارنجک میان ایشان انداخته و عملهٔ نظمیه هم بعاصیان شلیک نموده
و با سرنیزه و شمشیر مردم را مجروح کرده و در ورشو قریب شصت نفر تلف
شده و شاید دویست نفر زخمی شده باشند بی نظمیهای دیگر هم روی داده و
کارگران لهستان بواسطهٔ کثرت عدد مقتولین و مجروحین اعلان تعطیل
عمومی نموده عدد کارگران دست از کار کشیده را در شهر لُدز هفتاد
و پنجهزار نفر تخمین کرده اند و در ورشو کارگران تمام مغازه ها و حجره ها را
بسته و داشته و امور معوق و معطل مانده طفل ده ساله در یکی از خیابانها
یکی از قزاقها را استنزا نموده قزاق او را دنبال میکند و با شمشیر از شانه
تا کمر او را میشکافد انجمنی از سوسیالیستهای لهستان بکارگران فرمان
داده که بکارهای خود رجوع کنند زیرا که موقع شورش نیست و باید صبر
کرد تا موقع در رسد و برای تحصیل آزادی اقدامی صحیح نمایند

اعلیحضرت پادشاه انگلستان بپاریس رفته با جناب مسیو لوبه ملاقاتهای
دوستانه کرده و مردم پاریس هم توجه و اقبالی خاص باعلیحضرت نمودند
پادشاه معظم الیه مسیو دِ نکاره وزیر خارجه فرانسه نیز گفتگوی مفصلی نموده
مشارالیه بوزارت خارجه مراجعت نمود در حالتی که خوشوقتی از بشره او
نمودار بود خلاصه این وقایع را اهل نظر اهمیت میدهند مخصوصا که در
همین روز اعلیحضرت پادشاه انگلیس با سفیر المان گفتگو کردند و در مراجعت
بلندن اول شخصی که بحضور اعلیحضرت رفت وزیر خارجه انگلیس بود
لرد کیچنر برای مصیبت زدگان هندوستان اعانه جمع میکنند و تا چند روز
قبل دو هزار و یکصد و چهل لیره فراهم کرده فرمانفرمای هندوستان هم
از انگلستان طلب معاونت نموده و بیست هزار لیره خواسته اعلیحضرت
پادشاه انگلیس صد گینه که یکصد و پنج لیره باشد برای اعانت رعایای هند
بکیچنر داده همچنین اعلیحضرت ملکه و ولیعهد و زوجه ایشان برای کیچنر و لرد
کرزن پولها بعنوان وجه الاعانه فرستاده اند

در لندن در مجلسی که سفیر ژاپن حاضر بوده یکی از بزرگان انگلیس جامی
بسلامتی اعلیحضرت میکادو نوشیده و از اعمال نظامی که در سلطنت این
پادشاه مشرقی انجام یافته ذکری نموده و اظهار امید کرده که چون موقع
تجدید اتحاد ژاپن و انگلیس شود این کار بخوبی صورت گیرد

روزنامه تایمس انگلیسی گوید ظاهر است که ژاپنیها در کره تسلط کامل پیدا
کرده اند و خانواده های ژاپنی فراوان بآن مملکت میروند چنانکه تاکنون
قریب شصت هزار نفر رفته و از فوزان تا یالو سلسلهٔ غیر منقطعی
از کلنیهای ژاپنی هست مستشاران خارجه کره هم همه مبدل بژاپنی

در مراجعت در دکلوی شدیدی عارض وی گشته روز دیگر دانست که نوبت رحیل است جلش رسیده و از رفتن گزیر نیست وصیت کرد و دستور العمل داد که
بعد از مرگ او چه کنند و بازماندگان ملک و مال وی را چگونه قسمت نمایند یا چطور نگاهدارند خلاصه آنچه در نظر داشت گفت و نشی وی نوشت آنگاه بعد از لحظه
چند در گذشت و خبر فوتش منتشر گشت و کنگره در حال حکم کرد رعایا و مردم اتازونی مدت یک ماه برای داشتن عزا گیرند چنین کردند و از رسوم احترام
چیزی فروگذار نداشتند کلیهٔ عساکر فرانسه نیز بحکم ناپلیون ناپارت ده روز مراسم تعزیه داری داشتن را مرعی و منظور داشتند بعلاوه سفاین انگلیس هم
که در دریای مانش (میان فرانسه و انگلیس) بودند برای دلیری دانا که در جرات و جلادت و دانش و درایت بمقامی بلند رسید و نوانست
یکدسته از عساکر انگلیس را تسلیم شدن وادار کند احترامات عزاداری را اجل آوردند و جان کلام این است که ملات داند و مرگ و اشنگتن اختصاص

شده رأی خود را پیش میبرند قشون کره نیز بر اندارم ژاپنی تبدیل یافته و پادشاه کره با دربار فاسد او از این وضع خائف اند و امیدوار که باز روس پیشرفتی حاصل کند

مذکور شد اداره بحریهٔ انگلیس در پائیز اول کشتی جنگی طرح جدیدی که قوی ترین سفاین حربیهٔ دنیا خواهد بود سفارش میدهد بزودی بسازند و تصرفاتی که در این کشتی میشود مبنی بر اطلاعاتی است که از جنگ روس و ژاپن حاصل شده

نواب ولیعهد انگلیس در نطقی که در آکادمی سلطنتی کرده گفته است در سفر هند و پستان امور صنعتی عجیب سابق این مملکت را خواهیم دید امیدوارم اول سنگ بنائی را که یادگار ملکه ویکتوریا در کلکته ساخته میشود من بگذارم و فخر میکنم که در اول بنای بزرگی که در دولت انگلیس در هندوستان ساخته میشود شریک میشوم شاهزاده دیگر انگلیسی که بمصر رفته بود گفته است از وضع عساکر مصر و دریای مدیترانه نهایت راضی میباشم لرد کرمر مأمور انگلیس در مصر نیز از منصبان سودان اظهار رضامندی نموده است

مأموری انگلیسی از کابل بلندن رفته و اظهار داشته که قرارداد جدید با امیر افغانستان مقاوله خواهد شد مگر روابط آیندهٔ ما با امیر معظم بطوری خوش باشد و آن حضرت هم میدانند که مصلحت او عین مصلحت هند و پستان میباشد یعنی منافع دو مملکت یکی است و در تسهیل امر قرارداد تر همراهی دارد همچنین مأمور انگلیسی گفته در کابل اثری از نفوذ روس نبوده و یقیناً هیئت مأموریت روسی در آن سر زمین نیست

هیئت مأموریت تجارتی که از هندوستان بایران آمده بود و مراجعت مینمود بندر بوشهر رسیده ولی رئیس آن هیئت آتش شکسته در شیراز مانده است

سفیر جدید امریکا که در پاریس اقامت خواهد کرد در موقع درک حضور جناب سید لوبه از مودت و اتفاقی که این اواخر فیما بین انگلیس و فرانسه حاصل شده اظهار خوشوقتی نموده و این اظهار امری است خارج از امور متعارفی و دلیل بر حال مخصوصی از دولتانه زونی میباشد (چون انگلیس وطن اصلی امریکائیهاست شاید اظهار خوشوقتی سفیر امریکا بآن مطلب نظر داشته باشد)

باب عالی در باب بودن کشتی جنگی انگلیس در کویت بالرد لنسدون وزیر خارجهٔ انگلیس گفتگو کرده ولی وزیر معزی الیه گفته است در باب خبری بمن نرسیده و از سؤال و جواب در این مطلب مضایقه نموده

دولت عثمانی در خیال حرکت دادن سفاین جدید جنگی سربازو تهیهٔ فرستادن عسکر یمن میباشد ولی بیم آن است که لشکریان آن دولت از گرما دچار صدمهٔ شدید شوند در جزیرهٔ کرت گاهی اغتشاشی روی میدهد لهذا قنسولهای خارجه بحکومت آنجا تکلیف کردند که بیرقهای یونانی را از آن جزیره حکومتی بردارد و گفتند اگر این کار را خود نکنید خواهیم کرد (اعلان)

پیش از این کتاب جغرافیائی ممتاز جناب جلالتمآب اجل عالی محمد صفی خان مدیر مدرسهٔ علمیهٔ دامت افاضته برای مبتدیان مدارس تألیف کرده بود و حسن ترتیب و مناسبت آن را اکثر تصدیق نموده این اوقات نسخهٔ آن تمام شد و تجدید طبع آن لازم گشت لهذا جناب جلالتمآب معزی الیه بتهذیب و تکمیل آن پرداخته و آن را دو دوره قرار داده یکی ابتدائی مختصر و دورهٔ دویم بالنسبه مفصل تر و این طبع جدید در واقع تألیفی مخصوص میباشد که هم مناسب درجات ابتدائی است

بفلان قوم و بفلان ملت ندانست بلکه تمام ملل از این سانحه متأثر و متأسف شدند و دانشمندان روی زمین اعتراف نموده گفتند وفات واشینگتن نه همین برای تسلیم امریکا واقعهٔ حزن انگیز است بلکه برای جهان آدمیت و عالم انسانیت خسارتی عظیم میباشد بلی این راه پرخوف و خطر و این منزل پرشور و شر را واشینگتن میخواهد و گرنه از دولت سرمدی پروردگار جسمها کلان میشود و روحها میکاهد واشینگتن باید و واشینگتن وطن پرست پایدار و زبردست واشینگتن از خود گذشته واشینگتن مصفی گشته واشینگتن با جسب و نسب واشینگتن عزلت طلب واشینگتن ملت دوست واشینگتن دلنخواه واشینگتن با خبر واشینگتن آگاه واشینگتنی که بتواند از مال و جاه بلکه از سلطنت بگذرد و بزخارف دنیا و آرایش ظاهری از راه بدر نرود واشینگتنی بزرگوار و کامل عیار واشینگتنی پیلتن و شیر شکار که مثل کوه پا برجا باشد و با پنجهٔ پولادی دست بکار تا سدهای شدیدرا از پیش بردارد

دهم موافق درجهٔ عالی و متوسط و از هر حیث بر چاپ اول مزیت و برتری دارد و شامل مبلغی اضافات و افادات نافعه و اطلاعات و معلومات مفیده بعلاوه مزین بر سوم و نقشه‌های متعدد است و از همه حسنها بالاتر آنکه جغرافیای بالنسبه مشروحی از ممالک ایران نگاشته و اهمیت آن برای ما زیاد و فی الحقیقه هر جغرافیائی که ایران را مفصل نداشته باشد درین سرزمین ناقص محسوب شود مختصر جغرافیای طبع جدید جناب جلالتمآب محمد صفی خان از هر حیث دارای امتیاز و مناسب حال شاگردان مدارس و جوانهائی است که میل باطلاعات جغرافیائی دارند این کتاب مطبوع در مدرسهٔ علمیه و تمام کتابفروشیهای معتبر هست و بفروش میرسد قیمت هشت هزار

(اعلانات دواخانهٔ مسیو مولیون)

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مخملی نمودن پوست صورت و دست مثل ندارد

تمام زنان تمیز که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع خمره و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون بجهت تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر دوری کرم سیمون گردی است بدون میموت بسیار نرم و چسبان و غیر مرئی

گرد سیمون گلی است بدون میموت زیاد معطر و خوشبو

نتایج مفیدهٔ کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار تمیز و بی نظیر است پوست را سفید و نرم و براق میکند

ایضاً این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است

شنیک مقوی دکتر دشام با کلا و پوست گنه گنه و کاکا و گلیسیر و فسفات دوفر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً یکصد سال رسد قبل از نهار و شام یک گیلاس کوچک ازین دوا میخورند نسخهٔ این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطبا دنیا تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عالمهٔ پوست گنه گنه و کلا و برگ کاکا و گلیسیر و فسفات دوفر را در بردارد و روی هم رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است این مواد عالمه که اثر هریک را جمیع اطبا تصدیق کرده باکمال دقت ساخته میشود و مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و باشخاصی که مبتلا بضعف پیری میباشند یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام و مدد بنیهٔ آنها میگردد و چون قیمت او مناسب است همه کس میتواند بخرد و صرف کند

قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری نه تومان و محل فروش در طهران منحصر است بدواخانهٔ مسیو مولیون در خیابان لاله زار

ویا ساوزاکونی بجای آن گذارد که سیل حوادث آن را از میان نبرد و بنا و مبنائی که بلطمه‌های نوایب تکان نخورد

این بود شرح حال مختصری از دانشمندان بگانه مردم باهمت و غیرت دنیا که درین عالم مؤسس اساس بزرگی شد و تشکیل دولتی داد که امروز از هر جهت بسمت وصف اولیت و اولویت دارد اما برای آنکه قدری بهتر بحال چنین بزرگ فرزانهٔ معرف حاصل کنیم خوب است مختصراً اطلاعی هم از قسطنطنیه امریکا بدهیم و بهتر معلوم و روشن نمائیم که جهد و سعی بی ثمر نیست بلکه غالباً بر حسابی دارد لهذا گوئیم ولایاتی که در سال هزار و هشتصد و هشتاد و سه بعد از جنگ با انگلیس مستقل گردیده تشکیل دولت امازونی داد چنانکه ذکر شد بشمارهٔ سیزده ولایت بود بعد از آن کم کم از ولایات و ایالات اطراف بعضی با آنها ملحق شدند بطوریکه حدود مملکت امازونی از اقیانوس اطلس بمحیط کبیر کشیده و وسعتی عظیم یافت

بقیه در نمرهٔ آتیه انشاء الله

هُوَ المُعِین

روزنامهٔ آزاد هفتگی

تربیت

صاحب امتیاز ذکاء الملک مدیر مدرسهٔ سیاسی

پنجشنبه بیست و هفتم شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۳۲۳ هجری — اول ژوین ماه فرنگی سنهٔ ۱۹۰۵ میلادی

قیمت تک نمره همه جا ده شاهی — نمرهٔ سیصد و شصت و پنجم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله هیجده هزار دینار — در تمام روسیه چهارصد — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دارالخلافهٔ طهران طبع میشود — جریدهٔ علمی و ادبی و سیاسی — سال هشتم — قیمت اعلان سطری یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

(بقیهٔ تحقیق در باب ثروت ایران)

از پس افتادن کار صنایع مملکت و کسر و نقصان ثروت سخن میرفت و از آن گفته‌ها معلوم میشد که یکی از اسباب خرابی ملت تنزل صنعت است و برای طوایف و امم و قبایل اهل عالم آفت و بلائی بدتر از بیهنری و بیکارگی نیست و درمان این درد منحصر بدو چیز باشد یکی راه کج صعب الوصول که تاکنون احدی از عقلا و دانشمندان جهان آن را پسند نکرده و صحه نگذاشته و این راه عبارت از قطع معامله و داد و ستد با خارجه است که نه چیزی با هالی سایر ممالک بفروشند نه جنس و متاعی از آنها بخرند مگر باین تدبیر جنس داخله رواج گیرد یعنی مردم باستعمال آن مجبور شوند و این سلیقه بعضی از همشهریهای ماست که از اوضاع عالم بیخبرند و نمیدانند بواسطهٔ عدم ارتباط با سایر اقطار و نواحی کرهٔ ارض چقدر دایرهٔ مدارک و مشاعر ما تنگ و محدود مانده و اگر از صنایع و علوم و آداب و رسوم دولتی و ملتی مثل هوشیار واقف و خبردار بودیم شاید پیروی آن هنرها نمینمودیم و مبلغی بر دانش و کارسازی این وجودهای عاطل می افزودیم گذشته از این مطلب اگر وقتی برای مردم مملکتی ترک آمد و شد و داد و ستد با ممالک دیگر کاری ممکن و میسر بوده دخلی بامروز ندارد و همه کس میداند که حالا دول خارجه هیچ نقطه از نقاط روی زمین را بحال اعتزال و کناره گیری نمیگذارند و خلایق را قهراً داخل در دایرهٔ معاملات خود میکنند و برهان قاطع این گفته مملکت چین است که بیش از تمام طوایف از مراودهٔ با فرنگی تحاشی و اباداشت و منتهای سعی را بعمل آورد که جلوگیری کند و آخر الامر نتوانست و چار چنگ تمکین و مراوده نمید آمدیم و فرض کردیم که کسی میخواهد حتماً این کار را بکند راه کار این است که مثل بعضی از دول قادر مقتدر تعرفهٔ گمرگ فوق العاده بر اجناس خارجه ببندد و البته شرایطی دارد و شرط اول قدرت و زور است که تمام دول بزرگ دنیا را بملاحظه وا دارد و شرط دویم آنکه در داخله اسباب تهیهٔ جنس را فراهم آورده باشد که اگر از خارجه جنس نیاید امر زندگانی معوق نماند و دولت قادر مقتدر هم اگر چنین تعرفه ببندد برای آن نیست که جنس خارجه بممالک او داخل نشود بلکه میخواهد کارخانه‌های تازه دایر کرده را در کار داشته باشد و مصنوعات

(بقیهٔ شرح حال واشینگتن)

در نمرهٔ پیش گفتیم حدود مملکت اتازونی وسعتی عظیم یافت توضیح این مطلب را گوئیم سیزده ولایت اتازونی اینک بچهل و پنج ولایت رسیده بلکه بیک حساب میتوان گفت پنجاه ولایت است ابتدا یعنی در وقتی که اتازونی مستقل شد عدد نفوس اهالی هشت کرور نفر نمیرسید اکنون بتقریب صد و پنجاه کرور میباشد و این کثرت جمعیت بواسطهٔ بسیاری برآوردگان آن خاک نیست بلکه چون آب و هوای آن اقطار خوب و معتدل و مناسب نشو و نمای مردم اروپاست سالی زیاده از یک کرور فرنگی از اوطان خود چشم پوشیده بآن ولایات مهاجرت میکنند و با وجود مهاجرین و فراوانی سکنهٔ سابق هنوز نفوس مملکت نسبت بوسعت خاک آن زیاد نشده بلکه بدرجهٔ تناسب نرسیده زیرا که وسعت ممالک و ولایات اتازونی تقریباً بقدر تمام اروپا و تخمیناً پنج برابر دنیم ایران است و اقلیم اروپا بیشتر صد

آن که هنوز نضج و قوام مصنوعات کارخانه‌های ممالک پیش قدم نرسیده بواسطهٔ جنس خارجه زمین نخورد و ضرر نکند تا بعد ها رونق گیرد پس معلوم شد که اگر احیانا قومی هم با خارجه قطع معامله کنند باز باید درصدد ترقی صنایع خود باشند نه اینکه آن را متروک و معطل گذارند اما راه ممکن الوصول که آدمی را بسرچشمهٔ ثروت میرساند و عقلا آنرا می‌پسندند این است که مردم در فکر ترقی دادن صنایع خود باشند و آن را بدرجهٔ کارهای خارجه رسانند و همان ترتیبات و رسم و راهی که ملل متمدنه در امور صنعتی اختیار کرده اختیار کنند چرخهای بخار را راه اندازند آلات و افزاری که سایرین بکار میبرند بکار برند و معمول دارند علوم و اطلاعاتی که آنها راست تحصیل نمایند مختصر همان راهی که ژاپن رفت و بمقصود رسید روند و در بیدای اهمال و تردید پس و پس نگردان نشوند و اینکه ژاپن گفتیم برای آن است که نتیجهٔ مساعی این قوم حالا بر عالی و دانی محسوس گشته وگرنه تمام ممالک فرنگ و اقلیم امریکا همین حال را دارد و بمحض اینکه مطلبی علمی در ناحیه کشف شد فورا در سایر نواحی منتشر میشود یا کار صنعتی نو ظهوری در نقطه پرداخته گشت در نقاط دیگر معمول میگردد و هر مملکتی که بخواهد مضمحل و مستهلک نشود باید همین طریقه را پیشنهاد کند امیدواریم برادران ما هم این نکته را مخصوصا ملتفت شده باشند و بدانند که ژاپنیها هرگز نگفتند

کهن جامهٔ خویش آراستن به از جامهٔ عاریت خواستن

و اگر اتفاقا این شعر را شنوند معنی را درست ملتفت شده بفهمند که حکیم میفرماید کهن جامهٔ خویش آراستن یعنی آنرا ترقی دادن نه اینکه بکهن جامهٔ خویش ساختن و برازندهٔ بمعنی قناعت کردن و معذلک عقیده‌ها این نیست که مملکت باید حتما تمام مایحتاج خود را در داخله فراهم کند و از خارجه چیزی نخرد بلکه میدانیم هر خاکی اقتضائی دارد و اسباب هر صنعتی در همه جا فراهم نیست اما آدمی باین خیال نباید دست را روی دست گذارد و بیکار بنشیند که مایلزم و لوازم فلان صنعت در اینجا موجود نیست بعبارهٔ اخری برای شدنی هم مثل نشدنی بهانه تراشد و شانه از کار خالی کند و چون مملکت باید اغلب صنایع را دارا باشد فریضهٔ ذمت غیرت و همت و مردانگی است که هر قدر میتوانند بکوشند و اسباب کارها را فراهم آورند و بعد از آنکه از روی واقع و حقیقت دیدند اسباب فلان کار در وطن ایشان نیست و در مملکت همسایگان هست آن وقت تن بگرفتن از خارجه در دهند و آن را موهبت الهی دربارهٔ آنان پندارند چه درگاه رحمت باید همه را بنصیبه و قسمتی نایل سازد و هیچ طایفه را از نظر عنایت نیندازد و حاصل آنکه عقلا حدود و این خیالات را بخوبی میدانند و صحت و سقم آن را بدرستی دریافت میکنند و پیروی ایشان لازم است مثلا مردم المان چون اهل دانش اند هرگز جدا در صدد زراعت خربزهٔ اصفهان برنخواهند آمد چه میدانند که اولا شاید انجام این خیال محال باشد ثانیا اگر ممکن شود آنقدر مخارج و زحمت بر دارد که بدان نیرزد و حمل آن از اصفهان بالمان بیشتر بصرفه مقرون باشد از امثال این مسئله که بگذریم دیگر جایز نیست در هیچ صنعتی هیچ قومی مسامحه و اهمال کنند اما ما حالا لزومی ندارد که یکمرتبه دست بتمام صنایع زنیم و در آن واحد زمان

کرور جمعیت دارد و صد و پنجاه کرور کجا و هشتصد کرور کجا یعنی تقریبا طول دارد که عدهٔ نفوس اتازونی بفرنگ رسد و باین جهت بسیاری اراضی دست نخورده و غیر مزروع در آن اصقاع مانده و بر روی هم مردم قارهٔ امریکا در کمال رفاه و وسعت گذران و زندگانی میکنند و بهترین محل آسایش در ربع مسکون اراضی اقلیم جدید است اگرچه سکنهٔ آن بالنسبه بفرنگ کم باشد (عدهٔ نفوس اتازونی نسبت بخاک آن ممالک تقریبا مثل عدهٔ نفوس اهالی ایران است نسبت بوسعت زمینهای ایران)

چهل و پنج ولایتی که اتازونی را تشکیل داده مثل ممالک دیگر حکم یک خاک ندارد بلکه چهل و پنج دولت مستقل میباشد که بجهت حفظ و دفاع خود بهم وصل و متصل گشته و با هم متفق و متحد شده و برای روابط با خارجه در تحت یک دولت و یک اداره در آمده و پای تخت این یک دولت شهری است در سمت مشرق مملکت نزدیک بساحل اقیانوس

بسیار کم شهرهای ایران را مثل بلاد انگلیس کنیم زیرا که این کار باین شکل
هم محال است هم مضر و بهتر آنکه ابتدا بصنایع مختصر که با اسباب
قلیل و خرج جزئی صورت پذیر است پرداریم و رفته رفته از منافع
آن کوچک را بزرگ سازیم و مخصوصاً در فکر ترتیب و ساختن راه باشیم
و در بدو امر اگر راه آهن میسر نباشد اقلاً راه شوسه و عراده رو ساخته
شود و شهرها و آبادیها بهم وصل گردد تا مصنوعات بسرعت و سهولت دور
زند و درست انتشار یابد و مسلم است که بدون این وسیله یعنی آسان کردن
کار حمل و نقل و تسطیح و تصفیهٔ طرق و شوارع صنعت ترقی نخواهد کرد آخر
الامر چون قدمی برداشتیم و پائی پیش گذاشتیم پس از کارهای جزئی باعمال
کلی دست زنیم و ناقص را کامل کنیم اما باز محض تأکید باید بگوئیم که
اقدام مردم بصنایع و ترقی دادن آن شرایط دارد و نخست شرط
امنیت مملکت است و بعد از آن حفظ حقوق تا مردم بطور یقین بدانند
که اگر در فلان مورد خرجی میکنند و زحمتی میکشند مالک و مختار حاصل
آن میباشند و کسی بجیب و بی قاعده از ایشان تقاضا و توقعی ندارد
و عوارض و تحمیلات بیجا بر آنها وارد نمی آید و مقدماتی که ترتیب داده اند
اگر نتیجه داد خود بیشتر از آن منتفع میشوند و فرضاً که شخصی با آنها خواست
غرضی بورزد نمیتواند بتوسط بدستان که غالباً بچاپلوسی خود را داخل دایرهٔ
حکومت میکنند اسباب خرابی ایشان را فراهم آورد یا مدعی آنها شود
و اگر کسی خواست با ارباب صنایع کج حسابی و بدمعاملگی کند در
دیوانخانهٔ عدلیه احقاق حقوق ممکن است خلاصه زور نخواهد شنید و
تعدی نخواهد دید و این همراهی را دولت باید بارعایا بنماید و در خواستی
که از دولت هست همین است که موانع را از پیش پای مردم بردارد و دگر
از جهتهای دیگر لازم نیست دولت در امور صنعتی مداخله کند و اگر تشویقی
کرد تفضل است نکرد تقصیری نموده یعنی چندان ضرری ندارد چه
امور ثروتی طوری است که اگر مانعی از قبیل عدم امنیت و غیرها نداشته
باشد بالطبیعه پیشرفت میکند و ترقی آن زود و زحمت زیادی نمیخواهد
شرط دیگر ترقی صنایع این است که مردم بکلی عامی و نادان نباشند
و از امور عالم فی الجمله اطلاعی آنها را حاصل شده باشد و در صدد کسب و
اقتباس رسم و راه سایر ملل در اعمال صنعتی برآیند و برآمده باشند
تا معایب سابق الذکر بروز نکند و شرط دیگر که اهم شرایط و بر تمام شرط
مقدم میباشد این است که مردم صاحب اخلاق حمیده باشند و اهل نظر
و دقت دانند که ریشهٔ خرابی کارهای ما از فساد اخلاق ماست امروز
میان پانج نفر نیست که بتوانند با هم شریک شوند و کار مختصر یا متوسطی را از
پیش ببرند زیرا که هیچیک بآن دیگری اطمینان ندارد و راستی که همه
میخواهند همدیگر را مغبون کنند و کارها هم خاصه اعمال این دوره طوری
نیست که یکنفر از عهدهٔ انجام دادن آن برآید و ناچار باید بشراکت صورت
گیرد و ما می بینیم برادران با در هر کار که شریک شدند آنکار پیش نرفت
باز اگر یک تنه و یکمرده باشد امید نجاحی هست یکی نیست بگوید آخر این
فرنگیها هم از جنس بشرند ملائکه که نیستند محض اینکه کاری پیش می آید
جمعی با هم شریک میشوند و آنکار را صورت میدهند هرچند کرور و کرورها
خرج داشته باشد و با آنکه میدانید رسم من بنده ادب و ملاحظه و
ملایمت است این یک حرف را پاک و پوست کنده میگویم و دندان

اطلس و این شهر را پاس حقوق و محض اشتهار و انتشار ذکر جمیل واشینگتن با سم او موسوم نموده و شهر واشینگتن خوانده اند یعنی پای تخت امریکای شمالی را باسم آزاد کنندهٔ آن نامیده اند

دولت اتازونی چنانکه گفته میدانند جمهوری میباشد و ریاست آن با یک نفر است و آن کیفیه چهار سال بکار ریاست میپردازد و چون این مدت منقضی شد عوض میشود یعنی دیگری بجای او بر مسند ریاست می نشیند مگر انتخاب کنندگان رئیس جمهوری که مأمورین تمام ولایات میباشند بکمال کفایت و کاردانی و وفا وجود رئیس سابق متفق شوند و صلاح و مصلحت را در تجدید ریاست همان شخص ببینند و باز او را بریاست بردارند یا باقی گذارند و این کاری است که در همین سال اتفاق افتاد باین معنی که مدت ریاست جناب مستر رُوزولت بسر رسید اما طوری بدلش کار کرده بود که انتخاب کنندگان همه باقی ماندن او را در شغل

روی حرف نمیگذارم تا ما صاحب این اخلاق و دارای این آداب
هستیم محال است که چیزی بشویم و چون تقلب و خلاف از ما میبارد
خوب است دیوانخانه و عدالت و مجازات و مکافات پا برجائی باشد
که مردم از ترس قدری راست راه روند مگر کم کم راستی و درستی
ملکهٔ ایشان شود

بسیاری از صنایع را من بنده بچشم خود دیده ام که تقلب و نادرستی
خراب کرده و مردم مستأصل شده باز متوسل باجناس خارجه گشته و اگر
این اصرار را بتقلب نداشتیم شاید باین زودی و این طور صنایع ما
در مقابل مصنوعات فرنگی نابود و مضمحل نمیگردید و عجب آنکه هر روز نتایج
نادرستی را می بینیم و باز دست برنمیداریم در صورتی که کار بجای بدی
کشیده و بیم آن است که عنقریب ماکولات و محصولات طبیعی ما از میان
برود و محتاج شویم که از اقلیم اروپا برای ما ماست و پنیر بیاورند و اگر خیال
میکنید راه مبالغه و اغراق میروم هر کدام اوضاع سی سال قبل را
بخاطر دارید یک دو دقیقه فکر کنید به بینید از آن ماست و پنیر آن زمان
اثری هست و عجالةً ده پانزده سال مهلت میخواهد که این اسم بی مسمی هم کلی
از میان برود آن وقت آنها که در تاریخ لفظ ماست را دیده برای فهمیدن
معنی آن سر گردان خواهند بود که این ماکول چه مزه داشته و چگونه
آن را میساخته و با چه میخورده اند و قوز بالای قوز اینکه تا دم زده میگویند
آقا فرنگی مآب است و البته تمام تقصیرها بگردن فرنگی مآب بودن خواهد
بود غافل که تمام تقصیرها بگردن تقلب و بدحسابی و تنبلی و اهمال
و مسامحه و انحراف از راه راست و صراط ترقی است و تهمت فرنگی

مآبی هم یکی از تقلبها

نتیجه مقاله و جان کلام آنکه از یکطرف حوائج ما زیاد شده و بفکر فراهم
آوردن اسباب آن نیستیم از طرف دیگر صنایعی که پیش داشتیم
از بس تقلب کردیم بزور از میان رفت و حال آنکه میبایست همه را
ترقی داده باشیم و طرق و اعمال سایر ملل را در تکمیل کارها اخذ کنیم پس
کثیر ثروتهائی را که ما باید بمصرف رسانیم از خارجه میخریم با این حال مردم
ما چه حرفه و پیشه اختیار کنند ؟ این است که عدهٔ گدا و فقیر و
درویش و سایر خواهندگان بیحمیت و شمارهٔ غارتگران و دزدان و علاقان
اعمال زشت دیگر روز بروز در مملکت زیاد میشود

پس از این تحقیقات ظاهر آن است که علت حقیقی تنزل صنایع ایران را
معلوم کرده باشیم و راه علاج را هم بدست داده و حالا باید بگوئیم
ره چنین است مرد باش و برو وا آگر کسی متوقع باشد که این مقالات
یکمرتبه مملکت را منقلب کند و غفلةً وطن ما را دارای ثروت و مکنت نماید
توقع بیجائی کرده این کار بسته باهتمام و همت همشهریان است و مرور زمان
دخلی بجا مذارد بقول حضرت نظامی گفتن زمن از تو کار بستن
اگر کار بستید و کردید رفته رفته درست میشود والا روز بروز بدتر و خراب
خواهد شد من بنده آنچه باید عرض کنم کردم تا چه کند همت والای تو
این مقاله اگر طولانی و ملال انگیز شده از بابت مهم بودن و تفصیل
مطلب است و موجز تر و مجمل تر ازین جایز نبود و همین اشارات باید بمقالات
مبسوط شرح و توضیح شود تا کی وقت آن در رسد عجالةً در مقالهٔ آینده
از رسیله سیم تولید ثروت که سرمایه است گفتگو خواهیم کرد ان شاء الله تعالی

ریاست درخواست نمودند

رئیس جمهوری اتازونی از خود دارای اختیاری نیست فقط اجرا کننده احکام و قوانین کنگره میباشد و کنگره عبارت از دو مجلس است یکی مجلس مبعوثین دیگر
مجلس سنا یعنی شیوخ که معرفین بیغرض مملکت باشند در واقع اختیار امور دولت با کنگره میباشد یعنی وضع قوانین و ترتیب مالیات و گمرک و کلیه حوائج و قرض و تقرض
و عقد معاهدات همه با کنگره است و حق دارد که ترتیب لشکر دهد و از رعایا سرباز گیرد
کنگره مزبور مباشر امور راجعه بکل ولایات اتازونی میباشد اما هر ولایتی هم کنگره جداگانه و قوانین و رسوم و حاکم و دیوانخانه و دفتر مالیه مخصوص دارد
ممالک اتازونی چه از حیث زراعت چه از بابت صنعت چه از جهت تجارت رتبه اولیت دارد اما زراعت بواسطه اینکه اراضی حاصلخیز آن چنانکه ذکر شد

(مدرسهٔ مبارکهٔ خیریه)

مدرسهٔ خیریه از کارهای خیر مرحوم میرزا کریم خان سپهدار مکرم ملقب بمستعظم الدوله طاب ثراه از خیرات و مبراتی است که امروز در مملکت حکم واجبات دارد و انتظار نظایر و امثال آن را میکشیم و از صاحبان همم عالیه توقع داریم که در تعدد و تکثیر این قسم ابنیه و این صنف خیرات جهد کنند و ملتفت احتیاج شدید مملکت بدانش و آگاهی باشند مرحوم سپهدار مکرم که همیشه در مجمع انسانیت ذکرش بخیر باد چندین هزار تومان خرج بنای مدرسهٔ خیریه نمود و قراء و مزارع معتبر وقف این دارالعلم کرد مگر جمعی یتیم فقیر مرفه و آسوده از کار خوراک و پوشاک و غیرها در آن تربیت شوند و خوانا و نویسا بلکه صاحب صنایع کسبی گردند و بنوائی رسند گدائی نکنند و بروزهای بد نیفتند اگر بعد از سپهدار بشرایطی که برای امور مدرسه قرار داده عمل شود و از نظم و ترتیب اصلی نیفتد

چون درین اواخر اختلالی در امور مدرسهٔ خیریه مشاهده میشد بزرگان معظم که درین کار خیر دخالت دارند جناب مستطاب محترم حاجی سیاح دام فضائله را که از وطن پرستان معروف و آگاهان مشهور مملکت است اختیار کرده و درخواست نمودند که برفع تشتت امور مدرسه پردازد و بفطرت نیکو و میل جبلی متحمل زحمات این دارالعلم و اطفال یتیم گردد که حیف و میلی در این دایرهٔ شریفه نشود و نظم و ترتیب و رونق بخشین عود نماید جناب مستطاب معظم در ظرف مدت سه چهار ماه طوری مراقبت کردند و اطراف و جوانب عمل را جمع آوری نمودند که مزیدی بر آن متصور نیست و برای کمال اطمینان سران محترم روز دوشنبه دهم شهر ربیع الاول از جمعی بزرگان و خیل در کار و غیرهم دعوت کرده انجمنی در مدرسهٔ خیریه منعقد شد و جناب مستطاب اجل معظم مشیر الدوله وزیر امور خارجه ادام الله اقباله العالی و جناب مستطاب اجل اکرم ظهیر الدوله وزیر تشریفات زاد الله اجلاله و چند نفر دیگر از امنای حضرت و مشاهیر اهل علم و معلمین و غیرهم رسیدگی کامل بمستظهرات حسنهٔ جدید مدرسهٔ خیریه و مساعی جمیلهٔ جناب مستطاب حاجی سیاح شکر الله مساعیه فرمودند و قرارداد های نافعهٔ لازمه از نو دادند و از تجدید صنایع کسبی و دایر داشتن آن سخن گفتند و ضمناً امتحانی هم از درسهای شاگردان و اعمال ایشان کردند و با اطمینان تمام مجلس منقضی شد و شرح امتحان را بعد خواهیم نوشت

(بارفروش)

یکی از دوستان و هواخواهان ادارهٔ تربیت جناب رفعت نصاب آقا محمد حسن تاجر باد کوبه مقیم بارفروش دام مجده العالی میباشد معنی آباد آزادیهای صحیح طالب ترقی و آبادی و فی الحقیقه مردی وطن پرست است درین هفته در مراسلهٔ خصوصی و معمولی بدون اینکه قصد وقایع نگاری داشته باشد نوشته بود (قبول کردن نواب اشرف والا شاهزاده عظام السلطنه دام اقباله العالی حکومت بارفروش را برای اهل این ناحیه بشارت و مژدهٔ بزرگی است زیرا که این حکمران بافروشان در کارهای خوب سعی بلیغ دارد و از جمله دو روز است بنای تنظیف شهر را گذاشته اند و خاکروبه ها که اقلاً هفتاد سال است در کوچه ها و محله ها و قبرستانها جمع شده بتعجیل تمام برمیدارند بسیار است و غله و حبوبات در آن بطور وفور عمل می آید و بفرنگستان حمل میشود چنانکه بازار زراعتاروپا را کساد نموده و اهالی این اقلیم ازین بهگذر قدری مکدر میباشند هرچند در اوقات تنگی این مطلب برای ایشان افادهٔ کلی است گذشته از غله و حبوبات خاک آتازونی پنبهٔ وافر هم عمل آورده کارخانه های فرنگ را ازین جهت دایر دارد دیگر از زراعتهای امریکا توتون است و اقلیم جدید از جنگلهای وسیع هم منافع گزاف و فایدهٔ کلی میبرد مختصر در آتازونی برعکس اروپا آدم برای کسب منفعت از خاک کم باشد چنانکه در ممالک ما هم بیک اندازه همین حالت را مشاهده مینمایند بعلاوه آدمهای ما هنوز کار آدمیکنند و غالباً کارسازی آنها همان کارسازی جماد است جز اینکه جماد محتاج نیست و احتیاج ما روز بروز زیاد میشود باری صنعت و تجارت آتازونی هم همین حال را دارد

روز پیش تجار را برای روشن کردن اسواق و معابر خواسته بودند دیشب در بعضی کوچه ها چراغ دیوار کوب دیدم از قرار مذکور عنقریب تمام شهر روشن و بمساعی حکمران کافی این مرز آباد خواهد شد تاکنون بحضور مبارک شاهزاده مشرف نشده ام امید است همین دو روزه شرفیاب شوم و بترتیب کار مدرسه جدیدی پردازیم این چند ساله چون کسی را نمیدیدیم بخاموشی میگذرانیدیم حالا وقت است که دست بکار بزنیم از شما خواهشمندم در فکر معلمهای ابتدائی برای مدرسه باشید

(ترکیت)

چه خوب بود که ما از تکلیف وقت خبردار بودیم و وظیفه روز را ادا مینمودیم همه کار شاهزاده عظام السلطنه را میکردیم و از ننگ فارغ میشدیم نه آخر هر دوره اقتضائی دارد و هر وقتی تکلیفی روز سلخ رمضان روزه واجب است و روز غره شوال حرام و بعد مسافت درمیانه چند ساعت یا چند گام یعنی از شام تا بام بعبارة اخری نصف شبانه روز منتها بسنگ تمام والسلام والاکرام

(جنگ روس و ژاپن)

چندی امور منچوری و کار شرق اقصی از امور مسکوت عنه بود یعنی چیزی مذکور نمیشد و چنانکه در نمره قبل گفتیم معلوم نبود طرفین چه میکنند این دو سه روزه بعضی خبرها رسیده و دانستیم هر دو جانب تهیه کار و پیکار دیده و منعقد قتال و جدال شده اند و باز حمله و تعرض از طرف ژاپن است و جناحین و قلب آنها با جناحین و قلب روس مجاور شده ولی هنوز معین نگشته که طرح جنگ از چه قرار خواهد بود همینقدر میدانیم مجدداً جنگ بزرگی شروع شده و ژنرال لیینی ویچ سردار کل عساکر روس هم تدارک دفاع دیده و بعد ها از محاربه طفره نخواهد زد تا به بینیم ترتیب این جنگ چه خواهد بود و نتیجه چه خواهد شد

درین چند روز هر چه زد و خورد مابین فریقین شده جزئی بوده و اکثر لشگریان ژاپن پیش بوده اند و روسها را عقب زده چند روز قبل خبر دادند که روسها تهیه می بینند و میخواهند مریضخانه خود را از خارجین بیرون ببرند و در سیبری یعنی بادرای دریاچه بایکال حمل کنند چه خود مترقب اند و احتمال قوی میدهند که چند وقت دیگر مجبور بتخلیه خارجین شوند در هر صورت وقایع نگاران روسی اظهار داشتند و گفتند از آنسیما متدرجاً جلو میروند و طوری حرکات خود را پنهان میدارند که سوارهای روسی نمیتوانند پی بحقیقت ببرند

نیز مذکور شد که روسها از تمام عمال تجارتی اهالی خارجه که در ولادیوستک بودند خواهش نمودند که از آنجا خارج شوند چنانکه قبل از محصور شدن پورت آرتور هم این کار را کردند

وقایع نگار روتر از تیلینگ مینویسد از آنسیما راه آهن منچوری را تا تیلینگ کاملاً اصلاح و مرمت کرده اند و دالگنهای ایشان آذوقه و ذخیره از طرف جنوب بآنجا میرساند و اکنون مشغول ساختن راههای شمال و اصلاح پلهای خراب شده هستند و احتمال میرود یکی از علتهای شروع جنگ همین مسئله اتمام راه آهن باشد

اما حفاین بالتیک روس هنوز در حالت معطله میباشد و در سواحل هندوچین و متصرفات فرانسه از بندر بآن بندر میروند و از حدود نقاط بیطرف خارج

خاک پرتغال دارای جمیع محصولات طبیعی میباشد و گذشته از نعمتهای روی زمین از اندوخته های طبیعت در زیر زمین میتوان گفت گنجهای شایگان دارد و معادن زغال سنگ و آهن آن بقدری وافر و زیاد که اسباب نگرانی خاطر انگلیس است با آنکه معادن آهن و زغال سنگ انگلیس هنوز بآن درجه وفور و زیادتی که برای سالهای دراز بریتانیای کبیر کفایت کند

معدن مس هم در امریکا بسیار است و معادن طلای کالیفرنی که یکی از ولایات آمریکا میباشد معروف آفاق است معادن نقره آن خاک هم بر احدی پوشیده و مجهول نیست و وجود همان معادن پول ما را اینقدر تنزل داده و بالتبعیه پول خارجه حکم پول سیاه پیدا کرده و روز جمعی را سیاه نموده

باری چون ممالک آمریکا معادن فراوان دارد صنایع فلزکاری آن مملکت پیشرفت کلی نموده و کارخانه های وسیع عظیم در آن اقلیم زیاد است و صاحبان نظر صورت

نمیشوند و معلوم نیست که در چه خیال هستند چه میخواهند بکنند و هر چه درباره آنها میگویند حدس و قیاس است و حاصل آنکه تاکنون اثری بر وجود این سفاین مترتب نشده جز اینکه اسباب اشکال و دردسری برای دولت فرانسه فراهم آورده و آنها را طرف ایراد و سرزنش کرده و در مخاطبات و مذاکرات بسیار بمیان آمده و روزنامه‌های ژاپن از فرانسه شکایت زیاد نموده و گفتند صریح بار و پس همراهی میکند و اگر چنین باشد ژاپن هم مجبور خواهد بود که پای انگلیس را بمیان آرد حتی روزنامه‌های انگلیس هم اظهار داشتند که هر چند حالا ما با دولت فرانسه دوست نیستیم و میل داریم بر روابط مودت ما بیفزاید معذلک این فقره سبب نمیشود که ما از همراهی فرانسه با روس چشم پوشیم و راه اغماض پویم زیرا که ما با ژاپن عهد اتحاد داریم و باید بوظیفه آن و شرایط دوستی عمل نمائیم و اگر ژاپن مداخله ما را درخواست کند در صورتی که همراهی فرانسه با روس ثابت شود البته از قبول مسئول ژاپن ناچار خواهیم بود

دولت فرانسه هم پیوسته در کار برائت ذمه از همراهی با سفاین روس است و بکارگذاران خویش سفارش میکند که شروط بی طرفی را منظور دارند اما نکته مطلب را باید دانست و آن این است که فرانسویها میگویند رعایت بیطرفی نزد ما کل دیگر است و پیش انگلیس و سایر دول بصورت دیگر و قانون ما و سایرین فرق دارد ما زغال خریدن و تهیه آذوقه کردن کشتی را جز نقض بیطرفی محسوب نمینمائیم و این مسامحه را منحصر بروس نمیکنیم اگر سفاین ژاپن هم بسنگاپور ما بیایند همین حال را خواهند داشت و قانون بی طرفی خود را در این موقع نمیتوانیم بهم بزنیم روسها هم میگویند اگر فرانسه در این موقع قواعد بی طرفی خویش را تغییر دهد با صریح خصومت نموده و باری گفتگوی این مطلب منحصر در کارات و عجب آنکه ایرال رژدستونسکی صاحب اختیار سفاین روس اظهار داشته که من آنچه صلاح و مصلحت کشتیهای خود را در آن میدانم مجری میدارم و قیدی بشرایط بیطرفی دول نمیبندم و هر چه دولتین فرانسه و روس در این باب فرمان میدهند نمیخوانم و نمیپذیرم و این کار تازه است خبر داده اند که امیرال رژدستونسکی بتلاطم رضی اندرونی شده و قوای اعصاب و ضعف دماغ عارض او گشته و قصد شارایه این است که سفاین محکومه خود را بولادیوستک برساند و استعفا کرده بروسیه مراجعت نماید

فرماندهی قوای بحریه روس در شرق اقصی با میرال رژدسی موسوم بریلیف تفویض شده و او با علیحضرت امپراطور روس ملاقات مینماید و عازم شرق اقصی میشود بدسته چهارم سفاین بالتیک هم حکم شده که برای نیمه ماه ژوئن یعنی اوائل تابستان حاضر حرکت باشند

گویند شارژدافر روس دولت چین اظهار کرده که اگر ژاپن خیال دارد امپراطور کره را به توکیو برد این کار مخالف با معاهدات است علیحضرت امپراطور المان در موقعی نطقی نموده و فرموده است میترسم لامذهبی داخل آلمان شده باشد امیدوارم چنین نباشد و المانها گرفتار قهر خداوند نشوند چنانکه روسها شده اند و بدست پرتشنها افتاده و این قوم یعنی پرتشنها برای روسها حکم ناپلیون و آتیلا را پیدا کرده و بلای آسمانی گشته اند (آتیلا در تاریخ فرنگ حال چنگیز خان را دارد در نزد ما) واقعی حرفها و کارهای علیحضرت امپراطور المان همه غریب و عجیب است

شخصی که سابقا از جانب دولت روس در ژاپن سفیر بود و ما مور امریکا شده و چون مشار الیه دوست ژاپن است بعضی گمان میکنند ما مور شدن او با قسلیم جدید دلیل است که روسها میخواهند تهیه مصالحه نمایند

(اعلان)

یک قطعه باغچه شجر در قرب دروازه جدید قزوین روبروی مستغلات جناب حاجی ملک التجار از دو طرف روبخیابان که بر حسب مساحت ششهزار و کسری میشود متعلق بجناب مستطاب اجل آقای میرزا حسن خان

حال مملکت و کشور را مجسم و مصور کرده و گفته اند (شهرهای امریکا مثل کارخانه میباشد و کارخانه‌های آن مانند شهرهاست) مخصوصا مردم امریکا جسارت و جلادت غریبی در کارها دارند و هر چه میکنند عالی و خطیرات و اعمالی که امریکائی بی هیچ اندیشه و باکی بدان اقدام مینماید از روپائی شاید بنظر روشان آن جرأت و جسارت نیاید و در هر حال اطوار و کردار امریکائی اسباب شگفتی و تعجب اروپائیان است در عمل تجارت نیز مردم دنیای جدید برسکنه قطار قدیم تفوق و برتری دارند و داد و ستد و معاملات آنسر زمین فوق العاده بسط پیدا کرده چنانکه شهر یورک که اهم بلاد آن ممالک محسوب میشود اکنون در تجارت بالندن و پاریس رقابت و همچشمی میکند و بعضی پیش بینی نموده و گویند عنقریب یورک از پاریس و لندن میگذرد بلکه جمعیت آن نیز بیشتر میشود زیرا که امروز قریب چهار کرور سکنه دارد و این شماره با سرعت تمام رو بتزاید است گذشته از یورک شهرهای تجارتی معتبر دیگر نیز در اقلیم وسعت دارد از آنجمله شهر فیلادلفی میباشد با دو کرور جمعیت و شهر شیکاگو که قاطنین آن از دو کرور متجاوز است و این شهر شیر یازده سال قبل که از پس سنه چهارصد م کشف امریکا بود اکسپوزیسیون عمومی عظیمی یادگار کریستف کلمب کاشف مشهور ینگی دنیا دایر کرد و شهر سن لوئی هم حال گذشته

پسر مرحوم خلد مکان میرزا عباس خان قوام الدوله است بقیمت اهل خبره فروخته میشود هر کس طالب است در محلهٔ جناب جلالتمآب حاجی میرزا علی خان دکتر نظام الحکما که در نزدیکی همان خیابان باغچه است تشریف برده ملی گفتگو نمایند

(ایضاً اعلان)

کتاب شیمی آلی که از مواد مستخرجه از نباتات و حیوانات گفتگو میکند و از تألیفات جناب فاضل مقطب میرزا محمود خان ولد مرحوم میرزا کاظم خان محلاتی معلم علم شیمی وغیره میباشد این اوقات بخطی خوش و کاغذی مرغوب بجلیهٔ طبع محلی گشته و باعلی درجه فایده میباشد در دوم محل بفروش میرسد یکی در سر چهار راه مریضخانه در دواخانهٔ مقرب الخاقان میرزا رضا خان دواساز دیگر در قرائت خانهٔ مظفری در خیابان باصریه قیمت دو ریال

(اعلانات دواخانهٔ مسیو مولیون)

یکی از دواهای بسیار خوب کرم سیمون است و آن مفتاح قشنگی و زیبائی میباشد برای نگاهداری و محافظت جلد یعنی پوست بدن بی نظیر و در نرم کردن و سفید و براق و مخملی نمودن پوست صورت و دست مثل ندارد

تمام زنان تمیز که مقید بظرافت و پاکیزگی میباشند آن را استعمال میکنند کرم سیمون طراوت و جلای رنگ را نیز حفظ میکند و رفع حمره و شقاق و ترکیدگی دست را مینماید همچنین کرم سیمون بجهت تف و تاب آفتاب خوردگی بسیار مفید است

پودر دوری کرم سیمون گردی است بدون میموت بسیار نرم و چسبان و غیر مرئی

گرد سیمون گلی است بدون میموت زیاد معطر و خوشبو و نتایج مفیده کرم سیمون را کامل میکند

صابون کرم سیمون بسیار تمیز و بی نظیر است پوست را سفید و نرم و براق میکند

ایضاً این صابون برای زینت و آرایش اطفال بسیار تجویز شده است

تنیک مقوی دکتر دشام با کلا و پوست گنه گنه و ککا و گلیسر و فسفات دوفر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً بیکصد سال رسد قبل از نهار و شام یک گیلاس کوچک از این دوا میخورند نسخهٔ این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطبا دنیا تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عالمهٔ پوست گنه گنه و کلا و برگ ککا و گلیسر و فسفات دوفر را در بر دارد و در دوی هم رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است این مواد عالمه که اثر هر یک را جمیع اطبا تصدیق کرده با کمال دقت ساخته میشود و مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و باشخاصی که مبتلا بضعف پیری میباشند یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام و بدنیه آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتواند بخرد و صرف کند

قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری آن تومان و محل فروش در طهران منحصر است بدواخانهٔ مسیو مولیون در خیابان لاله زار

اسپور سیمون عمومی داشته و اینها از ترقی صنایع و رواج بازار کسب و تجارت حکایت میکند

ممالک اتازونی قریب بیست و چهار هزار فروند کشتی تجارتی دارد و مبلغ معاملات سالیانه اش تقریباً معادل چهار هزار و پانصد کرور تومان پول میشود و باقی حال امریکا را از نیز میتوان قیاس نمود و دانست کار از چه قرار است اما آن اقلیم عجایب قطعاً بقدر مادعی دانش و نجابت و تشخص نیستند اما فی الجمله از ما کاردان و کارکن تر میباشند و فرصت و مجال ندارند که بازار و اصرار و تهت و اذیت یکدیگر برداشته و تماشاخی بخواهد بار و برگردد و آن را باد با پس و تبر فتنه و فساد بیندازند و بدون دغلهای غیر مشروع و دزدی و گدائی و تقلب از کل ممالک دنیای قدیم مالدار تر و در استان تمول مردم اتازونی را همه کس حتی گربا شنیده و حکایتها و روایتها در این موضوع و مطلب عمده معروف است

بقیه در نمرهٔ آتیه انشاء الله

هُوَ المُعِین

روزنامهٔ آزاد هفتگی

تربیت

صاحب امتیاز ذکاء الملک مُدیر مدرسهٔ سیاسی

پنجشنبه چهارم شهر ربیع الثانی سنهٔ ۱۳۲۳ هجری — هشتم ژوئن ماه فرنگی سنهٔ ۱۹۰۵ میلادی

قیمت تک نمره همه جا ده شاهی است — نمرهٔ سیصد و شصت و چهارم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله هیجده هزار دینار — در تمام روسیه چهار مناط — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دار الخلافهٔ طهران طبع میشود جریدهٔ علمی و ادبی و سیاسی

سال هشتم

قیمت اعلان سطری یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

(خسارت جنگ روس و ژاپن)

مشغول تحقیق ثروت ایران بودیم و بزبان بازاری گفتگوی علمی مینمودیم و در آنخیال که تا این مطلب تمام نشود دست بکار دیگر نزنیم و راهی غیر از طریق مزبور نرویم لکن درین هفته بزرگی همام و امیری با احتشام که فی الحقیقه ذوالریاستین است و حاوی مرتبتین سؤالی فرمود بلکه امر نمود که خسارت جنگ شرق اقصی را از اول کار تا امروز بنویسیم مگر نکته سنجان جهان واقف رازهای نهان شوند بیان واقع را بدانند و بحدس و قیاس بی اصل گوش دل ندهند چون استشمال آن مثال عالی و اطاعت حکم مطاع را واجب میدانم این نمره را جملهٔ معترضه قرار داده بجواب سؤال مستطاب میپردازیم و در شمارهٔ بعد مجدداً سر رشتهٔ صحبت را بدست آورده از وسیلهٔ تولید ثروت که سرمایه باشد گفتگو میکنیم

آمر معظم یعنی صاحب سؤال ادام الله اجلاله خود میفرمایند نمیدانم احدی سر از کار ژاپنیها درمی آورد حتی انگلیسها که دوست متحد آن دولت اند اما شما خسارت را از دست داده و روسها را اگر از روی روزنامه های معتبر فرنگ معین و معلوم نموده اید بنویسید همان مقیاس خواهد بود و تلفات و ضررهای ژاپن را هم تخمین تحدید مینمایم برای آن بشما زحمت میدهم که قید و سودای آن جناب را بصحت میدانم و میخواهم حقیقت را بدون اغراق که اسباب اعجاب عوام است بدانم و گرنه ممکن بود بجاهای دیگر رجوع کنم و بر مشاغل کشیرهٔ شما چیزی نیفزایم و اینکه خواهش کردم در روزنامه درج نمائید برای آن است که از روی وجدان میل همه کس را بحل این مسئله استنباط میکنم شما که زحمت جواب مخلص را میکشید در روزنامه باشد که فیض شامل حال دور و نزدیک گردد از آن گناه که نفعی رسد بغیر چه باک یعنی گناه من و الا شما با اینهمه درد سر و مرارتی که متحمل میشوید گنهکار نیستید

والسلام انتهی

خسارت روسها در چهارده ماه مدت جنگ یعنی تا آخر ماه فوریه (بیست و نه بعید نور روز مانده) که از آن وقت دیگر زد و خورد مهمی نشده از قرار ذیل است

باید دانست که جنگ شروع میشود بخسارتهای جزئی و هر چه پیش میرود کار ضرر و تلفات بالا گیرد زیرا که محاربات شدت و غلظت پیدا میکند چنانکه

(متمم شرح حال واشینگتن)

از جمله هوشها که مردم آتازونی بخرج دادند این است که خیلی زود ملتفت فواید و مزایای راه آهن شدند و فوراً بکشیدن و ساختن آن پرداختند و در این کار هم همان جرأت و جلادتی را که در سایر اعمال دارند بکار بستند نه از کوه و رود خانه اندیشه کردند نه از دره و ماهور نه از خطرات و صدمات نوظهور چنانکه حالا سیصد هزار کیلومتر راه آهن دارند (سیصد هزار کیلومتر همانا دو پنجهزار فرسخ جغرافیائی میشود و تقریباً چهل و سه هزار فرسخ متعارفی و اگر ما ملتفت باشیم که از کنار دریای خزر تا ساحل خلیج فارس کمتر از دویست فرسخ است میدانیم چهل و سه هزار فرسخ راه آهن حکایت دارد) اهم راههای آهن آتازونی آن خطی است که از سان فرانسسکو به نیویورک کشیده اند و از چشمهای بسیار وسیع و کوههای عظیم میگذرد و سواحل اقیانوس کبیر را بکناره های محیط اطلس وصل مینماید طول این خط راه چهار هزار

در جنگهای اول روس و ژاپن خسارت روسها از مجروح و مقتول دویست سیصد نفر بود در جنگ ناشه چوبهفتصد نفر رسید و در حرب سموچن هزار و نهصد نفر و در تورچن دو هزار و چهارصد نفر و در معارکه کوهستانی دو هزار و ششصد نفر و در پیکار وافانگو چهار هزار نفر و در قتال هایچانگ که در واقع اول وقعهٔ بزرگ این محاربه میباشد پانزده هزار نفر مقتول و مجروح و در لیاتویانگ که نیز از حربهای معتبر بود بیست و پنجهزار نفر و در جنگ شاهو چهل و پنجهزار نفر و در جدال موکدن که اعظم محاربات دنیا محسوب میگردد صد و هجده هزار مجروح و مقتول و اسیر صد و هفتاد و پنجهزار نفر و این جمله را چون با تلفات کیسنجو و پرت آرتور جمع کنیم و شمارهٔ لشکریان را که بواسطهٔ ناخوشی از قشون روس کاسته شده و عدهٔ آنها هر ماه تقریباً بهفت هزار نفر میرسد بر آن بیفزائیم مجموع چهارصد و سی و پنجهزار نفر میشود بعبارهٔ اخری میتوانیم بگوئیم در جنگ شرق اقصی اتلاف نفوس روسی زیاده از چهارصد و پنجاه هزار نفر بوده زیرا که بعد از جنگ موکدن عدد مجروحین بآن درجه رسید که در مریضخانهای موکدن اطبا و پرستاران نمیتوانستند بحال آنها رسیدگی کنند و تقریباً هفتهٔ پنجهزار نفر از ایشان براه عدم میرفتند این بود خسارت جانی روسها در جنگ شرق اقصی و یقین است که ژاپنیها هم قریب بهمین شماره تلفات داشته چه اگر در بعضی موارد اتلاف نفوس ژاپنی کمتر بود در محاصرهٔ پرت آرتور و مواقع مخصوص دیگر مقتول و مجروح بیشتر داشته اما خسارت مالی روسها در مدت مزبور

ضرر خطوط راه آهن پانصد و شش کرور مناط خارج حرارت و حفظ خط راه نود و دو کرور مناط خرابیها که بکشتیهای چینی وارد آورده اند صد و چهل کرور مناط خسارت ابنیهٔ شهر دالنی و بندر آن چهل کرور مناط ترتیبات بحریه که در منتهای خطوط راه داده بود نود و دو کرور مناط مخارج پرت آرتور و قلاع و بندر و استحکامات و اشیائی که در آن بود و رها نموده اند هزار کرور مناط مخارج جنگ و قرضهائی که از خارجه کرده اند هزار و صد و چهل کرور مناط آسناد دولتی که بمردم داده اند سیصد کرور مناط قیمت هزار و چهارصد و هشتاد عراده توپ که از دست رفته بیست کرور مناط سفاین تجارتی که گرفتار شده بیست کرور مناط کشتیهای جنگی که تلف شده سیصد و بیست کرور مناط قرض داخلی آخری چهارصد کرور مناط جمع کل چهار هزار کرور مناط که زیاده از دو هزار و هفتصد کرور تومان پول ما میشود

این حسابی است که روزنامه های معتبر فرانسه بدست داده اتفاقاً مجلهٔ غرای الهلال از مجلات نامی مصر نیز در شمارهٔ هفتم از سال سیزدهم مقاله درین موضوع نوشته که ترجمهٔ بعضی از فقرات آن بدین و با منظورات فوق مناسبت دارد از جمله میگوید

جنگ روس و ژاپن بزرگترین محاربه ایست که در دنیا شده و شاید اعظم محاربانی باشد که در این اواخر دول و ملل متمدنه کرده باشند هیچ زد و خوردی اینقدر مقتول و مجروح نداشته و خرج و خسارت آن باین مبلغ و مقدار نرسیده (پس از این گفته حساب اتلاف نفوس و زخمی و بیمار و شمارهٔ سفاین جنگی زره پوش و غیر زره پوش شکسته و غرق شده و اندازه و عدد توپ و اسلحه و توپخانه که روس در این وقعه از دست

دهشتصد کیلومتر میباشد و آن تقریباً هفتصد فرسخ متعارفی است و بواسطهٔ ساختن این راه آهن شش ماه مسافت با کمال عسرت و زحمت مبدل بیک هفته سفری شده و بمنتها درجهٔ سهولت و راحت یعنی در ظرف شصت و نه ساعت و نیم و هفتصد فرسنگ راه بتفنن و تفریح طی میکنند نه خسته میشوند نه ملول میگردند پیش از آنکه راه آهن سیبری ساخته شود این راه اطول و اهم خطوط راههای آهنی بود راه افتادن و دایر شدن خط راه سیبری آن خط را از جلوه انداخت تا اینکه راه آهن امریکا اسباب آبادی آن مملکت و ثروت و احیای اقلیم جدید شد و راه آهن سیبری علی العجاله باعث خرابی و پریشانی و خونریزی و اتلاف نفوس کثیره و تضییع اموال خطیره و غم و اندوه صاحبان حس و عقلای نیکخواه دنیاست خلاصه سایر امور اتازونی هم از پست و تلگراف و غیرها بهمین تناسب و نسبت میباشد

امریکائیها با آنکه کمال قید را بامور مادی و مکنت و ثروت دارند و در آن باب باعلی درجه اهتمام و مراقبت مینمایند از اهمیت اعمال معنوی نیز غافل نیستند

داده و عدهٔ اُسرا و غیره را بدست میدهد تا تعیین مخارج جنگ و پولی که طرفین درین راه بمصرف رسانده و قیمت چیزهای تلف شده و ما را بدان حاجتی نیست یعنی اگر بذکر آنچه پرداخته ایم بتکرار مطلب پرداخته ایم و بعد ازین تفصیل میگوید) اینهمه خسارت و ضرر وارد آمده و حالا اول جنگ است و بنا بر قانون کلی رُوز بروز مخارج قتال و جدال زیاد میشود و خدا میداند که بکجا منتهی میگردد

عمدهٔ مسئله این است که نگارندهٔ دانای مجلهٔ غرّای الهلال در ختم مقالهٔ خود مطلبی اظهار میکند که عین عبارت آن این است میفرماید (فما قولک فی حرب الروس و الیابان و الدولتان تتفانیان فی طلب النصر و تبذلان المال و الرجال بلا شفقة و لا حنان طمعا فی و هم باطل لا یستند جوعا و لا یروی عطشا فکم تیتم من الاطفال و ترمل من النساء فنفقت الدمار و غودرت جثث القتلی علی الصعید فشبعت الکواسر من لحوم الرجال و بات اهلهم و اولادهم یتضورون جوعا و یندبون بؤس الیتم و الثکل و معذلک فانا نفاخر الامم الغابرة بتمدننا و بؤس التمدن) و ترجمهٔ این چند سطر برای آنهاکه مختصر سواد عربی دارند مشکل نیست و ضرورتی ندارد که من بنده بخود زحمت دهم و انگاهم خاصه در دنیائی که اهل آن با حرف صحیح هنوز آشنائی پیدا نکرده و رُوز و شب کوشش میکنند که آفتاب را با گِل بپوشانند و از مثلهای آنها این است که آلحق مُرّ

(درخواست انصاف از ملل متمدنه)

ادارهٔ بین المللی صلح در شهر برن کرسی سویس بتاریخ دهم ماه آوریل (چهارم صفر) رسالهٔ طبع و منتشر نموده در آن اوراق میفرماید

جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان دانش (ارفع الدوله) که باستحقاق ملقب بپرنس صلح گشته مقاله از رُوی تأثر و تحسر باین اوراق نوشته تا آن را بامل خاطر در رسالهٔ خود درج میفرمائیم و از عموم ارباب جراید خواهش میکنیم آن مسطورات رقت انگیز را در رُوزنامه های خویش نگاشته باطراف عالم منتشر سازند مگر اهل خیر را بخیال اندازند و صورت مقالهٔ مزبوره این است

(دعوت ملل متمدنه برحم و مروت)

هلاک نوع بشر در شرق اقصی بواسطهٔ طول مدت جنگ جانسوز از حد گذشته یا بچند صد هزار رسیده و کیست که عدهٔ زنان بیوه شده و مادران داغ دیده و اطفال یتیم گشته این وقعه را که امروز بماتم داری و سوگواری و درد بیدرمان بصاحبی و بیسالاری گرفتار نمود تعیین کند ؟ کو آنکه آن خرابه های رُوی هم ریخته و مال و مکنتهای بباد رفته را بنظر آرد و منافع عمومی ملل را که کینهٔ بی سبب و جهت اهم باهم نیست و نابود نموده بچیزی شمارد ؟ آه ازین دنیای متمدن و اهالی آن که بمشاهدهٔ این همه بیرحمی و هوسهای سرکش میگذرانند مثل آن زمانها که مردم بجز از تماشای خونریزی پهلوانان تر و ماغ میشدند و در میدان نبرد و خورد آنها را تحسین میکردند آه ازین قوم که جریده و اوراق ممالک و اقطار دور و نزدیک را میخوانند و از وقایع حزن انگیز عالم بهیجان آمده شاد میشوند و بر سر فتح و شکست این طرف و آن طرف حرفها میزنند مثل اینکه در میدان مسابقه شرط بندی میکنند آیا دلی نیست که بحال اینهمه مصیبت زده بسوزد یا اقلا ترحم نماید ؟ آیا چشمی نیست که از دیدن چند کرور مجلس عزا

دمیدانند کلید گنج سعادت و اسباب حصول ثروت و مکنت دانائی و علم است لهذا درین کار هم حد توجه را بکار میبرند و هیچگونه اهمال و کوتاهی را جایز نمیشمارند چنانکه بیست سال قبل (بموجب اخبار و اسناد صحیحه) زیاده از سیصد و پنجاه مدرسهٔ دارالعلم عمومی در اتازونی بود و قریب پنجهزار نفر معلم و هفتاد هزار و پانصد نفر متعلم در آن مدارس مشغول تعلیم و تعلم بودند علاوه برین پنجاه مدرسهٔ علم حقوق داشت با یصد و ده نفر معلم و متجاوز از سه هزار متعلم و صد و هشتاد مدرسهٔ طبی با سه هزار نفر معلم و شانزده هزار متعلم و صد و پنجاه مدرسهٔ حکمت الهی و فقه با هشتصد و شصت نفر معلم و شش هزار و پانصد شاگرد و اینها مدارس عالیه و متوسطه بود اما مدارس و مکاتب ابتدائی حد و حصر نداشت و بحساب و شمار در نمی آمد و همانوقت قریب بیست و چهار کرور طفل در آن مکاتب و مدارس درس میخواندند و کلیهٔ مخارجی که دولت برای مدارس و کار تحصیل علم میکرد در سال زیاده از چهار صد کرور تومان پول حالیهٔ ما میشد و زیادهٔ از نصف مبلغ مزبور مواجب معلمین بود و این شرح چنانکه

مژهٔ ترکند و اشکی بریزد ؟ کو آن فریادها که باید از بیداد این بشر
خود سر از زمین بآسمان رسد ؟ کو آن جماعتی که از این جنایات منافی
با عالم انسانیت بتظلم و شکایت دم زنند و چیزی بر زبان آرند در
اوقات صلح چون انسان دوستهای حقیقی سعی در برانداختن جنگ میکنند
مردم اظهار خوشوقتی مینمایند اما بمحض آنکه نزاع در گرفت ورق برمیگردد
و موم آهن میشود در روزنامه‌ها جز شمار کشتگان و اسیران غالبی
و مغلوبی این و آن خبری نیست و همواره از نتایج پیشرفت کار طرفین پس
افتادن همان حکایت است پس کی انجمنهای صلح بین‌المللی و حکمیت
و اتحاد مبنی بر مسالمت و خطابه‌های بلیغ مبعوثین دول ایراخوت اثر خود را ظاهر
میسازد و این موم ناپسند را برمی‌اندازد

طبیعی است که مردم چون در راهی دو نفر را دست و گریبان و گرم
نزاع دیدند خود را در میان اندازند و آنها را جدا کنند اما وقتی دو ملت
با عظمت باهم درآویختند و خون هم را ریختند ایشان را بحال خود میگذارند
تا آنقدر راه خصومت و قتال روند که مشرف بر فنا و زوال شوند و از ضعف
و استیصال آن دو دیگران بهره برند و مستفیض گردند

واقعی شفقت و مهر عالمیان کجا رفت که نام و نشانی از آن نمی‌بینیم و طبیعت
مایل بعطفت و رأفت چه شد که سر و صدای او را نمیشنویم ؟ بلی این قوهٔ
شریفه و جبلّهٔ کریمه را میتوان بساعتی بلطایف الحیل خوابانید و بیخبر گذاشت
اما چیزی نمیگذرد که بیدار میشود و بر سر کار می‌آید با انجام و اجرای تکالیف
عدلیهٔ خویش میپردازد و این هواهای خارج از حد اعتدال را که با طبیعت
ضدیت دارد از سر هامی اندازد و گویا وقت این تفضل رسیده و گاه
بجائی که نباید بکشد کشیده کاش تمام مردم با آن صدای آسمانی
هم آواز میشدند و جرائد ممالک متمدنه نیز صدای همدستی میگشتند و
برای عالی‌ترین مقاصد عالم انسانیت که اخوت نوع بشر است کاری
میکردند مقالات مهیج مؤثر مینوشتند با دای سخنهای کارگر پیرداختند
و در پشت و روی کرهٔ ارض یکدل و یکزبان بانگ برآورده رودبدو تلین
متخاصمین کره میگفتند

سیل خون از سر کوهها گذشت بس است خونریزی

قطع نسل انسان نزدیک شد بس است آدم کشی

نیز سایر ملل را برآن میداشتند که برای دفع این ناهنجاری اتفاق
و اتحادی مقدس دایر نمایند مگر از عهدهٔ انجام این مرام خطیر برآیند
بجای آنکه در کتب درس نورسیدگان و جوانان از بهادری دلاوران در هنه
کشتار تمجید نمایند و آنرا در نده خوئی سربازان و بی قیدی آنها بحیات بخن
سرایند و از کشتن لشکریان یکدیگر را بدون جهت و سبب تعریف کنند
و در عوض مدح و ثنای کشورگشایان فاتح و سرداران بزرگ و وصف تکمیل
آلات و ادوات قتاله که مقراض رشتهٔ عمر و طلای جان ابنای زمان است
کاش جراید و مجلات مأمور روشن کردن اذهان و ترقی دادن افکار قدری
از بی رحمی و وحشیگری قرون سالفه یعنی زمانهای گذشته مذمت و تقبیح
مینمودند و زشتی آن حرکات را درست محسوس میکردند

بدیهی است که نزاع دو قوم جنگجو را نمیتوان بزور رفع نمود و هیچیک از
طرفین تواما نیز بحریف زورمند خود اظهار صلح و میل قلبی خویش را نمینماید
و بروز این مطلب را که شاید در باطن خواهان باشد کسر شان میداند

اشاره کردیم راجع بحال بیست سال قبل مملکت آتازونی است و این کار و تمام کارها در آن اقلیم روز بروز رو بفزونی میرود و فی الحقیقه اهل آن سرزمین معنی
(مَن ساوی یوماه فهو مغبون) را درست فهمیده اند و میدانند که تجربهٔ امروز باید بکار فردا بخورد و سبب بهبودی شود والا عمر امروز بیهوده تلف شده
و بنابرین عقیده و بصیرت هر سال ترقیات عظیمه در آتازونی حاصل میشود و بایجهت است که مردم امریکا با وجود اینکه کثیر اهل تجارت و زراعت اند بتحصیل مال
و ثروت زیاده از حد معتقد میباشند در عالم علم هم بمقامی عالی رسیده و فضلای معتبر میان آنها پیدا شده و اختراعات و اکتشافات عمده از آن ناحیه بروز و ظهور
جسته چنانکه ادعا دارند اهالی امریکا در آلات و اسباب الکتریکی و غیر آن از قبیل تلگراف و چراغ برق و بسیاری از چیزهای دیگر بر صاحبان آگاهی و خبره پوشیده
و مجهول نیست بلکه بر همه کس معلوم است

و هریک از طرفین هم البته برای این زد و خورد وحشتناک دارای وسایل و استعداد و اسباب کار ند و میتوانند چند سال راه جدال و قتال را امتداد دهند و چه غم دارند که هر یک هزار یا خانه خراب میشود و مرزهای آباد زیر و رو و پامال میگردد

از اصول قوانین انجمن لاهه یکی این است که بدون رضای جانبین احدی حق مداخله در کار دولتین متخاصمین ندارد و دولی که قرارداد حکمیت آن انجمن را امضا کرده استقلال خود را از نیز و حفظ مینمایند اما قوهٔ قاهره هست که بر تمام قوای اقویای عالم غلبه دارد و میچیک از آن رای عمومی کل سکنهٔ روی زمین میباشد که اگر جداً بخواهد حکم حکم اوست و بر تمام ملل و دول بقدرت معنوی غالب شود و هیچ قوه نیست که بتواند با آن قدرت مقاومت کند و اگر جرأت آزاد ممالک و بلاد که از قیود بمعنی فارغ گشته در بند آنند که بجمع انسانیت خدمت نمایند واسطه و وسیلهٔ رساندن این صدا با قصای عالم نشوند و اولاد آدم را باین فتح و فیروزی فایز نکنند دیگر کیست که بداد بندگان خدا برسد آین ندائی است از اعماق مشرق و امید که هم آواز ما پیدا کنند و آنها آن را در اقالیم خمسهٔ ربع مسکون که مسکن فرزندان یک پدر یعنی آدم علیه السلام است منتشر سازند والسلام

پرنس میرزا رضا خان دانش نمایندهٔ اول دولت علیهٔ ایران
در کنفرانس صلح لاهه اسلامبول ۲۹ مارس سنه ۱۹۰۵

روزنامهٔ لوانت هرالد از جریدهٔ که در اسلامبول بزبان فرانسه طبع میشود بتاریخ ۲۲ آوریل ۱۹۰۵ (شانزدهم صفر سنه ۱۳۲۳) مینویسد

مسیو دوکمون مدیر کل ادارهٔ صلح عمومی بین الملل برن پایتخت سویس بسفیر کبیر دولت علیهٔ ایران در اسلامبول یعنی جناب اشرف پرنس میرزا رضا خان نوشته که خطابهٔ جناب معظم را در باب رفع محاربه شرق اقصی بعموم ملل متمدنه نگاشته و از طرف ادارهٔ مزبور برای چهارصد روزنامه از جریدهٔ معتبر ممالک مختلفه فرستاده و خواهش کرده که در صحایف خود درج نمایند علاوه برین همان ادارهٔ دو هزار و پنجاه نسخه از خطابهٔ مذکور با نجمنها و اشخاص هوا خواه صلح دنیا ارسال تقدیم کرده است

(اخطار)

نواب اشرف والا عبد الله میرزا عکاس مخصوص دام اجلاله که فنون عکاسی را در ایران و فرنگ بدرجهٔ کمال رسانیده خیال کرده اند برای استحضار طالبان نمونهٔ از کارهای مفید عالی خود بتوسط روزنامهٔ برمیت منتشر سازند و عنقریب این کار را خواهند کرد عجالةً تمهید مقدمه را بانگارش چند سطر ذیل پرداخته میفرمایند

یکی از اسباب ترقی مملکت چاپخانه است و مقصود از چاپخانه آنکه کتب علمی را بتوان مناسب و ارزان تمام کرد و بقیمت قلیل که برای اهل تحصیل آسان باشد فروخت و یکی از شعب چاپ که امروز در تمام روی زمین معمول شده چاپ حروف است ولی مقصود ما از چاپخانه که گفتیم اسباب ترقی مملکت میشود فقط چاپ حروف نیست بلکه تمام اعمال طبع را بنظر گرفته و این حرف را زده ایم و آن تقریباً بیست و پنج رشته است و بهترین آن اعمال امروز در ممالک متمدنه عمل حکاکی روی مس و باریز است همچنین روی چوب شمشاد وغیره و حکاکی روی سنگ پطری

دانشمندان قدر اعمال یدی را که کار استادهای بزرگ است و اثر

وارظلمهای شدید که تقریباً چهل سال قبل بهت و حس انسانیت و عدالت اهالی اتازونی رفع شد برده و غلام داری بود توضیح آنکه چون مردم فرنگ بامریکا مهاجرت کردند و اراضی مستعد فراوان آن اقلیم را دیدند بنای کشت و زرع را گذاشتند اما برای این عمل جمعیت خیلی کم بود مخصوصاً که خود اروپائیها هم مجبور استند براحت و آسایش گذرانند و کمتر متحمل زحمت و مشقت شوند پس از سیاهای افریقا بغلامی بامریکا بردند و چنانکه در اقطار شرقی معمول بود بنای خرید و فروش آنها را گذاشتند و زر خریدها را بکار واداشتند و بیشتر کار سیاهان همان زراعت و اعمال فلاحتی بود لکن انسان را مانند حیوان جزء اموال و مایملک خود حساب کردن و سلب اختیار از و نمودن و اصرار در بدرفتاری نسبت به بنی نوع خاطر صاحبان حس را خسته داشت و در میزان سلیقهٔ اهل انصاف درست در نمی آمد علی الخصوص در این سن دنیا که هنوز بحد رشد و تمیز نرسیده و فطرت بشر آنقدر پاکیزه و مهذب نشده که با زیردستان خود همیشه خوش رفتاری کند

قلم نقاشهای کامل و هر صفحهٔ چندین هزار تومان قیمت دارد میدانند و پرده های روغنی ساخته اساتید اول دنیا را نیک گرامی میدارند و در موزه ها و عمارات سلطنتی میگذارند اما بعد از اعمال یدی بهترین کار اعمال تقلید حکاکی بواسطهٔ عکاسی است و تمیز این عمل برای اشخاص عالم باین فن نیز خالی از اشکال نیست و این اعمال نیز چندین شعبه میباشد

و اینکه گفتم کتاب باید ارزان تمام شود باید دانست از اعمال سهل البیع عمل فوتوگلیپتگرافی است (چاپ روی سنگ بواسطهٔ عکاسی) و آنچه خطوط داشته باشد یعنی پردازنداشته باشد میتوان با این عمل چاپ نمود مخصوصا اگر کمتر از دو هزار نسخه بخواهند اما اگر عدد نسخه را زیاد و چندین هزار بخواهند یا آنکه بخواهند پس از مدتی مجددا چاپ کنند باید متوسل بعمل زنگ اگرافی شوند و آن حکاکی روی روی است که روح هم میگویند با عکاسی و اینهم شعبه ها دارد

پس از عمل خطوط که زنگ اگرافی و فوتوگلیپتگرافی باشد بهترین عملی که ابتدا بخیال المانیها آمد و بعد در سنگی دنیا بروز کرد عمل سیمیلی گراوور است که همان حکاکی بپرداز باشد و باز دارای چندین شعبه است و میتوان گفت تمام شعب آن در یک مملکت کامل نشده بلکه هر شعبه در مملکتی ترقی کرد و این عمل هم روی روح و هم روی پس میشود و روح را آب مس میدهند و گالوانیزه میکنند یعنی با قوهٔ الکتریک آب میدهند و این برای استحکام عمل است و میخواهند مثلا سیصد هزار نسخه چاپ کنند و اگر آب ندهند صفحه ضایع میشود پس عدد نسخه که زیاد شد لابد باید آب داده شود یا روی صفحه پس برگردد

خلاصه شرح اعمال چاپ مبسوط است و در اینجا مقصود کلی اعلان باشد در نمره های بعد بآن شرح میپردازیم اما عیب بزرگ کار ما این است که همشهریهای خود را هرقدر زحمت بکشند و تکمیل عمل پردازند قابل کار نمیدانیم (بجای اینکه تشویق و تائید نمائیم) مختصر در زیر سایهٔ اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ظل الله ارواحنا فداه فعلا شروع باعمال چاپ میکنیم و دست بکار میشویم تا بدانند میتوان قرآنهای خطی خط مشاهیر خوشنویسان را با عمل تجدید و احیا نمود و بر عدهٔ آن افزود و همه کس بتواند از این فیض عظیم مستفیض شود همچنین کتابها و قطعه های خط میر و درویش و غیرهما را و محض نمونه ، بر روی صفحه تمام شدهٔ عمل را مصحوب این جریده بنظر صاحبنظران میرسانیم انشاء الله تعالی

(جنگ روس و ژاپن)

خبر جنگ بزرگی که چند روز پیش رسید و در نمرهٔ قبل بدان اشاره کردیم دنباله پیدا نکرد و از آن ببعد هرچه واقع شده زد و خوردهای متفرقه بوده است چنانکه خبر دادند که در چهاردهم ربیع الاول حمله از عساکر روس را لشکریان ژاپن دفع نموده و روز پانزدهم هم زد و خوردی دو ساعتی واقع شده رو سها عقب نشسته و سیصد نفر از ایشان مقتول و مجروح گشته از آن طرف لیسنی ویچ خبر داده که در روز پانزدهم رو سها محلی را متصرف شده ژاپنیها را مجبور بتخلیه کار راه آهن و عقب نشینی بجانب جنوب کرده اند لکن مذکور شد که ژنرال رنکا مپف روسی در حملهٔ که با عساکر زیاد بمحلی از ژاپنیها نموده مغلوب شده و چند صد نفر بقتل رسیده اند مجددا ژنرال لیسنی ویچ خبر داد که یک دسته

وچون بر دیگری تسلط پیدا کرد او را غالبا آزار ننماید و آنچه دیده و شنیده ایم غلام و زر خرید را همواره گرفتار ظلم و ستم داشته اند و بمحنت و عذاب وقت گذاشته

والبته حال سکنهٔ امریکا نیز بر همین منوال بوده که قلبهای رقیق و حسهای لطیف را متأثر و متألم نموده رفته رفته بخیال افتادند که برفع این بی اعتدالی پردازند و این بدبختی را از سر قاطنین آن اقلیم بیندازند و تدبیری که برای اینکار کردند ابتدا این بود که بانواع و اقسام مختلف قباحت و شناعت غلام داری و برده فروشی را ظاهر ساختند رسائل و مقالات نوشتند بلکه قصص و حکایات ترتیب دادند تا بتدریج حسهای خفته بیدار شد و غافل بخود و هوشیار گشت و اکثر در دفع غایلهٔ بلیهٔ غلام داری و برده فروشی با ارباب مدارک عالیه و مشاعر صحیحه همرای و همخیال شدند و علاج واقعه را دامن همت بر کمر زدند

و در آمازونی امر غلام داری و برده فروشی بیشتر در ولایات جنوبی مملکت شیوع داشت زیرا که مردم آن حدود کهنه ملاک و زارع بودند و اغلب سکنهٔ ایالات

سواران ما در تاخت و تازی که در منصرفات ژاپنی نموده پیشرفت حاصل کرده و دو پستگاه ایشان را متفرق ساخته و راهها و تلگرافات را قطع نموده و دو دسته از لشکریان ژاپنی را معدوم و یکدسته را گرفتار کرده که مجموعا دویست و سی و چهار نفر از ایشان اسیر شده و دو عراده توپ میترایوز که در مدت کم شلیک زیاد میکند از ژاپنیها بدست ما افتاده و مختصر مفید این است که وقایع منچوری چندان اهمیت ندارد فقط چیزی که مهم است اگر صحت داشته باشد این است که راه آهن ولادیوستک را گفتند قطع شده و رابطهٔ آن قلعه از مابقی روسیه مقطوع گردیده

مطلب مهم خبر جنگ بحری است که هرچند شرح آن درست نرسیده ولی از همان که رسیده معلوم میشود واقعه عجیبی بوده و بعد ازین نباید در باب نتیجه و عاقبت جنگ شرق اقصی کسی را شک و تردیدی باشد چه حقیقت آشکار شده و تفصیل از این قرار است که امیرال رژدستونسکی چنانکه در نمرهٔ پیش گفتیم هرقدر خواست در سواحل هند و چین و بنادر فرانسه خود را معطل کرده و تهیه و اسباب کار خویش را فراهم آورد ضمنا دسته کشتی سیم روسی هم بفرماندهی امیرال نیوگاتف با و ملحق شد و سفاین مکمل گشته بطرف شمال حرکت کردند و البته عزم رسیدن بولادیوستک داشتند ولی از قرار معلوم امیرال توگو امیرالبحر ژاپنی که با سفاین خود مدتی ناپدید بود منتظر و در کمین ایشان نشسته و در بوغاز کره یعنی در تنگای واقع مابین این جزیره و جزیرهٔ کیوسیو از جزایر ژاپن بآنها رسیده و جنگ در گرفته و این جنگ دو روز یعنی شنبه و یکشنبه بیست و دویم و بیست و سیم ربیع الاول

در کار بوده است

سفاین رژدستونسکی در حوالی جزیرهٔ تسوشیما واقع در بوغاز کره دیده شدند که بطور دو ستون حرکت میکردند جهار زات زره پوش دست راست و سفاین مغلش دست چپ در حالی که مه دریا را گرفته فقط گاهگاه روشنی پیدا میشد و دریا منقلب بود باری تفصیل محاربه چنانکه گفتیم بدست نیامده همینقدر میدانیم که از توکیو خبر داده اند که دسته کشتی امیرال رژدستونسکی تقریبا معدوم شده باین معنی که وقایع نگار رویتر از توکیو چهار کشتی زره پوش و هفت سفینهٔ مغلش با دو کشتی دیگر را اسیم برده و میگوید از سفینها آنها را غرق کردند و چهار جهاز را هم گفته است دستگیر نموده اند تلگرافی هم از واشنگتن رسیده که یک کشتی زره پوش دیگر را هم دستگیر کردند و یک جهاز امیرالبحر را هم خرابی زیاد وارد آوردند امیرال توگو نیز خبر داده که سه کشتی مخرب دیگر را هم غرق کردیم و یک کشتی حمل و نقل و یک کشتی مخرب ترپیل نیز دستگیر نمودیم در صورتی که بسفاین ژاپنی خسارتی وارد نیامده از قرار مذکور امیرال نیوگاتف با سه هزار علهٔ بحری اسیر شده اما علی الظاهر امیرال رژدستونسکی فرار کرده و در سفینها در کار تعاقب او میباشند

باری باز ما باشی سفیر ژاپن در لندن بوقایع نگار رویتر از فتح امیرال توگو اظهار خوشوقتی نموده و یادآوری کرده که این واقعه در سال صدم جنگ ترافالگار واقع شده و محاربهٔ ترافالگار جنگی است که امیرال لرد نلسن امیرالبحر بزرگ انگلیس در آن واقعه سفاین جنگی ناپلیون کبیر را در ساحل اسپانیا مغلوب بلکه معدوم نمود باری باز باشی میگوید ژاپنیها دیگر تزلزلی ندارند و در باب سایر اعمال آسوده خاطرند

حالا باید دید روسها راضی بصلح میشوند یا باز ثبات قدم بخرج میدهند رویتر خبر داده که یک قایق که ظاهرا از ولادیوستک می آمده پر از صاحبمنصبان روسی بوده که گرفتار

شمالی بصنعت و تجارت زندگانی و معاش میکنند و چندان قید و بند یا احتیاجی بغلام داری نداشتند برعکس سکنهٔ جنوب را ملاحظهٔ صلاح و صرفه دنیا نمیگذاشت رعایت عالم انسانیت و حقانیت را نمایند و دست از غلام داری و برده فروشی که لازمهٔ آن است بکشند و این عمل شنیع قبیح را که مبنی بر بی اعتدالی فاحش و بی انصافی ظاهر است ترک کنند ولی ساکنین اقطار شمال چون این داعی را نداشتند و معایب و قبایح آن را بدرستی ملتفت نمیشدند پا را در یک کفش کرده سخت ایستادند و گفتند انسان هرجا و هرکس باشد انسان است و دارای حقوق مخصوص و یکی از آن حقوق حریت و آزادی بندگان خداست و زور و قوت آدم را ذی حق نمیکند که هرکس را ضعیف می بیند زیر بار کشد و تمام زحمات خود را بدوش او گذارد و کارهائی که پست میپندارد و شخصا از انجام آن ابا دارد بمسکین بیچاره رجوع و تحمیل کند و صدر راحت و نخوت را بخویش اختصاص دهد و در بقعهٔ ذلت و مذلت را بگرد نهای باریک نهد باری قبح و عیب غلام داری و برده فروشی را

راپنیا شده ازپس بطرزبورغ خبرداده اند که عنقریب درشمال شرقی سیبری قحطی درمیگیرد زیراکه بواسطه جنگ آذوقه بامین نواحی نرسیده بعضی سوانح دیگرهم هست که چون بالنسبه اهمیتی ندارد درنمره آتیه نوشته خواهد شد

(اخبار زمان)

رُوز نوزدهم ماه ربیع الاوّل بعد ازظهر حاکم بادکوبه را بایک نفرنایب و یکنفرتبعه حاجی درباد کوبه بواسطه یک نارنجک بقتل رسانده اند درسیدلس ازبلادلستان نیز رئیس پلیس بواسطه نارنجک سخت مجروح شد مابین یهودیهای ورشو نزاع واغتشاش درگرفته و مشارآن جمله یهودیهای سوسیالیست بخانه یهودیهای بدنام میباشد درین هجوم درو پنجره ها و خانه ها را خراب کرده و تیر و تبر وکارد و پیشتاب بکار برده اند هشت نفرمقتول و قریب صد نفر مجروح شد اجزای پلیس این سوانح را تماشا کرده و اقدامی ننموده اند درشهر لودز ازبلاد لهستان هم بیم وقوع امثال این وقایع هست و هرچند پلیس جمعیت را متفرق کرد باز اطمینان حاصل نیست ششهزار نفرلشکری داخل ورشو نموده اند

خبرداده اند که مقاتله ارامنه و مسلمانان در قفقاز تجدید شده است قاتل گراندوک سرژ را روز سیزدهم ماه قصاص کردند و او بالای دار اظهار داشت که الحمدلله میمیرم درحالتی که در سوسیالیست بودن خود صادق و پایدار میباشم اعلیحضرت امپراطور روس دستخطی صادر کرده برای اقداماتی که باید بجهت حفظ مملکت و بسط قوای نظامی دولت و یکپارچگی ادارات حربی و بحری بشود و هیئت مأموریتی برای وضع قانون انگلیس ریاست گراندوک نیکلا نیکلایویچ معین نموده اند

دولت انگلیس عهدنامه جدیدی با حضرت امیر افغانستان منعقد نموده که دارای سه فصل است

فصل اوّل لقب امیر معظم را ذکر میکند بعنوان (اعلیحضرت پادشاه مستقل و ولایات افغانستان و توابع آن)

فصل دویم امیر اظهار میکند که من موافق معاهدات حضرت والا امیر مرحوم با دولت انگلیس رفتار کرده ام و میکنم و خواهم کرد و در معاملات با سایر دول مخالف آن عهود عملی نخواهم کرد

فصل سیم امیر حالیه معاهداتی را که با امیر سابق شده تصدیق مینماید

تاتن باخ مأمور آلمانی با علیحضرت سلطان مراکش اظهار داشته که آلمانها حاضرند بمنفعتی قلیل بدون ضمانت بسلطان مراکش پول قرض دهند

(اعلان)

(ستافیلازدکتر دوائین)

محلول غلیظی ازمواد عالمه مخمرات آب جوانگور که درامراض ذیل بسیار مفید و مجرب میباشد

برص و خراج درد گلوها آبله و پستگو (ازامراض جلدی) ورم شعب آورام رودها زکام شدید و حاد سوءهضم ورم احشا ستوماتیت (زخم شدن زبان و دهن) وخاقهای سخت

کلی ازخواص مخصوص ستافیلازیرفع کردن اتفاقات ثانیه مزمن و برمور و پلاسیوم است

ستافیلازیدوری دکتر دوائین معالجه تنگی نفس و خاق سینه و مفاصل مزمن و تحجر شرائین و حالت بدسفلیسی را کرده بعدازمدتی جیران لاغری را میکند

ستافیلازبرموری دکتر دوائین مؤثرترین دواهای امراض عصبانی است درامراض صرع دولاب فلج واغماء و بی اختیاری دراذرار و کلیه درتمام مرضهای عصبانی مفید میباشد و درطهران منحصراست بدواخانه مسیو مولیون درخیابان لاله زار

بمفادضات عادلانه و محاورات عقل پسند نیک محسوس و معلوم کردند و گفتند اقلیم ما باید از لوثی چنین پاک باشد و این مرضهای مزمن مهلک از دنیای قدیم بقاره جدید سرایت نماید و چون بعضی امور دیگر نیز فیمابین ایالات و ولایات شمالی و جنوبی متنازع فیه بود و این اختلاف فریقین را شدت مبدا و ماده درست غلیظ شد و عاقبت هشت ولایت از ولایاتی که مایل بغلام داری بودند از ولایات متحده انا زونی جدا و منفصل شده خواستند دولتی جداگانه باشند و تابع رای ولایات شمال نگردند و حاصل انکه حرف حسابی مثل همیشه بخرج مغرض خود پسند نرفت و غرض و مرض بر صحت و استقامت بچربید و کار باستعمال اسلحه و توپ و تفنگ کشید و مدت محاربه چهارسال امتداد یافت باشد بهرچه تمامتر و نحتی بسیار و زیاده از دو کرور نفس درین وقعه و واقعه بهلاکت رسید و جمع کثیری زخمی و ناقص شدند و ابتدا پیشرفت با اهالی جنوب بود بعد شمالیها غلبه کردند و آخرالامر ولایات جنوبی را به تبعیت و همراهی با رای و خیال خود مجبور کردند

بقیه درنمره آتیه انشاءالله

هو المعین

روزنامه آزاد هفتگی

تربیت

صاحب امتیاز ذکاء الملک مدیر مدیر سیاسی

پنجشنبه یازدهم شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۲۳ هجری — پانزدهم ژوئن ماه فرنگی سنه ۱۹۰۵ میلادی

قیمت تک نمره همه جا دهشاهی است — نمره سیصد و شصت و پنجم — سالیانه در همین پای تخت پانزده هزار دینار

در سایر ولایات داخله هیجده هزار دینار — در تمام روسیه چهار مناط — در تمام هندوستان هفت روپیه — در تمام فرنگ و ممالک عثمانی و مصر ده فرانک

در دارالخلافه طهران طبع میشود — جریده علمی و ادبی و سیاسی — سال هشتم — قیمت اعلان سطری یکقران اگر مکرر شود تخفیف قیمت دارد

(بقیه تحقیق در باب ثروت ایران)

در ابتدای این تحقیقات گفتیم وسایل تولید ثروت و زیاد کردن آن چیزاست زمین سعی انسان سرمایه و در مقالات سابقه معلوم نمودیم که زمین و سعی انسان در بدست آوردن ثروت تا چه حد اهمیت دارد و برای اینکه از آن دو وسیله حظی کامل استیفا نمایند چه شرایط باید منظور دارند و ظاهر ساختیم که از مسامحه و اهمال در رعایت شروط مزبوره چگونه مادو چار ضرر و خسارت شده ایم و ثروت ما چه قدر کسر و نقصان یافته تا آنجا که روزگار جمعی را پریشان کرده و ضمنا فهمیدیم که دوا و علاج این دردها چیست و چه راهی باید اختیار نمائیم اما برای اینکه مسئله بطور کمال تحقیق شود و تکلیف درست و تمام مشخص و معین گردد باید مختصری هم از سرمایه که وسیله سیم تولید ثروت است ذکر کنیم ولی بطور لزوم این مطلب را مجددا اظهار مینمائیم تا بدانند که ما اولا در این تحقیقات بقید ترتیب علمی مقید میباشیم مگر در ضمن فهماندن و نمودن مصلحتهای ملک و ملت سر رشته هم از علم ثروت بدست برادران و ابنای این وطن داده باشیم چه مردم مملکت ما از این علم بکلی عاری میباشند و تدریس این در پس هیچوقت میان ما معمول نبوده و هر کس در خصوص مقاصد ثروتی چیزی فهمیده و دانسته بعقل و شعور فطری دانسته و فهمیده و این چنین مدرکات غالبا از خطا یا نقص مصون و خالی نیست ثانیا بسیاری از مطالب و مسائل این علم را عمدا ترک کردیم وجهت عمده آنکه عجالة ذکر آنها برای مطالعه کنندگان محترم غیر لازم است و بعدها نیز همین سبک را پیروی خواهیم نمود و همین رشته را امتداد خواهیم داد اکنون برویم بر سر اصل مطلب

ممکن است بعضی را در معنی سرمایه اشتباهی دست دهد و تصور نمایند که سرمایه آن پولی است که برابر میدهند یا تجار با آن تنخواه کسب و تجارت میکنند و حال آنکه چنین نیست این قسم سرمایه اگر تولید ثروتی نماید برای افراد است و پیش گفته ایم متمول شدن افراد غیر از متمول شدن مملکت است و بسیار اتفاق می افتد که افراد ثروتی حاصل میکنند در صورتی که ثروت مملکت زیاد نشده. فرض کنید شخصی هزار تومان پول بدیگری قرض داد و بعد از یکسال یخ تومان تنزیل از مقروض گرفت و مقروض هم هزار تومان

(متمم شرح حال واشینگتن)

جنگ بین ممالک و ایالات شمالی و جنوبی امریکا بر سر غلام داری و برده فروشی در سال هزار و هشتصد و شصت و پنج میلادی یعنی چهل سال قبل بانتها رسید و نتیجه آن این شد که در دنیای جدید بکار داشتن غلام جبرا و قهرا متروک و موقوف گردید و خرید و فروش بنده و برده منسوخ گشت و بعد از آن دول امریکا و فرنگ مخصوصا دولت انگلیس در منع این عمل همت و اصرار کردند و پافشردند تا در کلیه روی زمین کار برده فروشی رو بضعف گذاشت و آزادی و فراغت تخم امید کاشت و هرچه دول اروپا در افریقا و سایر نقاط بیشتر نفوذ پیدا کنند این کار ضعیف تر شود و روزی آید که بکلی برافتد و اسم و رسمی از آن در تمام کره ارض نماند

باید دانست که جنگ ولایات و ایالات شمال و جنوب آثار دنیائی خود آن ممالک خسارت عظیم وارد آورد چنانکه علاوه بر اتلاف نفوس کثیره مبالغ گزاف

بمصرف خوشگذرانی رسانید درین صورت پنج تومان بر تمول شخص طلبکار افزوده اما چیزی بر ثروت مملکت افزوده نشده پس این معامله بحال مملکت مفید نبوده و آن هزار تومان برای این سرزمین سرمایه محسوب نمیشود و در حکم اسبابی است که شما چندی در این اطاق خود گذاشته بودید بعد برداشته در اطاق دیگر گذاشتید

در اصطلاح علم ثروت سرمایه ثروتی است که آن را وقف تولید ثروت جدید نمایند

ازین تعریف معلوم میشود سرمایه باید از جمله ثروتها باشد و ثروت را پیش تعریف کرده ایم و ازین عبارت نیز دانستیم پول یکی از سرمایه ها است نه سرمایه مطلق بلکه سرمایه ایست که اهمیت آن کمتر از سایر اقسام سرمایه ها که ذیلاً ذکر میکنیم میباشد و فایده پول فقط این است که آلت کار و وسیله معامله واقع میشود وگرنه از خود قوه تولید ثروت ندارد باری از اقسام ثروت بعضی بالضروره سرمایه است یعنی فایده آنها فقط اعانه بتولید ثروت میباشد و نمیتوان هیچیک را بمصرف شخصی رسانده برخی بالقوه سرمایه است و امکان دارد که بمصرف شخصی هم برسد

اینک برای روشنی و وسعت ذهنها چند قسم سرمایه را بطور تمثیل ذکر میکنیم مابقی را همه کس میتواند قیاس کند و درک نماید از جمله سرمایه های عمده یکی زمینی است که بواسطه تخم و شیار و آبیاری و سایر اعمال فلاحتی آن را مستعد کشت و زرع کرده باشند دیگر ابنیه و مستغلاتی است که بکار امور زراعتی و صناعتی می اندازند دیگر مواشی و دواب که بجهت زراعت و کار و حمل و نقل و مسافرت بکار میبرند یا از آنها نفعی حاصل کنند دیگر ثروتهای نامبرده یعنی مواد کار کرده از قبیل پنبه و پشم و پیله وغیرها که بواسطه تصرفات انسان در آنها تولید ثروت مینماید دیگر آلات و افزار و ماشینها دیگر پول که آنهم نوعی آلت یعنی اسباب معاوضه و مبادلات دیگر طرق و شوارع و پلها و نهرهای مصنوعی که بکانال معروف شده و بنادر و دریاورا بهای آهن و سفاین و امثال آن و قس علی ذلک

بعضی از سرمایه ها خصوصی است یعنی در تصرف افراد میباشد و برخی عمومی که در دست دولت است و دولت مقداری از آن سرمایه ها را بمصرف امور خود میرساند بعبارة اخری وزارتخانه و دیوانخانه و محبس و امثال آن تشکیل میدهد و قدری را باختیار عموم مردم واگذارد که از آن بهره برند مثل طرق و شوارع و بنادر و اقسام موزه وغیرها

گویا حاجت نباشد که اهمیت و لزوم سرمایه را در تولید ثروت و زندگانی انسان شرح دهیم و دلیل برای ضرورت آن اقامه نمائیم زیرا که همه کس باندک تأمل این مطلب را میفهمد و ضمناً ملتفت میشود که سرمایه چیزی است که هر قدر اقوام و ملل بیشتر و بهتر از آن را داشته باشند قوه و قدرت و تمول و راحت ایشان زیادتر است و در واقع مزیت ملل متمدنه بر طوایف وحشی همین است که دارای سرمایه های متنوعه متعدده میباشند و ترقی انسان در راه تمدن عبارت است از زیاد و اختراع سرمایه های جدید خاصه آن سرمایه که ثابت یعنی بادوام باشد مثل آلات و افزار و ماشینها و عمارات و ابنیه چه این قسم سرمایه بیش از سرمایه های بی دوام قوه مولده ثروت را زیاد میکند و پر واضح است که سرمایه بادوام را مدتها میتوان در تولید ثروت بکار برد و حال آنکه سرمایه های دیگر چون یک مرتبه بکار افتاد

ضرر مالی بآنها وارد آمد دولت اتازونی قرضی سنگین پیدا کرد و همین فقره اسباب تولید مالیات و عوارض زیاد گردید و در اقلیم فرنگ هم کارخانه های بسیار بواسطه نرسیدن پنبه از امریکا بآنها خوابید و جمعی کثیر بیکار ماندند و پریشان شدند ولی بازعاقبت امر بخیر بود زیرا که اولاً آن مردم باحس انسان دوست هم وآئینی زشت را برانداختند ثانیاً رعایای دول اتازونی چون اهل تربیت و صنعت و مردمانی دانا و کارکن و بلند نظر میباشند فوراً بجبر کسرها پرداختند و در زمانی قلیل کاری کردند که اتازونی بحال قدرت و استطاعت خود بازگشت نمود بلکه از پیشتر بهتر شد و بآنجا رسید که اجمالاً شرح دادیم و حال بیست سال قبل اورا گفتیم و اما قوه و منبع سعادت و نکبت و ثروت امروز دنیای جدید بآن درجه است که محتاج بتفصیل و توضیح نیست و نه تنها رجال آگاه بلکه مردم بازاری هم میدانند که امریکای شمالی بعبارة اخری مزایای آن بلاد و ایالات معروف است و مستور نیست

از حال سرمایه بودن خارج میشود مثلاً پنبه برای صاحب کارخانه
بافندگی سرمایه است اما بمحض اینکه در کارخانه بمصرف رسید از رتبهٔ
سرمایه بودن خارج میگردد و دیگر تولید ثروت نمیکند همچنین زغال
و روغن و نفت و امثال آن لکن آدمی با ماشین و سایر آلات و افزارها
میتواند تولید ثروت نماید بدون اینکه آن ادوات از مقام سرمایه
بودن خارج گردد

بعد از این تحقیقات و بیان کلیات خوب است ملاحظه کنیم و ببینیم مملکت ما
از حیث سرمایه چه حال دارد و در کدام رتبه و مقام است بعقیدهٔ ما بادک
تأمل و تعقلی بوجود آشکار میشود که ایران از حیث سرمایه چندان غنی و
مستغنی نیست بلکه اگر دقت کنیم ملتفت خواهیم شد که عمده ضعف و نقصان
ثروت اهالی این سرزمین بواسطهٔ اهمالی است که در کار فراهم کردن
سرمایه نموده اند و مسلم است که سرمایه بخودی خود درست نمیشود انسان
باید کار کند و زحمت بکشد و سرمایه را فراهم و مهیا نماید فقط یک سرمایه
خداداد میباشد یعنی انسان بی زحمت دارای آن میگردد و آن عقل
و شعور است که باید بکار بندد و سرمایه را اختراع کند یا اقلاً سرمایه اختراع
شده را برای خود تحصیل نماید و ما عمدهٔ نقص و نقصانی که داریم از بابت سرمایه‌های
عمومی و سرمایه‌های ثابت بادوام است یعنی ماشینهای مختلفه و ابنیهٔ
زراعتی و صناعتی که کارخانه‌های مستوفیه و طرق و شوارع و آبنهار
مصنوعی و بناها و راههای آهن و سفاین که پیش هم مثال زدیم و میتوان
گفت از این قسم سرمایه هیچ نداریم یعنی آن عقل و شعوری را که سرمایهٔ خدا
داده است بکار نینداخته و مهمل گذاشته ایم و این است معنی آن
حرف که گفته اند تمدن ما ناقص است و تمدن فرنگیها از ما بیشتر میباشد و اگر
بخواهید درست واقف اسرار عالم تمدن شوید عرض میکنم مردم فرنگ
تمدن پانصد سال قبل را ترقی داده اند و تکمیل کرده اند ما غفلت کردیم و بیکار نشستیم
سهل است در تنزل آن کوشیدیم تا جامهٔ سربلندان را پوشیدیم
جسارت کرده از فرط میل بدکوتخواهی دولت علیهٔ ایران و این ملت
باشمت از دوستان و برادران و غیره عرض میکنم این است
آن دانشی که در انگلیس و فرانسه و المان و اتازونی و ژاپن ممالک را بثروت
و سعادت فایز نموده بلکه این است آن علمی که در دول معظمه مشغول تعلیم و
تعلم آن میباشند یعنی نخست درس میخوانند پس بعمل میپردازند اصلا
و مطلقا دخلی بظنیات بنده و حدسیات اخوی ندارد و هرکس گمان کند
میدانست بدون وجود در بیستی بداند که نمیدانست حالا دیگر مختارید عاجم
از اینکه بمصرف سر رسانید یا زیر پا گذارید

تکلیف من این بود ادا کردم و گفتم

رازی که نهفتند بدان من نهفتم

باری گذشته گذشت حالا فریضهٔ ذمهٔ اهل این مملکت است که با کمال
جد و جهد و سرعت و عجله در صدد فراهم کردن سرمایه برای ازدیاد
ثروت خود برآیند و چون بمکنت رسیدند خاطر جمع باشند که ما از آنها
چیزی نخواهیم خواست فقط برماست که راه وصول این مقصود را بابادی
وطن بنمائیم و در درِ دولت را بروی ایشان بگشائیم و انشاء الله در نمرهٔ
آینده بقدر مقدور این تکلیف را ادا خواهیم نمود بیاری رب
ودود و ملک معبود

اتازونی چندی است بخیال تجاوز از خاک خود افتاده چنانکه جنگ این دولت با دولت اسپانیا در چند سال قبل و مسلط شدن او بر جزیرهٔ کوبا و جزایر فیلیپین شاهد
این مدعا میباشد و سوانح آن و غلبهٔ اتازونی بر اسپانیا را همه کس میداند و آخر الامر رأی این دولت باعظمت امروز در تمام امور دنیا مداخله دارد و طرف
ملاحظه است و مساعدت یا مخالفت او منتها درجهٔ اهمیت میباشد و بنابرین حالا که کار سفاین بالتیک روس بانجا کشید و پیشرفتی پیدا نکرد ما و بسیاری از هواخواهان
صلح انتظار میکشیم و میکشند که ببینند در مسئلهٔ شرق اقصی دولت معظمهٔ اتازونی چه میفرماید و چگونه جلو این خونریزی را میگیرد وضع مداخلهٔ او چون است و کاری
میکند که خیالها آسوده شود و خداوندان رحم برای زخمهای گذشته فکری میکنند و بخیال علاج دردهای بیدرمان پیکر مریض و نزار انسانیت میافتند یا نه!
شرح حال واشینگتن سردار بزرگ امریکا و رئیس جمهوری اتازونی را مینوشتیم و مقصود از بیان ترقیات آن اقلیم و شوکت و عظمت دنیای جدید اینکه واشینگتن

(جنگ رُوس و ژاپُن)

امروز گفتگوئی که در مجالس و محافل آگاهی میشود در باب وقایع جنگ بحری آخری رُوس و ژاپن است باعتقاد رُوزنامه‌های انگلیس این محاربه شانزدهم جنگ بزرگ قطعی دنیا میباشد چه قبل ازین محاربه در تمام تاریخ عالم پانزده جنگ بزرگ قطعی میشمرند باری غلبهٔ امیرال توگورا بر سفاین بالتیک چنانکه در نمرهٔ قبل اشاره کردیم نظیر فتوحات بزرگ امیرال نلسن انگلیسی میخوانند و معادل حرب ترافالگار میدانند بعد ازین جنگ اسناد قرض ژاپن رُو بترقی گذاشته و یکی از رُوزنامه‌های رُوسی میگوید این واقعه نتیجهٔ جنگ را معلوم کرده و دورهٔ جدیدی از تاریخ افتتاح نمود رُوزنامه‌های فرانسه مؤکداً بر رُوسها نصیحت میکنند که مُصالحه کنند و اُمیدواری بصلح حاصل است اما تا کنون خبر نداریم که مذاکره درین باب شده باشد

امیرال توگو قبل از وقوع این محاربه نطقی کرده و باجزای خود گفته بُود سرنوشت دولت بسته بواقعه ایست که در پیش داریم یعنی باین جنگ دریائی همه از شما مترقب اند که آنچه در قوه دارید درین محاربه بعمل آرید و راستی آن دلاوران حد جانفشانی را ظاهر ساختند و خوب از عهدهٔ تکلیف خود برآمدند

خساراتی که درین جنگ بژاپن وارد آمده اهمیتی ندارد بعبارهٔ اخری چندان قابل نیست عدهٔ تلفات ایشان بنابر راپرت امیرال توگو بهشتصد نفر نمیرسد و بنابر اخبار رُوتر از سفاین ژاپنی فقط سه کشتی تورپیل از دست رفته

اما خسارت رُوس از بابت سفاین بیست و دو فروند است و ازین شماره بعضی بدست ژاپنیها افتاده یعنی تسلیم ایشان شده و برخی شکسته و غرق و نابود گشته عدهٔ تلفات درست معلوم نیست علی الظاهر اجزای سفاین که غرق شده اندازه هزار نفر میباشند و چهار هزار نفر از آنها بدست ژاپنیها اسیر شده یعنی از مرگ نجات یافته ما بقی بدریا فرو رفته اند و البته اگر تلف شده اگرچه مذکور شد که باز قریب هزار نفر از ایشان را ژاپنیها از دریا گرفته و از هلاک خلاصی داده اند اینک موج دریا همواره نعش و اجساد غرق شدگان را بساحلهای اندازد و دلها را از حال آن بیچارگان منقلب میسازد

اما امیرال رژدستونسکی در حین فرار گرفتار گشته اکنون در بیمارستان بندر ساز بو از بنادر ژاپن زخمهای اُورا معالجه میکنند زیرا که مجروح شده یعنی پیشانی او شکسته و پا و کمرش زخم برداشته است

یکی دو فروند از جهازات کوچک بالتیک خود را بولادیوستک رسانیده و شش هفت فروند از آن سفاین هم به بنادر چین رفته اند و در آنجا توقیف خواهند بُود

(اخبار زمان)

یکی از شاهزادگان ژاپن معرُوف و موسُوم بپرنس ارپزدگاوا پس این اوقات در اروپا سفر میکند چندی قبل در پاریس در ضیافت انجمن فرانسه پرنس مشارالیه جامی شربت بسلامتی رئیس جمهوری فرانسه نوشید و گفت یقین دارم بعد ازین روابط ژاپن با فرانسه بهتر خواهد شد

تأسیس اساسی نموده که از صعب مبانی و ارکان در تمام جهان بیش از معدودی نظیر و مانند ندارد و بنائی ساخته که بباریدن باران و تابیدن آفتاب خراب نگردد چرا؟ برای آنکه خشت اول را راست گذاشته و مطلقاً خیال کجی نداشته و هرکس میل دارد واقعی وطن پرست و خادم ملت باشد یا اُورا دوست دارد و نیکوکار شمارد باید مکرر شرح حال واشینگتن را بخواند و بداند در هر دوران چگونه رفتند که بجائی رسیدند یا دارای جاه و مقامی عالی شدند حرف مفت نزدند ادعای بیجا نکردند برای مال مردم کیسه ندوختند دین را بدنیا نفروختند لب بستند و باز و گشادند نگرفتند و دادند و چون خود را ندیدند عالم و عالمیان تا قیامت آنها را می بینند و ذکر جمیل ایشان را منتشر میسازند و هرکس غیر ازین کند امروز چیزی نیست و فردا ناچیز صرف است و البته مطالعه کنندگان محترم بخاطر دارند که فرانکلن امریکائی هم در عالم پلیتیک چقدر رنگ بواشینگتن نمود و هروقت سران را زدان بگویند و واشینگتن از فرانکلن هم یاد میکنند

پرنس ژاپنی ببرلن نیز رفت و آن مقارن جنگ بحری آخری بود باین جهت مردم خیلی باو احترام و مهربانی نمودند اعلیحضرت امپراطور المان و ولیعهد آن دولت و دو شاهزادهٔ دیگر و صاحبمنصبان و معتبرین اهل نظام و بحریه و اجزای سفارت ژاپن در گار راه آهن باستقبال شاهزادهٔ ژاپن رفتند و در همان گار اعلیحضرت امپراطور باژ اسپهای خاصهٔ مهربانی نموده و با اجزای سفارت صحبت فرموده و پرنس معظم هم بکمال مودت خیر مقدم گفتند جمعیت نیز برای خوش آمد شاهزاده هورا کشیدند شب پرنس ژاپن در قصر سلطنتی شام خورد و جمعی از بزرگان نیز حاضر بودند

بواسطهٔ شکست سفاین بالتیک روزنامه‌های روس گفتگوهای خود را در باب سلطنت مشروطه تجدید نموده میگویند ترتیب حالیه که مبنی بر تسلط معدودی مختار مطلق است مملکت روس را طوری تنگین کرده که میگذرد که مزیدی بر آن متصور نیست گویند امپراطور الکسیف با اعلیحضرت امپراطور روس در باب امور حالیه گفتگو کرده تا نتیجه چه باشد

اعلیحضرت الفنس پادشاه اسپانیا این روزها در ممالک فرانسه و انگلیس سفر میکنند روز بیست و ششم ربیع الاول در پاریس هنگامی که با جناب معظم رئیس جمهوری سوار کالسکه بود و گردش مینمود یک نفر بیاپاس عطه نارنجکی برای ایشان انداخت باعلیحضرت پادشاه اسپانیا و جناب رئیس جمهوری صدمه وارد نیامد اما در حوالی و اطراف ایشان بیست نفر مجروح شدند مرتکب جنایت دستگیر شد و اعلیحضرت الفنس طوری آرامی و خوش خلقی ظاهر کردند که طرف مهر و محبت مردم پاریس واقع شدند لکن مردم پاریس دنبال پای تخت اسپانیا ازین سوء قصد متغیر شدند احتمال میرود که توطیهٔ این کار را در بار رسلن از بلاد اسپانیا کرده باشند

گویند اعلیحضرت سلطان مراسلهٔ بمایندهٔ دولت فرانسه گفته است تکالیف فرانسه را ممکن نیست که من قبول کنم و میل دارم هر قسم اصلاح و تغییری داده شود برضای دول باشد اکنون اعلیحضرت سلطان در بارهٔ تشکیل مجمعی از دول استمزاج مینماید

وزیر امور خارجهٔ انگلیس در ضیافتی اظهار داشته که از طرف ما و ژاپن هیچکدام گفتگوی ختم عهد اتحاد بمیان نیامده و بعقیدهٔ ما این اتحاد عنقریب تجدید خواهد شد مسئله این است که آیا در وقت تجدید ما این اتحاد بشکل حالیه خواهد بود یا مکمل میشود نیز اظهار داشت که از نتایج اتحاد انگلیس و ژاپن یکی این است که جنگ شرق اقصی عمومیت پیدا نکرد لکن خوب است بعد ازین طوری شود که مطلقا مانع بروز جنگ گردد و مودت ما یعنی انگلیس با فرانسه حصول مقصود را سهل نموده و اگر وقایع خفیهٔ این چند ماه آخر مکشوف شود ظاهر میگردد که مودت انگلیس و فرانسه کدورتهای بسیار را که در میانه پیدا شده و در موقع جنگ ناچار بروز نمیکرد تخفیف داده و منتفع کرده است باری اتحاد انگلیس با ژاپن و مودت با فرانسه ابدا بغرض شخصی و برای تعرض بسایرین نبوده و نیست بلکه غرض ما فقط این است که در کار حفظ صلح باشیم و از صدمات و مصائب جنگ احتراز کنیم

(اخبار داخله)

انجمن کرامت را بذکر اولیاء زینت دیده‌اند

قادر متعال و حضرت ذو الجلال جل ذکره و عز اسمه اقطار ما را بانوار معارف روشن فرماید مگر دانش و آگاهی جمال حال را بیاراید و روان در دمند در ظل عاطفت علم و صنعت بیاساید دنیای جدید را علم و صنعت دنیای جدید کرده و بثروت و تمکنی که شنیده‌اید رسانده بلکه پیداشدن و آشیکتن و فرانکلن که هر دو از خلقتهای فوق العاده بوده نیز موقوف بشیوع و رواج علوم و صنایع است گمان نکنید در ایران ما فیاض مطلق و آشیکتن و فرانکلن نیافریده و ناحیهٔ ما را ازین قبیل آفریده محروم گذاشته بلکه یقین داشته باشید که ما هم با مثال این نعمتها منعم بوده و هستیم غیر از اینکه ممالک متمدنه قدر و آشیکتنها و فرانکلنهای خود را میدانند و آنها را بکاری اندازند و ما ایشان را بیکار گذاشته گرفتار رسل و دق میسنائیم والسلام

کتبه زین العابدین الملقب بملک الخطائین

(دبستان دانش)

خاطر عاطر مطالعه کنندگان محترم مسبوق است و میدانند مکتبی ابتدائی باسم (دبستان دانش) در طهران بهمت والای جناب مستطاب اشرف پرنس ارفع الدوله سفیر کبیر دولت علیهٔ ایران مقیم اسلامبول ادام الله اقباله العالی دایر است و هر سال تقریباً در اواخر بهار این دبستان یک روز جشن میگیرد و شاگردان امتحان میدهند و مراتب تحصیل و کار یکساله را اظهار میسازند امسال هم روز یکشنبه بیست و سیم ماه گذشته (ربیع الاوّل) آن انجمن سعادت مثل پسنوات سابقه در باغ جناب مستطاب حاجی حسین آقای امین دار الضرب منعقد گشت حضرت مستطاب اجل معظم مشیر الدوله وزیر امور خارجه ضاعف الله اجلاله و جناب مستطاب اجل عالی شمس الدین بیک سفیر کبیر دولت علیهٔ عثمانی و جناب مستطاب اجل اکرم ظهیر الدوله وزیر تشریفات ادام الله اقبالهما امرای مجلس بودند و از بزرگان و اعیان و وجوه اهل علم و دانش وعیون ارباب فضل و کمال جمعی کثیر آن حوزه رفعت را آراسته داشتند همه قسم امتحان بعمل مد و شاگردان علاوه بر نوشتن و خواندن مسائل حسابی حل کردند و در تاریخ و جغرافیا هنر نمودند و آشکار شد که دوره خیبت و نومیدی میگذرد و بوی امیدواری می آید بلکه ثابت گشت که دانستن علل ترقی و تنزل امم و پیشرفت و نکس قبایل اهل عالم مولد ارتداد و موروث ضعف عقیده نیست بلکه دانشهای ظاهری مبانی خیالات انسان را بهتر محکم میکند و میدانند که ابی الله ان یجری الاشیاء الا باسبابها بی سبب کارخانهٔ خلقت دایر نشده و این جهان سرخود پیش و بازیچهٔ جانیان نگشته باری مجلسیان بعد از تشکر و امتنان از موسس بلند قدر این اساس عالی و تمام کارگذاران این دایرهٔ نافعه خاصه جناب مستطاب شریعت نصاب آقای حاجی میرزا یحیی سلمه الله تعالی که در کلیهٔ امور این آموزگارخانه مساعی جمیله مبذول میدارند و پس از اجرای رسوم و آداب معموله از دعا و ثنا باشف کامل و مسرت بسیار بمنازل خود معاودت نمودند

(نقل از روزنامهٔ غرای ایران سلطانی)

اسامی ملتزمین رکاب اعلی که عازم سفر خیریت اثر فرنگ شده اند

نواب مستطاب والاشاهزاده نصرت السلطنه نواب مستطاب والاشاهزاده عضد السلطنه فرزند حضرت مستطاب والاشاهزاده اعظم ولیعهد نواب مستطاب والاشاهزاده معظم عین الدوله صدر اعظم نواب شاهزاده نیر الدوله نواب شاهزاده موثق الدوله خوان سالار جناب امیر بهادر جنگ سردار و وزیر دربار اعظم جناب وزیر افخم جناب امین الدوله وزیر وظایف و اوقاف جناب علاء الملک وزیر علوم و معارف جناب ناصر الملک وزیر دار الشورای کبری جناب حاجی ناصر السلطنه وزیر کل جنس غلات دیوانی نواب شمس الملک امیر آخور اصطبل مبارک مهندس الممالک وزیر معادن و طرق و شوارع حاجی محتشم السلطنه رئیس کل ادارهٔ وزارت جلیلهٔ خارجه موثق الملک وزیر صندوق و قبانه و رختدارخانهٔ مبارکه امین حضرت وزیر اعتمادیهٔ دولتی وزیر بقایا و تشی حضور همایون دبیر حضور منشی مخصوص صدارت عظمی ممتاز الدوله

(عملهٔ خلوت و اطبار خاصه)

نواب حسام السلطنه دکتر شنیدر حکیم باشی حضور همایون میرزا خلیل خان اعلم الدوله طبیب مخصوص حضور همایون حکیم الملک طبیب حضور همایون دکتر لیسندلی ناصر الممالک اصحاب الملک سیف السلطان آقا سید حسینخان مؤتمن حضور حاجب السلطان بصیر السلطنه عکاسباشی مصدق الملک خازن السلطان ناصر همایون

(فراشخلوتان و غیرهم)

حسینخان ابراهیم خان مرادخان سید محمدخان خاصه خان غلام خان آبدار دونفر علهٔ صندوقخانه یک نفر

(اعلان)

یکباب خانه که مشتمل بر سه دست عمارت است و عمارت از حیاط بیرونی و اندرونی و باغچه و باغچه هم پنج شش اطاق با سایر لوازم دارد و این هر سه عمارت جدید البناء خوب و مرغوب با تمام ما یلزم

در دروازهٔ قزوین خیابان ارامنه در کوچهٔ محاذی مدرسهٔ دختران تارک دنیا واقع و بقیمت اهل خبره بفروش میرسد عمارات مزبوره معروف است بخانهٔ میرزا حسنخان معاون الوزاره و متعلق بجناب جلالتمآب اجل معزی الیه دام اجلاله است هرکس طالب باشد بخود آن جناب رجوع نماید

نزدیک دبستگاه عمارت کوچک مشتمل بر دو دست که من حیث المجموع قریب دویست و پنجاه ذرع مربع میشود و در کوچهٔ جنب حمام جناب مستطاب اجل اکرم قوام الدوله که معروف بکوچهٔ جناب قوام دفتراست و در خیابان دروازهٔ قزوین واقع و این دبستگاه هم متعلق بجناب جلالتمآب اجل میرزا حسنخان معاون الوزاره میباشد و بقیمت اهل خبره بفروش میرسد هرکس طالب باشد باز بجناب معزی الیه دام اقباله رجوع کند

(ایضاً اعلان)

(پستافیلاز دکتر دُوایَن)

محلول غلیظی از مواد حامله مخمرات آب جو و انگور که در امراض ذیل بسیار مفید و مجرب میباشد

برص و خراج اقسام دگلو آم پتیگو (از امراض جلدی)
درم شعب اُدرام رُودها زکام شدید دحاً سُوزِهضم
درم احشا ستوماتیت (زخم شدن زبان و دهن) و خناقهای سخت

یکی از خواص مخصوص ستافیلاز رفع کردن اتفاقات ثانیه بدور و برمور دو پطاسیوم است

پستافیلاز یدوری دکتر دُوایَن معالجهٔ تنگی نفس و خناق سینه و سعال مزمن و تحجر شرائین و حالت بدسفیلیسی را کرده بعد از مدتی جیران لاغری را میکند

پستافیلاز برمُوری دکتر دُوایَن مؤثرترین دواهای امراض عصبانی است در امراض صرع و دولاب فلج و اغما و بی اختیاری دَرار و دَرار و دَرار و کزاز در تمام مرضهای عصبانی مفید میباشد و در طهران منحصراً بدواخانهٔ مسیو مُولیُون در خیابان لاله زار

(ایضاً اعلان)

یک قطعه باغچهٔ مشجر در قرب دروازهٔ جدید قزوین روبروی مستغلات جناب حاجی ملک التجار از دو طرف روبخیابان که بر حسب مساحت شش شهرا و کسری میشود متعلق بجناب مستطاب اجل آقای میرزا حسنخان پسر مرحوم خلد مکان میرزا عباسقلی خان قوام الدوله است بقیمت اهل خبره فروخته میشود هرکس طالب است در محکمهٔ جناب جلالتمآب حاجی میرزا علیخان دکتر انتظام الحکما که در نزدیکی همان خیابان باغچه است تشریف بُرده طیّ گفتگو نمایند

(ایضاً اعلان)

(تُنیک بُوژُو با پُوست گنه گنه وکاکاتُو) تنیک بُوژُو برای بیمار بهترین مقوّی و مطبوع ترین اشربه است همه روزه اطبای عالم آن را در رقت خون و پریدگی رنگ و همه نوع تب و امراض عصبانی و معده تجویز مینمایند این مشروب مخصوصاً برای ناقهین و اطفال ضعیف و زنهای کم بنیه و پیرمردان ضعیف علیل المزاج بسیار مفید و نافع است

محل فروش در پاریس لوبو و کمپانی نمرهٔ ۵ کوچهٔ بورگ لابه در طهران منحصراً بدواخانهٔ مسیو مُولیُون در خیابان لاله زار

(ایضاً اعلان)

جناب فضایل نصاب آقا میرزا حسین ولد جناب مستطاب شریعتمدار حاج میرزا محمد علی پارسال برای شکر نعمت الهی و خداوند متعال که اُورا دارای علم و هنری کرده اعلان نموده بود که با دقت وقیله را از اطفال خورد سال که در عنفوان شباب باشند ذکوراً اناثاً بدون شرب دوا و عمل بدی و داغ در مدت سه ماه الی شش ماه معالجه میکند و از برای نسوان پرستار و معالج زنانه دارد چون پارسال مردم گرفتار آن بلای عام بودند چندان حال رُوزنامه خواندن نداشتند لهذا مجدداً اعلان مینماید

منزل جناب آقا میرزا حسین در کوچهٔ جناب مستطاب اجل نصیر الدوله

و در جنب حمام میرزا علی اصغر است هر کس کاری داشته باشد باینمحل رجوع کند

(ایضاً اعلان)

(شفای امراض نسوان بواسطهٔ پماژن تایر)

در میان امراض بیشمار که عارض انسان میشود بعضی اختصاص بنسوان دارد و عمده عرض ها حالاتی است که هر ماه عارض میشود و گاهی بطوری دردناک میباشد که حقیقةً مرض محسوب میگردد دیگر امراضی که حدود چهل سالگی و اوجاع وضع حمل و قولنجهائی که بعد از وضع حمل عارض میشود

تا بحال اطبا برای این امراض دوای مؤثری نداشتند و موادی که بکار میبردند بی فایده یا مضر بود این امراض حالا بواسطهٔ کشف پماژن تایر علاج میشود

پماژن تایر که در دواخانهٔ فرانسوی مسیو مولیون در خیابان لالهزار طهران بفروش میرسد دوائی است از درجهٔ اول برای نسوانی که هر ماه رنجور میشوند یا در وضع حمل دو چار مشکلات میگردند

مقدار خوراک آن روزی چهار الی شش قرص است باهر قدر که طبیب تجویز کند

دواخانهٔ مسیو مولیون رساله هم بزبان فارسی برای اطبا ترتیب داده و شرح تجاربی را که معلمین بزرگ پاریس دربارهٔ پماژن تایر کرده اند در آن رساله درج نموده قیمت بطری بزرگ آن دوازده قران

(ایضاً اعلان)

کتاب کلبهٔ هندی ترجمه و نگارش بندهٔ اقل که فضلای بزرگ آن را پسندیده و تصدیقهای بلیغ در باب آن نموده و میتوان گفت علاوه برانکه حکایتی شیرین و روایتی دلنشین است مشتمل بر مطالب مفیده و حکمتهای سودمند میباشد در هر حال در کمال امتیاز طبع شده در خیابان ناصریه در حجرهٔ کتابفروشی جناب آقا شیخ محمد حسن طهرانی بفروش میرسد قیمت پنج هزار دینار

(ایضاً اعلان)

تنشیک مقوی دکتر دشام با کالوپوست گنه گنه و ککا و گلیسروفسفات دوفر برای آنکه طول مدت زندگانی تقریباً یکصد سال رسد قبل از نهار و شام یک گیلاس کوچک از این دوا بخورند نسخهٔ این دوا در همه جا معروف است و جمیع اطبا دنیا تجویز کرده اند این دوا بحالت محلول کامل مواد عالیهٔ پوست گنه گنه و کلا و برگ ککا و گلیسروفسفات دوفر را دربردارد و روی هم رفته برای محکم کردن استخوانها و قوت دادن آنها دوای خوبی است این مواد عالیه که اثر هریک را جمیع اطبا تصدیق کرده باکمال دقت ساخته میشود مقوی و مصلح و محرک اشتهاست و باشخاصی که مبتلا بضعف پیری میباشند یا از جهت ناخوشی ضعیف المزاج شده قوت میدهد و اسباب استحکام و مدد بنیهٔ آنها میگردد و چون قیمت دوا مناسب است همه کس میتواند بخرد و صرف کند

قیمت یک بطری آن هشت قران و دوازده بطری نه تومان و محل فروش در طهران منحصر است بدواخانهٔ مسیو مولیون در خیابان لاله زار

(ایضاً اعلان)

کتاب دستور حکومت از رسایل بسیار مفید و کتب معتبر نافع بخط نویسندهٔ همین روزنامه در کمال امتیاز طبع شده در حجرهٔ کتابفروشی جناب آقا شیخ محمد حسن طهرانی در خیابان ناصریه زیر عمارت مبارکهٔ شمس العماره بفروش میرسد قیمت با جلد دو ریال

پوشیده نباشد که کتاب دستور حکومت ترجمهٔ نامه و عهد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است بمالک اشتر در وقتیکه مأمور حکومت مصر شده بود این نامهٔ مبارکه را بندهٔ اقل ترجمه و انشا نموده طوری که نه اخلالی بفصاحت و بلاغت آن وارد آید نه فهمیدن آن مشکل باشد و بر هر کس که طالب دانائی است خواندن این رساله واجب خواهد بود و بعضی اطلاعات هم در اول رساله هست که موروث مزید بصیرت میگردد